13 مقاله‌ى سودمند

تأليف:

جمعي از نويسندگان

تهيه:

اسحاق بن عبدالله العوضى

چاپ اول 1428/1386هـ

**المكتب التعاوني للدعوة وتوعية الجاليات بالربوة بمدينة الرياض**

**1428 – 2007**

[الإسلام بين يدي الملايين! شعار حملناه لنشر الإسلام الصحيح والفقه في الدين المستمد من الكتاب والسنة بفهم سلف هذه الأمة بعشرات لغات العالم](http://www.islamhouse.com/)

شناسنامه کتاب

ــــــــــــــــــــــــــــــــــــ

نام کتاب : 13 رساله‌ى سودمند.

تهيه : إسحاق بن عبدالله دبيرى العوضي.

نویسنده : جمعى از نويسندگان.

ناشر : انتشارات حقیقت.

تیراژ : 10000.

سال چاپ : 1386هـ .ش برابر با ذى حجه 1428هـ. ق.

نوبت چاپ : اول.

آدرس ایمیل: En\_Haghighat@yahoo.com

سايتهاي مفيد اسلامي: [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com/)

[www.ahlesonnat.net](http://www.ahlesonnat.net/)

[www.isl.org.uk](http://www.isl.org.uk/)

[www.islamtape.com](http://www.islamtape.com/)

فهرست رساله‌ها

| م | عنوان | ص |
| --- | --- | --- |
|  | فرمانبرداری و نیکی به والدین(اطاعت از پدر و مادر) | 4 |
|  | اندرزدهنده خاموش | 13 |
|  | راه بدون بازگشت | 18 |
|  | پاک‌کنندگان گناهان | 26 |
|  | زنان دوزخی | 51 |
|  | قرآن سندی است یا به نفع شما و یا بر علیه شما | 76 |
|  | اذکار در برگیرنده (حافظ) مسلمان | 103 |
|  | خانواده ناپاکیها | 127 |
|  | نزدیکترین راه بسوی بهشت | 146 |
|  | غمگین مباش | 151 |
|  | دروازه بدیها | 157 |
|  | آيا مى‌داني مفلس كيست؟ | 179 |
|  | چرا صحابه را دوست مى‌داريم؟ | 188 |

🟔🏵🟔🏵🟔

ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ

الحمدلله وحده والصلاه والسلام على من لا نبي بعده نبينا محمد وعلى آله وصحبه أما بعد

سپاس برای خدای یکتا، درود و سلام بر خاتم پیغمبران محمد ص آل و اصحاب او باد.

برادر و خواهر مسلمان بدان که همانا حق پدر و مادر «والدین» بسیار بزرگ و شأن و منزلت آنها در دین بسیار مورد توجه است. سپاسگزاری از آنان برابر است با سپاسگزاری و شکرگزاری خداى «عزوجل» و نیکی کردن به آنها نزد خدا از محبوبترین و بهترین کارهاست. هیچ احدی منکر فضل، بزرگی و منزلت والای آنها در دلها نیست. چه بسیار عطوفت و رحم و رعایت‌ها که فرزندان از پدران و مادرانشان بدست آورده‌اند. شبهای شب بیدار ماندند تا فرزندشان بخواب برود.

رنجها را بخاطر آسایش وی متحمل شدند. تلاشها نمودند تا وی خوشبخت و سعادتمند شود، عمرشان را فدا نمودند تا زیبايی و طراوت عمر فرزند زنده بماند.

چه بسیار حقوقی که دارند و چه بسیار نیکی و احترام که برایشان لازم است!

نیکی و خدمت به پدر و مادر وظیفه‌ایست که فرزندان خوش رفتار، فهمیده و فرزانه آن را بعهده می‌گیرند. آنهائیکه راه فرمانبرداری و اطاعت، جوانمردی و مروت را می‌شناسند، و برای بدست آوردن سعادت در دنیا و آخرت تلاش می‌نمایند، فرزندانی که ارزش فرمان‌برداری و خدمت را می‌دانند، و نزد آنان تربیتی که از والدین خود گرفته‌اند مثمر ثمر واقع شده، و «هم‌اکنون دوران استفاده پدر و مادر از ثمره آن است».

برادر و خواهر مسلمان: بدانکه فرمانبرداری و نیکی به پدر و مادر نزد خداوند از محبوبترین اعمال است. عبدالله بن مسعود می‌فرماید: «سألت النبي ص أي العمل أحب الله؟ قال: الصلاة علی وقتها. قال: ثم أي؟ قال: برالوالدین. قال: ثم أي؟ قال: الجهاد في سبیل الله». (البخاری ومسلم).

از پیامبر ص سوال نمودم چه عملی نزد خدا محبوبتر و دوست داشتنی‌تر است. فرمود نماز در وقت، گفت: بعد از آن کدام عمل؟ فرمود: نیکی کردن و فرمانبرداری پدر و مادر. گفت: بعد از آن؟ فرمود: جهاد در راه خدا.

نیکی و فرمانبرداری پدر و مادر راهی است بسوی بهشت: رسول الله ص فرمودند: «رغم أنف، ثم رغم أنف، ثم رغم أنف، قيل من یا رسول الله؟ قال: من أدرک أبویه عند الکبر أحدهما أو کلیهما فلم یدخل الجنة». (مسلم).

دماغش با حالت خواری بر خاک خورد «خاک برسرش» باز خاک بر سرش، باز خاک برسرش، عرض کردند چه کسی یا رسول الله؟ فرمود: کسی که یکی از پدر و مادرش یا هر دوی آنها را در سن پیری درک کند، و کاری نکند که به بهشت برود. «یعنی آنچه لازم است در حق آنان نیکی و خدمتگذاری نکند و در اثر این كاخهاى بهشت را از دست بدهد».

پیامبر ص می‌فرماید: «الوالد أوسط أبواب الجنة فإن شئت فأضع ذلک الباب، أو احفظه». (أحمد، ترمذي، ابن ماجه وآلباني آنرا در صحيح الترغيب صحيح دانسته است). پدر و مادر بهترين و بالاترين، درهای بهشت می‌باشند پس اگر می‌خواهی وارد آن شوی مراقب آن در باش «به پدر و مادرت نیکی، و از آنان نافرمانی مکن» و یا آن در را «در اثر آزار و نافرمانی آنان» از دست بده و ضایع گردان.

نیکی نسبت به پدر و مادر موجب زیادی عمر و فزونی و رونقی رزق و روزی می‌شود.

رسول الله ص می‌فرماید: «مَن سَرَّهُ أَن یَمُدَّ لَه في عُمرِه وَیُزادَ في رِزقِهِ، فَیَبَر والِدَیه ولیَصِل رَحِمَهُ». (صحیح الترغیب: 2488).

کسی که دوست دارد در دنیا عمرش طولانی و با برکت، و رزق و روزی‌اش افزون گردد «فزونی یابد» به پدر و مادر خویش نیکی کند، و صله رحم «رفت و آمد فامیل نزدیک» انجام دهد.

و اینک آدابی چند درباره رفتار با پدر و مادر که رعایت آنها لازم و ضروری است تا شاید که اندکی از دَیْن و بدهكارى خود نسبت به آنان ادا کرده. و قسمتی از آنچه که خداوند نسبت به آنان بر ما واجب گردانیده بجا بياوریم تا که خدایمان را راضی، روحمان را شاد، زندگیمان را شیرین، و کارهایمان را آسان نموده و خداوند عمرمان را پر برکت نماید.

1- پیروی و فرمانبرداری از آنها و اجتناب و پرهیز از نافرمانی آنان: بر مسلمان فرض و واجب است که از پدر و مادرش فرمانبرداری نموده، و از نافرمانی آنها بپرهیزد، و اطاعت آنها را بجز شوهر که اطاعت و فرمانبرداری او مقدم بر اطاعت از پدر و مادر است بر اطاعت هر فرد دیگری مقدم دارد. مادامیکه بر معصیت و نافرمانی خدا و رسولش دستور ندهند. «یعنی اطاعت از والدین در معصیت خداوند جائز نیست. مثلاً چنانچه پدر و مادر به کفر و الحاد یا نافرمانی خدا دستور دادند بر فرزند لازم است که به احسان و نیکی خود نسبت به آنان تداوم بخشد، اما در معصیت و نافرمانی از اوامر و دستورات خدا از آنان اطاعت ننماید».

2- نیکی نمودن به آنها: هم بوسیله گفتار، و هم بوسیله کردارد «به قول و عمل و به هر وسیله ممکن».

3- فروتنی و تواضع: بوسیله فروتنی و تواضع نسبت به آنها و انجام دادن کارهایشان «خم شدن برای کارهایشان».

4- دوری از داد زدن بر سر آنها: بوسیله کلام ملایم و آرام سخن گفتن با آنها، مهربانی کردن به هنگام صحبت و گفتگو، و پرهیز از هر نوع درشتی و فریاد زدن بر سر آنها.

5- گوش دادن به آنها: بوسیله رو کردن به آنها هنگام صحبت کردن آنها، و ترک قطع نمودن حرفها و کشمکش با آنها، و پرهیز از هر نوع تکذیب و یا رد نمودن حرفهایشان.

6- خشنود و شاد شدن بدستورات آنها: ترک اظهار اندوه و بستوه آمدن و دلتنگ شدن از دست آنها همانطور که خداوند می‌فرماید: ﮋ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮊ. (الإسراء: ٢٣).

«كمترين اهانتى به آنها روا مدار(به آنها اف مگو)! و بر آنها فرياد مزن».

یعنی کلمه اف «وای و آه» را که علامت اظهار ناراحتی و بیانگر دلتنگی است بر سر زبان نیاورید، تا ثابت شود که به دستورات آنها خوشحال و مسرور هستید.

7- گشاده روئی در حق آنها: بوسیله روبرو شدن با آنان با فراخی و خوشرویی و دوری و پرهیز از اخم کردن و ترشرویی.

8- اظهار دوستی و محبت به آنها: بوسیله سلام کردن به آنها، دستبوسی و روبوسی آنان و جادادن به آنها در مجلس.

9- با ادب و احترام نشستن در مقابل آنها: بوسیله درست نشستن و پرهیز از هر چه که آنها فکر کنند اهانت و بی‌احترامی به آنها است. مانند دراز کشیدن، با خنده پر صدا بحضور آنان دراز کشیدن و برهنه شدن. اشتغال به منکرات نزد آنان و غیر اینها که منافی ادب و احترام باشد.

10- پرهیز از منت گذاشتن و به رخ کشیدن بخشش و یا خدمتی که نسبت به آنها انجام می‌دهید: منت گذاردن، احساس و نیکی انسان را به هدر می‌دهد، و از عیبهای اخلاق است، و زشتی آن هنگامی بیشتر می‌شود که در حق پدر و مادر باشد.

11- مقدم داشتن حق مادر «بر پدر به هنگام انتخاب یکی از آن دو»: از مواردی که باز رعایت آن لازم است مقدم داشتن نیکی و فرمانبرداری در حق مادر بر فرمانبرداری و توجه به پدر است. و آن بخاطر حدیث پیامبر است.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي؟ قَالَ: «أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أَبُوكَ». (البخارى:5971).

ابوهريره مي‌گويد: شخصي نزد رسول ‏الله ص آمد و گفت: چه كسي براي خوش رفتاري من از ديگران، مستحق‌تر است؟ فرمود: «مادرت». گفت: سپس چه كسي؟ فرمود: «مادرت». گفت: بعد از او چه كسي؟ فرمود: «باز هم مادرت». پرسيد: پس از او چه كسي؟ فرمود: «بعد از او پدرت».

12- عادت دادن فرزندان به نیکی کردن و فرمانبرداری: بطوریکه مرد خانه الگوی آنان شده و در حدّ امکان برای تقویت و تثبیت علاقه بین فرزندان خود و پدر و مادرش تلاش نماید.

13- اجازه خواستن از آنها و کمک گرفتن از رأی و اندیشه آنان: چه برای سفر با دوستان به صحرا، یا در سفر خارج شهر برای تحصیل و غیر آن، یا برای خارج شدن از منزل و اقامت در بیرون آن، اگر چنانچه اجازه دادند که خوب، وإلاَّ در صورتیکه اجازه نداد باید کوتاه آمد و آنچه را می‌خواست انجام دهد ترک کند «که خیر در آن است» بخصوص اگر تدبیر و رأی آنان مستدل و یا از روی دانش و فهم باشد.

برادر و خواهر مسلمان بدانکه نافرمانی و آزردن پدر و مادر: انکار و تکذیب نیکوئی و فضل، نمک نشناسی و دلیل حماقت و نادانی و فرومایگی است.

**نافرمانی و آزردن نشانه‌های متعدد صورتهای گوناگونی دارد که بعضی از آنها بدین شرح است:**

\* گریاندن و اندوهگین نمودن آنان: داد زدن و درشتی نمودن با آنها، اظهار اندوه و دلتنگ شدن و بستوه آمدن از دستورات آنها، نگاه خشمگینانه به آنان، اخم کردن بر رویشان. ترک همکاری و کمک به آنها، کم اهمیت شمردن رأی آنان، طعنه زدن و نکوهش آنان.

\* باز از گونه‌های نافرمانیست: بخیل بودن و خست و سختگیری از لحاظ نفقه و مخارج بر آنها، دوری گزیدن و ترک دوستی و نصیحت آنان، مقدم داشتن فرمانبرداری و اطاعت همسر و فرزندان بر اطاعت آنان.

\* باز از گونه‌های نافرمانی و آزار آنها است: رها کردن و تنها گذاشتن آنان به هنگام نیاز و پیری و بیزاری جستن از آنان، پرهیز از یاد کردن و نام بردن و نسبت دادن خود به آنها که این از بزرگترین نافرمانیهاست.

\* باز از گونه‌های سرپیچی و نافرمانیست: دور شدن و جدایی و ترک آنان در دوران پیری و مراقبت. به هنگام مریضی و فقیر بودنشان آرزوی نابود شدن آنان، و خلاصی یافتن از دستشان.

\* باز از گونه‌های نافرمانی و آزار والدین است: دزدی از آنان، تجاوز به حریم شخصیت آنان بوسیله ضرب و شتم، و یا منت گذاردن و به رخ کشیدن چیزی که به آنها تقدیم کرده‌ای، یا اشتغال به کارهای زشت نزد آنان، و یا روی گرداندن با حالت تنفر به هنگام سخن گفتن آنان.

آنچه ذکر شد قسمتی از مظاهر و گونه‌‌های نافرمانی و آزار والدین است. پس چه دور است خیر و نیکی از کسیکه پدر و مادرش را آزار دهد، و چه عاقبت و کیفر بدی در انتظار اوست. شر و بدی چه زود به سراغش می‌آید، و این «عاقبت بد» امری است محسوس و قابل رؤیت که همه مردم می‌دانند و با چشم سر آن را دیده و داستانهای متعددی را از مردمانی که به سبب نافرمای و آزار والدین به کیفر اعمال خود رسیده و خوار و ذلیل شده‌اند، شنیده‌اند.

وصلى الله على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

اندرزدهنده خاموش

ترجمه:

الواعظ الصامت

ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ

الحمدلله وحده والصلاه والسلام على من لا نبي بعده نبينا محمد وعلى آله وصحبه، أما بعد:

سپاس و ستایش خدای یکتا را، درود و سلام خدا بر محمد ص و آل و أصحاب او خاتم پیغمبران اما بعد

**قبر**

قبر خانه تنهایی، سرای ترس و دلتنگی، زادگاه و موطن تاریکی است، ملازم آن در بیخوابی، و ساکن آن در خاموشی. یار و همدم وی، ناله و فریاد، خونا به کرم است. خانه مردگان، جای حسرت و افسوس و غصه‌هاست.

قبر: پیامبر درباره‌اش فرمودند: «إنَّ القبر أول منازل الآخرة فإن نجی منه فما بعده أیسرمنه، وإن لم ینج منه فما بعده أشد منه». (الترمذی).

قبر اولين منزل از منازل آخرت است. پس اگر فرد از آن نجات یافت بعد از آن (دنباله آن) آسانتر است. و اگر از آن رستگار نشد بعد از آن سخت‌تر است.

باز پیامبر ص در درباره آن فرموده: «ما رأیت منظراً قط إلاَّ والقبر أفظع منه». (صحيح الترغيب والترهيب). هرگز منظر وحشتناكى نديدم، مگر اينكه قبر وحشتناك‌تر از آن است.

قبر خانه‌ای است که بعد چند لحظه یا چند ساعت و یا چند سال دیگر بطرف آن کوچ خواهی نمود، و مسلمان شکی در آمدن این لحظه را ندارد.

قبر: منظره‌ایست که با آن دلها نرم، و چشمها گریان می‌شوند. انسان را نسبت به دنیا بی‌علاقه، و به آخرت ترغیب و علاقه‌مند می‌نماید. یادآور مرگ، در هم کوبنده لذات و خوشیها. جدائی کننده جمعیت‌هاست. پند و عبرت و بیداری از غفلت را یاد می‌دهد.

قبر: با بی‌صدایی زندگان را پند می‌دهد. تا آینده را بیاد آورند و بیشتر برای آخرت و معاد آماده شوند. پیامبر ص فرمود: «کنت نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها فإنها تذکر الآخرة». شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم. از این به بعد آنها را زیارت کنید. «به زیارت قبرها بروید» چون یادآور آخرت است.

در آنجا قبر می‌پرسد کجاست ثروت و سامان؟ کجاست زیبايی و فربندگی؟ تندرستی و نیرو کجاست؟ بیماری و ناتوانی «سستی» کجاست؟ کجاست توانایی و قدرت؟ سلطه و عظمت کجاست؟ تضرع و فروتنی یا خواری کجایند؟ آری قطعاً قبر جسمهای نازک و توانگری را که همواره در نعمت بودند و بوی عطر از آنها برمی‌خواست می‌فشارد. و چه کاری که با آنها می‌کند؟!

در داخل قبر چهره‌های فریبنده، دستهای ستمکار، زبانهای دروغگو، چشمهای خائن و دلهای سیاه به استخوانهای پوسیده تبدیل می‌شوند. و بجز اعمالی که صاحب قبر پیش از خود فرستاده چیزی باقی نمی‌ماند «تنها کارهای نیک انسان در دنیاست که در قبر بداد او می‌آید».

عذاب قبر: پیامبر ص هیچ نمازی را نمی‌خواند مگر آنکه در آن نماز از عذاب قبر بخدا پناه می‌برد. و می‌فرمود: «إذا فرغ أحدکم من التشهد الأخیر فلیتعوذ بالله من أربع: من عذاب جهنم، ومن عذاب القبر، ومن فتنة المحیا والممات، ومن فتنة المسیح الرجال». (ابن ماجه).

هرگاه در نماز به آخر تشهد دوم رسیدید «قبل از سلام کردن» از چهار چیز به خدا پناه برید:1- از عذاب جهنم، 2- عذاب قبر، 3- فتنه زنده‌ها و مرد‌ه‌ها، 4- و فتنه دجال.

پیامبر ص به اصحاب و یاران خود می‌فرمود: «استعیذوا بالله من عذاب القبر فإنَّ عذاب القبر حق». (أحمد).

از عذاب قبر بخدا پناه ببرید، همانا عذاب قبر حق است.

و پیامبر ص می‌فرماید: «إنَّ هذه القبور مملوءة ظلمة علی أهلها وإنَّ الله عز وجل ینورها لهم بصلاتي علیهم». (مسلم).

همانا این قبرستانها بر ساکنینش بسیار تاریک است. خداوند عز وجل بوسیله دعای من برایشان آن را روشن و نورانی می‌گرداند.

برادر و خواهر جان: قبر همان اندرز دهنده ساکت است. اندرزها و پندهای آن را شنیدی حال چه چیزی برایش مهیا نموده‌ای؟ آیا کردار نیک و عمل صالحی که شما را از ترس و عذاب آن نجات دهد برای داخل قبر آماده نموده‌ای؟ یا اینکه بی‌خبری از اینکه روزی به آنجا خواهی رفت. برادر و خواهرم بهتر است خود را برای آن روز آماده کنی «توشه‌ای برای آن روز داشته باشی» تو می‌توانی کارهای نیک انجام دهی و نیک باشی. باقیمانده عمر خود را غنیمت شمار. این زندگی فرصتی است برای نجات «در آنجا»، برخیز و کمر همت ببند و تصمیم بگیر که از این به بعد نیک باشی و نیکی کنی. قبل از اینکه به هنگام مرگ پشیمان و شرمنده شوی که فایده‌ای ندارد.

راه بدون بازگشت

ترجمه:

ذِهاب بِلا عَودة

تالیف: ابوعبدالرحمن

ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ

الحمدلله وحده والصلاه والسلام على من لا نبي بعده نبينا محمد وعلى آله وصحبه، أما بعد:

ناگهان خبر می‌رسد که فلانی فوت کرد:

«‌عن أبی سعید الخدري قال: کَان النبي ص یَقُولُ: إذا وُضَعَت الجَنازَةُ فَاحتَمَلَها الرِّجالَ عَلی أعَناقِهِمَ فِإن کانَت صالَحِةً قالَت قَدِّموني وإن کانت غَیرَ صالحِةٍ قالت لأَهلِها یاویلَها أینَ تَذهَبوُن بها، یسمع صوتها کلّ شيءٍ إلاَّ الإنسان، ولو سمع الإنسان لَصَعِقَ». (البخاری).

از ابو سعید خدری روایت شده که پیامبر ص می‌فرمود ‌هرگاه جنازه‌ای را گذاشتند و برای قبرستان آماده شد. مردم آن را بر دوش خود حمل می‌کنند. اگر صالح و نیکوکار باشد می‌گوید: مرا به جلو ببريد، و اگر آدم بدی باشد به خانواده‌اش می‌گوید: وای بر او کجایش می‌برید «چه عذابی در انتظار او است». صدای این فریاد را بجز انسان همه چیز می‌شنود، و اگر انسان آن را بشنود بیهوش خواهد شد.

بعد از انسان چه چیزهایی بر جای می‌ماند: «قال النبي ص «یتبع المیت ثلاثة: أهله وماله وعمله: فیرجع اثنان ویبقی واحد، یرجع أهله وماله ویبقی عمله». (متفق علیه).

رسول الله ص می‌فرماید: سه چیز بعد از مرده به او ملحق می‌شود. خانواده، ثروت و مال، و اعمال وی، سپس دو مورد آن باز می‌گردند و یکی از آنها باقی می‌ماند و «با او وارد قبر می‌شود» خانواده و ثروت او بر می‌گردند، و عمل وی همراه اوست.

موعظه

عَنْ عَبْدِاللَّهِ بن مسعود قَالَ: خَطَّ النَّبِيُّ ص خَطًّا مُرَبَّعًا، وَخَطَّ خَطًّا فِي الْوَسَطِ خَارِجًا مِنْهُ، وَخَطَّ خُطَطًا صِغَارًا إِلَى هَذَا الَّذِي فِي الْوَسَطِ مِنْ جَانِبِهِ الَّذِي فِي الْوَسَطِ، وَقَالَ: «هَذَا الإِنْسَانُ، وَهَذَا أَجَلُهُ مُحِيطٌ بِهِ، أَوْ قَدْ أَحَاطَ بِهِ، وَهَذَا الَّذِي هُوَ خَارِجٌ: أَمَلُهُ، وَهَذِهِ الْخُطَطُ الصِّغَارُ: الأَعْرَاضُ، فَإِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا، نَهَشَهُ هَذَا، وَإِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا، نَهَشَهُ هَذَا». (بخارى:6417).

عبدالله بن مسعود مي‌گويد: نبي اكرم ص مربعي رسم كرد و خطي هم از وسط آن، رسم نمود طوريكه از آن، خارج مي‌شد. و پيرامون آن قسمت از اين خط كه داخل مربع، قرار داشت، خطهاي كوچكي رسم نمود كه به سوي آن، در حال حركت بودند و فرمود: «اين خط كه داخل مربع قرار دارد، انسان است. و اين مربع، اجل اوست كه وي را احاطه كرده است. اين خط كه خارج از مربع، قرار دارد، آرزوهايش مي‌باشند. و اين خطهاي كوچك، مسائل و مشكلات‌اش هستند. اگر انسان از يكي از اينها نجات پيدا كند، به دام ديگري مي‌افتد. و اگر از دومي، نجات پيدا كند، به دام آن يكي ديگر، خواهد افتاد».

تصادف زلزله سرطان حادثه

..... .بلا سکته بیماری سیل

آدمی

اجل

اَمَل و آرزوها

اجل

شکل مربع برابر حدیث فوق

«عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: كُنَّا فِي جَنَازَةٍ فِي بَقِيعِ الْغَرْقَدِ، فَأَتَانَا النَّبِيُّ ص فَقَعَدَ وَقَعَدْنَا حَوْلَهُ، وَمَعَهُ مِخْصَرَةٌ، فَنَكَّسَ فَجَعَلَ يَنْكُتُ بِمِخْصَرَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ، مَا مِنْ نَفْسٍ مَنْفُوسَةٍ، إِلاَّ كُتِبَ مَكَانُهَا مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَإِلاَّ قَدْ كُتِبَ: شَقِيَّةً أَوْ سَعِيدَةً». فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَلا نَتَّكِلُ عَلَى كِتَابِنَا وَنَدَعُ الْعَمَلَ، فَمَنْ كَانَ مِنَّا مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ فَسَيَصِيرُ إِلَى عَمَلِ أَهْلِ السَّعَادَةِ، وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَّا مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ فَسَيَصِيرُ إِلَى عَمَلِ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ، قَالَ: «أَمَّا أَهْلُ السَّعَادَةِ فَيُيَسَّرُونَ لِعَمَلِ السَّعَادَةِ، وَأَمَّا أَهْلُ الشَّقَاوَةِ فَيُيَسَّرُونَ لِعَمَلِ الشَّقَاوَةِ». ثُمَّ قَرَأَ: ﮋﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﮊ. (الليل: ٥ - ٦(. الآيَةَ. (بخارى:1362).

علي مي‌فرمايد: براي تشييع جنازه‌اي به قبرستان بقيع غرقد، رفته بوديم. رسول الله ص تشريف آورد و نشست. ما نيز اطراف او نشستيم. رسول الله ص كه عصايي در دست داشت و نوك آن را آهسته بر زمين مي زد، فرمود: «كسي در ميان شما نيست و اصلا هيچ انساني وجود ندارد، مگر اينكه جايگاهش در بهشت و دوزخ، معين شده و سعادت و شقاوتش، تعيين گرديده است». يكي عرض كرد: اي رسول خدا! پس چرا عمل را كنار نگذاريم و به تقدير خود، توكل نكنيم؟ زيرا هر كدام از ما، اهل سعادت باشد، خود به خود بسوي عمل اهل سعادت، مي‌رود و اگر، اهل شقاوت باشد، به سوي عمل اهل شقاوت مي‌رود.

رسول الله ص فرمود: «چنين نيست، براي اهل سعادت، انجام اعمال نيك، آسان مي‌شود، و براي اهل شقاوت، ارتكاب اعمال بد، آسان مي‌گردد». سپس، آنحضرت ص اين آيه را تلاوت فرمود: ﮋﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﮊ.

«اما آن كس كه (در راه خدا) انفاق كند و پرهيزكاري پيش گيرد. و جزاي نيك (الهي) را تصديق كند. ما او را در مسير آساني قرار مي‌دهيم».

و در روايتى: «كُلٌّ يَعْمَلُ لِمَا خُلِقَ لَهُ أَوْ لِمَا يُسِّرَ لَهُ». (بخارى:6596).

«هرکس، عملي را انجام مي‌دهد که براي آن، آفريده شده است. و يا هرکس، همان کاري را انجام مي‌دهد که برايش ميسر است».

ﮋ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﮊ. (آل عمران:185).

«هر كسى مرگ را مى‏چشد؛ و شما پاداش خود را بطور كامل در روز قيامت خواهيد گرفت; آنها كه از آتش (دوزخ) دور شده، و به بهشت وارد شوند نجات يافته و رستگار شده‏اند و زندگى دنيا، چيزى جز سرمايه فريب نيست».

«آری آدمی که فوت کرد مردم جنازه او را بر دوش خود حمل و او را به خاک می‌سپارند». بعد از آن چه؟ همه چیز خاتمه یافت مردم به قبر تو پشت کرده «و بطرف خانه‌هایشان بر می‌گردند و تو صدای کفشهای آنها را می‌شنوی چند روزی خانواده‌ات در سوگ تو گریه می‌کنند و سپس تُو را از یاد می‌برند.

تو تنها میمانی. حال فکر کن که اگر دوباره برانگیخته شدی و از قبر برخاستی چه چیزی را آرزو می‌کنی؟ سیگار؟ خلافکاری و مزاحمت؟ آواز و ترانه؟ آرایش و خودنمایی، یا طاعت و عبادت؟ به خود فکر کن، و اینها را در نظر بیاور. بیاد بیاور که در قبر از اعمال و کردارت سوال می‌شود. چه آورده‌ای؟ آن وقت چه پاسخی خواهی داد؟ (20) ترانه، (60) فیلم، هزاران سیگار. یا نمازها و دعا و صلواتی که بدادت می‌رسند، و اعمال صالحی که از آن بهره‌مند شوی و بتو نفع رسانند. «کَفی بِالْمَوْتِ وَاعِظاً». مرگ بعنوان موعظه و پند کافی است. برای این سفر «بدون بازگشت» زاد و توشه آماده کن همانا بحقیقت بهترین توشه تقواست. ﮋﭪ ﭫ ﭬ ﭭﮊ . (البقره: ١٩٧).

«كه بهترين زاد و توشه، پرهيزكارى است».

ﮋ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﮊ. (البقره: ٢٨١).

«و از روزى بپرهيزيد (و بترسيد) كه در آن روز، شما را به سوى خدا بازمى‏گردانند; سپس به هر كس، آنچه انجام داده، به طور كامل باز پس داده مى‏شود، و به آنها ستم نخواهد شد. (چون هر چه مى‏بينند، نتايج اعمال خودشان است)».

**توضیح:**

بقیع قبرستانی است در مدینه و به جایی گفته می‌شود که در آن درختان و گیاهان گوناگون باشد.

بقیع الغرقد: که در حدیث آمده چون در آن قبرستان گیاهی بنام غرقد زیاد است به بقیع غرقد مشهور است.

غرقد نام گیاهی است که به فارسی دیوخار نام دارد. گیاهی است دارای برگهای کامل و به رنگهای سفید و بنفش و قرمز و صورتی و زرد دیده می‌شود و (70) گونه از آن شناخته شده است. که همگی در نواحی گرم و معتدل می‌رویند.

(فرهنگ معین جلد دوم).

پاک کنندگان گناهان

خصلت‌هايى که خطا و گناهان را محو می‌کند

ترجمه:

مذهبات السيئات

تأليف:

صالح بن عبدالله الصياح

**(مطالب زیر) تو را بسوی کارهایی هدایت می‌کند که گناهان را محو، و از بین می‌برد.**

1- ترک شرک: «قالَ الله تَبارَکَ وَتَعالی: یَا ابْنَ آدَمَ لَوْ لَقَیْتَني بِمِثْلِ الْأَرْضِ خَطایَا لاَ تشرک بي شَیئاً لَقیتُکَ بِملء الأرض مغفرة». (مسلم).

پیامبر ص می‌فرماید: که خداوند «در حدیث قدسی» فرموده: ای بنی آدم اگر به اندازه کره زمین خطا و گناه داشته اما شریکی برایم قائل نشده باشی شما را با دنیایی از گذشت و مغفرت بحضور می‌پذیرم.

2- نماز پنجگانه، و نماز جمعه: «الصلوات الخمس والجمعة إلى الجمعة مکفرات لما بینهن إذا اجتنبت الکبائر، ما من امریء مسلم تحضره صلاة مکتوبة فیحسن وضوءَها وخشوعها ورکوعها إلاَّ کانت کفارة لما قبلها من الذنوب ما لم یؤتَ کبیرة وذلک الدهر کله». (البخاری).

3- رسول الله ص می‌فرماید: ادای نمازهای پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه بعد، کفاره گناهان (صغیره) فاصله بین خود می‌باشند بشرطیکه از گناهان کبیره پرهیز شود. هر مسلمانی که به هنگام آمدن وقت نماز مرتب و كامل وضو بگیرد، و رکوع و سجود را نیکو بجا آورد، و خاشع و خاضع باشد. بشرطیکه بسوی گناهان کبیره نرود نمازهایش برای همیشه کفاره گناهان گذشته او خواهد بود.

نماز: عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ : أَنَّ رَجُلا أَصَابَ مِنِ امْرَأَةٍ قُبْلَةً، فَأَتَى النَّبِيَّ ص فَأَخْبَرَهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ : ﮋﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﮊ (هود:١١٤) قَالَ الرَّجُلُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إليَّ هَذَا؟ قَالَ: «لِجَمِيعِ أُمَّتِي كُلِّهِمْ». (بخارى:526).

**ابن مسعود مي‌گويد: شخصي زني را بوسيد. بعد از آن، خدمت رسول‏ الله ص آمد و گفت: اي رسول خدا! مرتكب چنين خطايي شد**ه‌ا**م، تكليف چيست؟ آنگاه، خداوند اين آيه را نازل فرمود:** «در دو طرف روز، و اوايل شب، نماز را برپا دار; چرا كه حسنات، سيئات (و آثار آنها را) از بين مى‏برند»**. آن شخص، سؤال كرد: اي رسول ‏الله! آيا اين حكم، ويژة من است؟ رسول ‏الله ص فرمود: «خير، بلكه شمال حال همه**‌**ي امت من است».**

4- انجام دادن دو رکعت با خشوع: قَالَ رَسُولُ اللَّه ص: «مَنْ تَوَضَّأَ نَحْوَ وُضُوئِي هَذَا ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ لا يُحَدِّث فِيهِمَا نَفْسَهُ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخارى:159).

رسول الله ص فرموده است: «هركس، مانند اين وضوي من، وضو بگيرد و با اخلاص، دو ركعت نماز بخواند، خداوند تمام گناهان گذشته‌اش را مورد عفو قرار خواهد داد».

5- روزه: **«**فِتْنَةُ الرَّجُلِ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَجَارِهِ تُكَفِّرُهَا الصَّلاةُ وَالصَّوْمُ وَالصَّدَقَةُ وَالأَمْرُ وَالنَّهْيُ». (بخارى:525).

فتنه‏هايي كه دامنگير مرد از ناحيه زن، فرزند، ثروت و همسايه مي‌شود به وسيله نماز، روزه، صدقه، و امر به معروف و نهي از منكر از بين خواهند رفت.

6- روزه ماه رمضان: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخارى: 38).

رسول الله ص فرمود: «كسي كه ماه رمضان را از روي ايمان و براي حصول اجر و پاداش، روزه بگيرد، گناهان گذشته‌اش، آمرزيده مي‌شوند».

7- قیام رمضان «تروایح» «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخارى:37).

8- پیامبر ص می‌فرماید: «هر كس، ماه مبارك رمضان را بقصد حصول ثواب، در عبادت بگذراند، تمام گناهان گذشته‌اش، مورد عفو قرار خواهند گرفت».

9- بیداری و بر پاداشتن شبهای قدر: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «مَنْ يَقُمْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخارى:35).

از ابو هريره  روايت است كه رسول الله ص فرمود: «هر كس، شب قدر را بقصد ثواب، زنده نگاه دارد، (يعني آن شب را در عبادت و بندگي بسر برد)، همة گناهان گذشته‌اش، مورد عفو قرار خواهند گرفت».

10- روزه روز عرفه، «روز قبل از عید»، «صیام یوم عرفة أحتسب على الله أن یُکَفِّرَ السنة التي قبله والسنة التي بعده». (الترمذی و ابن ما جه و الحاکم). پیامبر ص می‌فرماید: روزه روز عرفه کفاره گناهان سال قبل و سال بعد از خود می‌باشد.

11- روزه روز (10) ماه محرم «عاشورا» «صیام یوم عاشوراء أحتسب علی الله أن یُکَفِّرَ السنة التي قلبها». (أبوداود، ترمذی، ابن ماجه وحاکم).

روزه عاشورا «روز دهم ماه محرم» کفاره گناهان سال قبل از خود است.

12- صدقه: «الصَّدَقةُ تُطْفِیءُ الْخَطیئَةَ کَما یُطْفِیُء النّارُ الْماءُ». (الترمذی).

صدقه گناهان را محو و نابود می‌کند همانطور که آب آتش را خاموش می‌كند.

«يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ، فَإِنِّي أُرِيتُكُنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ». (متفق عليه). «اي گروه زنان ! صدقه دهيد. زيرا شما را بيشترين اهل دوزخ ديدم».

13- امر بمعروف و نهی از منکر: **«**فِتْنَةُ الرَّجُلِ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَجَارِهِ تُكَفِّرُهَا الصَّلاةُ وَالصَّوْمُ وَالصَّدَقَةُ وَالأَمْرُ وَالنَّهْيُ». (بخارى:525).

فتنه‏هايي كه دامنگير مرد از ناحيه زن، فرزند، ثروت و همسايه مي‌شود به وسيله نماز، روزه، صدقه، و امر به معروف و نهي از منكر از بين خواهند رفت.

14- آمین گفتن: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ : أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ: «إِذَا أَمَّنَ الإِمَامُ فَأَمِّنُوا، فَإِنَّهُ مَنْ وَافَقَ تَأْمِينُهُ تَأْمِينَ الْمَلائِكَةِ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخارى:781).

ابوهريره مي‏گويد: رسول‏ الله ص فرمود: «هنگامي كه امام آمين گفت، شما نيز آمين بگوييد. زيرا آمين هر كس كه همزمان با آمين فرشتگان باشد، تمام گناهان گذشته‌اش، آمرزيده می‌شود». (گفتني است كه بعد از آمين امام، فرشتگان نيز آمين مي‏گويند). (مترجم).

15- گفتن این ذکر: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «إِذَا قَالَ الإِمَامُ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ فَقُولُوا: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، فَإِنَّهُ مَنْ وَافَقَ قَوْلُهُ قَوْلَ الْمَلائِكَةِ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخارى:796).

ابوهريره مي‏گويد: رسول‏ الله ص فرمود: «هنگامي كه امام (سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ) مي‏گويد، شما (اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ) بگوييد. اگر اين گفتة شما همزمان با (اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ) ملائكه ادا شود، تمام گناهان گذشتة شما مورد عفو قرار خواهند گرفت».

16- حج مبرور و مقبول: عن أَبَي هُرَيْرَةَ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ص يَقُولُ: «مَنْ حَجَّ لِلَّهِ، فَلَمْ يَرْفُثْ، وَلَمْ يَفْسُقْ، رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ». (بخارى: 1521).

ابوهريره  مي‌گويد: شنيدم كه رسول ‏الله ص فرمود: «هركس، بخاطر (رضاي) خدا حج نمايد و از مقاربت جنسي و مقدمات آن، (در زمان حج) پرهيز نمايد و مرتكب معصيت نشود، چنان از گناه پاك مي‌شود كه گويي تازه از مادر، متولد شده است».

«الْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلاَّ الْجَنَّةُ». (بخارى:1773).

«حج مقبول پاداشي جز بهشت ندارد».

17- اندوه و گرفتاری: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أَذًى إِلاَّ حَاتَّ اللَّهُ عَنْهُ خَطَايَاهُ، كَمَا تَحَاتُّ وَرَقُ الشَّجَرِ». (بخارى:5647).

«هر مسلماني كه به مصيبتي، گرفتار آيد، خداوند گناهانش را مي‌ريزد همانگونه كه برگ درختان، مي‌ريزند».

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ وَأَبِي هُرَيْرَةَ م عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلا وَصَبٍ، وَلا هَمٍّ وَلا حُزْنٍ، وَلا أَذًى وَلا غَمٍّ، حَتَّى الشَّوْكَةِ يُشَاكُهَا، إِلاَّ كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ». (بخارى:5642).

ابوسعيد خدري و ابو هريره م مي‌گويند: نبي اكرم ص فرمود: «مسلمان، دچار هيچگونه خستگي، بيماري، نگراني، ناراحتي، گرفتاري و غمي نمي‌شود مگر اينكه خداوند به وسيلة آنها، گناهانش را مي‌بخشد. حتي خاري كه به پايش مي‌خلد» (باعث كفارة گناهانش مي‌شود).

18- تب: «لا تسبي الحَمی فإنَّها تذهب خطایا بني آدم کما یذهب الکیر خبث الحدید». (مسلم).

رسول الله ص می‌فرماید: تب را دشنام ندهید چون بیماری تب بسان کوره آهنگری که زنگ آهن را می‌زداید، گناهان را محو می‌کند.

اعمال صالح و کردارهای نیک: ﮋﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﮊ. (هود:١١٤).

19- «در دو طرف روز، و اوايل شب، نماز را برپا دار ؛ چرا كه حسنات، سيئات (و آثار آنها را) از بين مى‏برند»**.**

20- عمره: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلاَّ الْجَنَّةُ». (بخارى:1773).

از ابوهريره  روايت است كه رسول ‏الله ص فرمود: «يك عمره تا عمره ديگر، موجب بخشش و كفاره گناهاني مي‏شود كه ميان آن دو عمره، انجام گرفته‌اند. و حج مقبول پاداشي جز بهشت ندارد».

21- شهادت در راه خدا: «یُغفر للشهید کلّ ذنب إلاَّ الدَّیْن». (مسلم).

رسول اکرم ص می‌فرماید: همه گناهان کسی که در راه خدا شهید می‌شود بجز بدهی و قرض آمرزیده می‌شود.

22- گفتن این ذکر هنگام خواب: عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: «إِذَا أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وُضُوءَكَ لِلصَّلاةِ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الأَيْمَنِ، ثُمَّ قُلِ: اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لا مَلْجَأَ وَلا مَنْجَا مِنْكَ إِلا إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ، فَإِنْ مُتَّ مِنْ لَيْلَتِكَ فَأَنْتَ عَلَى الْفِطْرَةِ، وَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تَتَكَلَّمُ بِهِ»، قَالَ: فَرَدَّدْتُهَا عَلَى النَّبِيِّ فَلَمَّا بَلَغْتُ: اللَّهُمَّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، قُلْتُ: وَرَسُولِكَ، قَالَ: «لا، وَنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ». (بخارى:247).

از براء ابن عازب  روايت است كه نبي اكرم ص فرمود: قبل از رفتن به رختخواب، وضوي كامل بگير و بر پهلوي راست بخواب و اين دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لا مَلْجَأَ وَلا مَنْجَا مِنْكَ إِلا إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ». (پروردگارا! با خوف و رجاء، چهره‏ام را بسوي تو برمي‏گردانم و تمام امورم را به تو مي‏سپارم و تو را پشت و پناه خود مي‏دانم. و يقين دارم كه هنگام خشم و غضبت، پناهي جز تو ندارم. پروردگارا! به كتابي كه نازل فرمودي و پيامبري كه مبعوث نمودي، ايمان آوردم). اگر در همان شب بميري، بر فطرت (با ايمان) از دنيا رفته اي. اين جملات را آخرين كلام خود قرار بده».

راوي(براء) مي‏گويد: اين دعا را نزد رسول اكرم ص خواندم. وقتي گفتم: آمَنْتُ بِرَسُوْلِكَ، آنحضرت ص فرمود: «بگو: آمَنْتُ بِـنَـبِيِّكَ». يعني بجاي لفظ رسول، كلمة نبي را بكار ببر.

23- یاد خدا و تسبیح «سبحان الله گفتن: «مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ في یَومٍ مِأئةُ مَرَةٍ حَاطَتْ خَطَایَاهُ وَإنْ کَانَ مِثلُ زَبَدِ البَحْر». (مسلم).

پیامبر ص می‌فرماید: کسی که در روز صد بار بگوید: سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ یعنی پاکی و بی‌عیبی و ستایش خدای را. گناهانش آمرزیده می‌شود اگر چه به کثرت کف دریا باشد.

«أَیَعْجَزُ أَحَدُکُم أنْ یَکْسِبَ کُلَّ یَومٍ أَلّفَ حَسَنَةٍ. یُسَبِّحُ مِأَئةُ تَسْبیحَةٍ فَیُکْتَبُ لَهُ أَلفَ حَسَنَةٍ وَیُحَطُ عَنْهُ أَلَفَ خَطِیْئَةٍ». (مسلم).

پیامبر ص می‌فرماید آیا يكى از شما ناتوان است كه هر روز هزار حسنه کسب کند؟ پس در هر روز صد بار بگوید: سبحان الله، صد حسنه را کسب، و صد گناه از او كاسته می‌شود.

24- نماز جماعت: «من تَوَضَّأ للصلاة فأسبغ الوضوء ثم مشی إلى الصلاة المکتوبة فصَلاها مع الناس أو مع الجماعة أو في المسجد غَفَرَ اللهُ لَهُ ذنوبه». (مسلم). پیامبر ص فرموده است: هر کس وضوء کاملی بگیرد بعداً برای ادای نماز واجب براه افتد آن را با مردم یا با جماعت و یا در مسجد بخواند خداوند گناهانش را عفو می‌نماید[[1]](#footnote-1).

25- وضوء زیبا و کامل: «من توضأ فأحسن الوضوء خرجت خطایاه من جسده حتی تخرج من تحت أظفاره». (مسلم). پیامبر ص فرمود: هر کس وضوء بگیرد و وضوءش کامل و زیبا باشد خداوند گناهان او را محو می‌نماید. «گناهانش از تن او حتی از زیر ناخنهایش خارج می‌شود».

26- وضوء کامل به هنگام سختی‌ها، رفت و آمد مسجد و انتظار نماز: «أَلا أدلُّکم علی ما یَمحُو الله به الخطایا ویرفع به الدرجات؟ قالوا بلی یا رسولَ الله، قال: إسباغ الوضوء علی المکاره، وکثرة الخَطا إلى المَساجد، وانتظار الصلاة بعد الصلاة، فذلکم الرّباط، فذلكم الرباط». (مسلم). رسول ص اکرم فرمود: آیا به شما به چیزی راهنمايى كنم که گناهان را پاک و منزلت و درجات انسان را بالا می‌برد؟ عرض کردند آری ای رسول خدا، فرمود: وضو گرفتن به هنگام سختی‌ها(شدت سرما، و...)، رفت و آمد زیاد به مسجد، و انتظار نماز دیگر پس از نماز فعلی. اینها هستند ریسمان برای چنگ زدن (رباط یعنی ربط دهنده).

27- گفتن این ذکر بعد از اذان: «من قال حین یسمع المؤذن: أشهد أن لا إله إلاَّ الله وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَداً عبده ورسوله رضیت بالله رباً وبمحمد رسولاً وبالاسلام دیناً غُفِرَ لَهُ ذنبه». (مسلم). پیامبر ص می‌فرماید: کسی که به هنگام شنیدن أذان ذکر فوق را بگوید، گناهانش آمرزیده می‌شود.

معنی ذکر: من هم گواهی می‌دهم که خدا یکتا و بی‌نیاز است و محمد بنده و فرستاده اوست و راضیم به اینکه الله پروردگار من و محمد ص پیامبر، و اسلام دین من است).

29- گفتن و خواندن این ذکر بعد از نمازهای واجب: «من سبَّح الله في دبر كل صلاة ثلاثاً وثلاثين. وحمد الله ثلاثاً وثلاثين. وكبر الله ثلاثاً وثلاثين. فتلك تسعة وتسعون. وقال، تمام المائة: لا إله إلا الله وحده لا شريك له. له الملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، غفرت خطاياه وإن كانت مثل زبد البحر». (متفق عليه).

رسول الله ص می‌فرماید: هر کس پس از هر نماز (33) بار بگوید سبحان الله، و(33) بار بگوید الحمد لله، و(33) بار بگوید الله اکبر که جمعاً می‌شود (99) و برای اینکه صد را تمام کند «ذکر را به صد مرتبه برساند» در آخر این (99) بگوید: لا إله إلا الله وحده لا شريك له. له الملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، یعنی هیچ خدایی بحق جز او نیست تنها و بی‌نیاز است. عظمت و ستایش لایق اوست و بر هر چیزی قادر است. گناهانش اگر به مانند کف دریا هم زیاد باشد آمرزیده می‌شود.

30- دست مالیدن و مسح رکن یمانی و حجر الاسود و طواف کعبه: «قال ابن عمر سَمْعِتُهُ ص یقول إنَّ مَسْحَهُما ای الرکنین کفارةٌ للخطایا، وسمعته یقول: من طاف بهذا البیتِ أُسْبوعاً فأحصاه کان کعتق رقبة، وسمعته یقول: لا یَضَعُ قدماً ولا یرفع أخری إلاَّ حَطَ الله عنه خطیئة، وکتب له بها حسنة». (الترمذی والنسائی).

ابن عمر م می‌گوید از پیامبر ص شنیدم که می‌فرمود. همانا مسح آن دو «رکن یمانی وحجرالاسود» کفاره گناهان است، و شنیدم می‌فرمود: کسی که این خانه را «کعبه» هفته‌ای طواف نماید بمانند این است که بنده‌ای را آزاد کرده است، و شنیدم می‌فرمود: هیچ قدمی بر نمی‌دارد مگر اینکه خداوند گناهی از گناهان وی را بخشوده و یا حسنه‌ای برای وی می‌نویسد.

31- کفاره مجلس: «من جلس في مجلس فکثر فیه لَغَطُه فقال قبل أن یقوم من مجلسه ذلک: سبحانک اللّهم وبحمدک أشهد أن لا إله إلاَّ أنت أستغفرک وأتوب إِلَیْکَ إلّا غُفِرَ له ما کان في مجلسه ذلک». (الترمذی).

پیامبر ص فرمود: کسی که در مجلسی بنشیند که در آن سخنان مختلفی رد و بدل شود، قبل از ترک آن مجلس دعای فوق را بخواند خداوند آنچه که از گناهان در آن مجلس گذشته می‌بخشاید.

32- مجالس ذکر: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «إِنَّ لِلَّهِ مَلائكَةً يَطُوفُونَ فِي الطُّرُقِ، يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ، تَنَادَوْا: هَلُمُّوا إِلَى حَاجَتِكُمْ، قَالَ: فَيَحُفُّونَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، قَالَ: فَيَسْأَلُهُمْ رَبُّهُمْ ـ وَهُوَ أَعْلَمُ مِنْهُمْ ـ: مَا يَقُولُ عِبَادِي؟ قَالَ: يَقُولُونَ: يُسَبِّحُونَكَ، وَيُكَبِّرُونَكَ، وَيَحْمَدُونَكَ، وَيُمَجِّدُونَكَ، قَالَ: فَيَقُولُ: هَلْ رَأَوْنِي؟ قَالَ: فَيَقُولُونَ: لاَ، وَاللَّهِ مَا رَأَوْكَ. قَالَ: فَيَقُولُ: وَكَيْفَ لَوْ رَأَوْنِي؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَوْ رَأَوْكَ كَانُوا أَشَدَّ لَكَ عِبَادَةً، وَأَشَدَّ لَكَ تَمْجِيدًا وَتَحْمِيدًا، وَأَكْثَرَ لَكَ تَسْبِيحًا. قَالَ: يَقُولُ: فَمَا يَسْأَلُونِي؟ قَالَ: يَسْأَلُونَكَ الْجَنَّةَ، قَالَ: يَقُولُ: وَهَلْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لاَ، وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا. قَالَ: يَقُولُ: فَكَيْفَ لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا، كَانُوا أَشَدَّ عَلَيْهَا حِرْصًا، وَأَشَدَّ لَهَا طَلَبًا، وَأَعْظَمَ فِيهَا رَغْبَةً. قَالَ: فَمِمَّ يَتَعَوَّذُونَ؟ قَالَ: يَقُولُونَ: مِنَ النَّارِ. قَالَ: يَقُولُ: وَهَلْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لاَ، وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا. قَالَ: يَقُولُ: فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَوْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ مِنْهَا فِرَارًا، وَأَشَدَّ لَهَا مَخَافَةً. قَالَ: فَيَقُولُ: فَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ. قَالَ: يَقُولُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلاَئِكَةِ: فِيهِمْ فُلانٌ لَيْسَ مِنْهُمْ، إِنَّمَا جَاءَ لِحَاجَةٍ. قَالَ: هُمُ الْجُلَسَاءُ لا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ». (بخارى:6408).

ابوهريره مي‌گويد: رسول الله ص فرمود: «خداوند، فرشتگاني دارد كه در راهها مشغول گشت زني هستند و بدنبال ذاكران مي‌گردند. هرگاه، گروهي را ببينند كه به ياد خدا مشغول‌اند، يكديگر را صدا مي‌زنند و مي‌گويند: به هدف خود رسيديم. آنگاه، ذاكران را تا آسمان دنيا زير بالهايشان مي‌گيرند. سپس خداوند كه حال بندگانش را بهتر مي‌داند از فرشتگان مي‌پرسد كه بندگانم چه مي‌گويند؟ فرشتگان مي‌گويند: پاكي و بزرگي تو را بيان مي‌كنند و تو را تعريف و تمجيد مي‌نمايند. خداوند مي‌فرمايد: آيا مرا ديده‌اند؟ جواب مي‌دهند: خير، سوگند به خدا كه تو را نديده‌اند. خداوند مي‌فرمايد: اگر مرا مي‌ديدند، چكار مي‌كردند؟ مي‌گويند: اگر تو را مي‌ديدند، بيشتر عبادت مي‌كردند و بيشتر حمد و ثنا و پاكي‌ات را بيان مي‌نمودند. آنگاه خداوند مي‌فرمايد: از من چه مي‌خواهند؟ فرشتگان مي‌گويند: از تو بهشت مي‌طلبند. خداوند مي‌فرمايد: آيا آن را ديده‌اند؟ مي‌گويند: اي پروردگار! نه، سوگند به خدا كه آن را نديده‌اند. مي‌فرمايد: اگر آن را مي‌ديدند، چكار مي‌كردند؟ فرشتگان مي‌گويند: اگر آن را مي‌ديدند، بيشتر به آن علاقه مند مي‌شدند، بيشتر به دنبال آن مي‌رفتند و بيشتر به آن، تمايل نشان مي‌دادند. خداوند مي‌فرمايد: از چه چيزي پناه مي‌خواهند؟ مي‌گويند: از جهنم. خداوند مي‌فرمايد: آيا آن را ديده‌اند؟ مي‌گويند: اي پروردگار! نه، سوگند به خدا كه آن را نديده‌اند. خداوند مي‌فرمايد: اگرآن را مي‌ديدند، چكار مي‌كردند؟ مي‌گويند: اگر آن را مي‌ديدند، بيشتر از آن، دوري مي‌كردند و بيشتر مي‌ترسيدند. سرانجام، خداوند مي‌فرمايد: شما گواه باشيد كه من آنان را بخشيدم. يكي از فرشتگان مي‌گويد: در ميان آنان، فلاني وجود دارد كه جزو آنان نيست بلكه براي انجام كاري آمده است. خداوند مي‌فرمايد: آنها كساني هستند كه همنشينشان هم بدبخت نمي‌شود».

33- کنار زدن اشیاء مزاحم بر سر راه مردم: «بینما رجل یمشی بطریق وجد غصن شوک علی الطریق فأخره فشکرَ اللهَ لَه فَغُفِرَ له». (مسلم). یکبار مردی در راه عبور می‌كرد، برگ خاری را بر سر راه یافت آن را کنار زد، خداوند او را سپاس گفت و او را آمرزید.

34- ترس از خدا: «یَعجب ربک من راعي غنم في رأس شظیةِ الجبل یؤذن بالصلاةِ ویُصَلّي. فیقول الله عز وجل انظروا إلى عبدي هذا یؤذن ويقیم الصلاة یخاف مني قد غفرت لعبدي وأَدْخَلْتُه الجنة». (أبوداود والنسائي والحاکم).

پیامبر ص فرمود: خداوند از چوپانی که بر قله کوه گوسفند می‌چراند و به هنگام نماز اذان می‌گوید و نماز می‌خواند در شگفت است، و می‌فرماید به این بنده من بنگرید. اذان گفته و نماز می‌خواند و از من می‌ترسد، من او را بخشیدم و به بهشت داخل نمودم.

35- اذان: «المؤذن یغفر له بمد صوته ویشهد له کل رطب ویابس». (النسائی).

مؤذن که بانک بر آورد هر تر و خشکی «هر چیز» برایش شهادت و گواهى می‌دهد و گناهانش آمرزیده می‌شود.

36- صلوات بر پیامبر ص: «من صلی عَلَيَّ صَلاةً واحدةً صَلَی اللهُ عَلَیْهِ عَشْر صلوات، وحُطت عنه عشر خطیئات، ورُفعت له عشر درجات». (النسائي والحاکم).

رسول اکرم ص می‌فرمايد: کسی که یک صلوات بر من بفرستد خداوند ده صلوات بر او می‌فرستد. و ده گناه او را محو، و ده درجه وی را رفیع و بلند می‌گرداند.

37- نماز در مسجد الاقصی «بیت المقدس» «لما فرغ سلیمان من بناء بیت المقدس سأل الله ثلاثاً: حُکْماً یُصادِفُ حُکْمَهُ، ومُلْکًا لا یَنْبَغي لأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، وأن لا یأتي هذا المسجد أحدٌ لا یرید إلاَّ الصلاة فیه إلاّ خرج من ذنوبه کیوم ولدته أمه، فقال ص أما اثنان قد أعطیهما، وأرجو أن یکون قد أعطي الثالثة». (النسائي أحمد وابن ماجه).

پیامبر ص فرمود: هنگامیکه سلیمان ؛ بنای بیت المقدس را به پایان رسانید سه چیز را از خدا درخواست کرد: 1- حكمى كه مطابق حكم خداوند باشد. 2- ملك و پادشاهى كه بعد از او برای کسی چنان میسر نشود. 3- بخشیده شدن تمام گناهان کسی که محضاً بمنظور نماز خواندن وارد این مسجد شود. پیامبر فرمود اما آن دو «پادشاهی و ثروت» به وی داده شد و من از خدا می‌خواهم که سومی هم بوی عطا شود.

38- نماز شب: «الصَّدَقةُ تُطْفِیءُ الْخَطیئَةَ کَما یُطْفِیُء النّارُ الْماءُ، وَصَلاَةُ الرَّجُلِ مِنْ جَوفِ اللَیْل».(الترمذی و ابن ماجه).

رسول اکرم ص می‌فرماید: صدقه گناهان را محو و نابود می‌کند همانطور که آب آتش را خاموش می‌كند. و همچنین نماز شب بسان آب که آتش را خاموش می‌کند و از بین می‌برد خطا و گناهان را از بین می‌برد.

39- خواندن این ذکر عظیم: عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «مَنْ تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ: لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي أَوْ دَعَا اسْتُجِيبَ لَهُ، فَإِنْ تَوَضَّأَ وَصَلَّى قُبِلَتْ صَلاتُهُ». (بخارى:1154).

عباده بن صامت مي‏گويد: نبي اكرم ص فرمود: «هركس كه در شب بيدار شود و اين دعا، يعني : (لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ) را بخواند و سپس، بگويد: خدايا! مرا مغفرت كن. يا دعاي ديگري نمايد، خداوند، اجابت مي‏كند. و اگر (بلند شود و) وضو بگيرد و نماز بخواند، اين نماز (بيشتر) به درگاه خدا پذيرفته مي‏شود».

40- استغفار «طلب آمرزش از خدا»: «والذي نفسي بیده لو لم ‌تذنبوا لذهب الله بکم ولَجَاءَ بقوم یذنبون فیستغفرون الله، فیغفر لهم». (مسلم).

رسول الله ص مي‏فرمايد: قسم به کسی که نفس من در دست اوست اگر گناه نکنید خداوند شما را از بین می‌برد و بجای شما قومی را می‌آفریند که گناه کنند و سپس استغفار نمایند و خداوند گناهانشان بيامرزد. (در اين حديث اثبات صفت دست براى خداوند است كه به جلال و كمال او لايق است و با هيچ چيز تشابه ندارد).

41- توبه کردن: ﭧ ﭨ ﮋ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﮊ. (الزمر: ٥3).

«بگو: «اى بندگان من كه بر خود اسراف و ستم كرده‏ايد! از رحمت خداوند نوميد نشويد كه خدا همه گناهان را مى‏آمرزد، زيرا او بسيار آمرزنده و مهربان است».

ﭧ ﭨ ﮋ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﮊ. (التوبه: ١٠٤).

«آيا نمى‏دانستند كه فقط خداوند توبه را از بندگانش مى‏پذيرد، و صدقات را مى‏گيرد، و خداوند توبه‏پذير و مهربان است؟!».

ﭧ ﭨ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮊ. (الشورى: ٢٥).

«او كسى است كه توبه را از بندگانش مى‏پذيرد و بديها را مى‏بخشد، و آنچه را انجام مى‏دهيد مى‏داند».

و قال ص: «من تاب قبل أن تطلع الشمس من مغربها، تاب الله عليه». (مسلم).

و پیامبر ص فرموده است کسی که توبه کند قبل از بر پائی قیامت «قبل اینکه خورشید از طرف مغرب طلوع کند» خداوند توبه او را قبول می‌کند.

42- آب دادن تشنگان: «بیْنَما رَجُلٌ یَمْشِي بِطَریقٍ اشْتَدَ عَلَیِه العَطَشُ فَوَجَدَ بِئْراً فَنَزَلَ فِیهَا فَشَرِبَ ثُمَ خَرَجَ فَإِذَا کَلْبٌ یَلْهَثُ يَأْکُلُ الثَّرَی مِنَ العَطَش، فَقَالَ الرّجلُ لقَدْ بَلَغَ هَذا الکَلْبُ مِنَ العَطَشِ مِثْلَ الذَي کَانَ بَلَغَ مِنَي، فَنَزَلَ البِئْرَ فَمَلأ خُفَّهُ مَاءً ثُمَ أَمْسَکَهُ بِفِیهِ حَتیَ رَقَی فَسَقی الکَلْبَ فَشَکَرَ اللهُ لَهُ فَغُفِرَ لَهُ: قالوا یا رسول الله وَإنَّ لَنا فِي هَذِهِ البَهَائِمِ لَأجْرَا؟ فَقَالَ فِي کُلِّ کَبِدٍ رَطْبَةٍ أَجْرٌ». (مسلم).

یک روز مردی راهی را طی می‌کرد، در راه تشنگی بر او چیره شد و سپس چاه آبی را در راه یافت، وارد آن شد و از آب آن نوشید و از چاه بیرون آمد، سپس سگی را دید که از فرط تشنگی زبان بر خاک می‌مالید. آن مرد گفت این سگ به همان تشنگی من دچار گشته، وارد چاه شد و موزه (پاپوش) خود را پر از آب کرد و آن را بدهان گرفت و از چاه بیرون آمد و آب را به سگ داد، خداوند او را سپاس گفت بخاطر همین کار نیک گناهانش آمرزید. به پیامبر عرض کردند ای رسول خدا آیا در رابطه با این حیوانات نیز اجر داریم؟ پیامبر ص فرمود: در ترحم به هر حیوانی که جگر دارد اجر و پاداش وجود دارد.

43- خواندن این ذکر: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: «مَنْ قَالَ: لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي يَوْمٍ مِائةَ مَرَّةٍ، كَانَتْ لَهُ عَدْلَ عَشْرِ رِقَابٍ، وَكُتِبَ لَهُ مِائةُ حَسَنَةٍ، وَمُحِيَتْ عَنْهُ مِائةُ سَيِّئةٍ، وَكَانَتْ لَهُ حِرْزًا مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهُ ذَلِكَ حَتَّى يُمْسِيَ، وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ إِلاَّ رَجُلٌ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْهُ». (بخارى:6403).

ابوهريره مي‌گويد: رسول الله ص فرمود: «هركس، روزانه صد بار لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگويد، به او به اندازة آزاد ساختن ده برده، ثواب مي‌رسد. و همچنين صد نيكي برايش نوشته مي‌شود و صد گناه از گناهانش، پاك مي‌گردد و آنروز تا شب از شيطان، حفاظت مي‌شود. و هيچ كس (در روز قيامت) عملي بهتر از آن نمي‌آورد مگر فردي كه عمل بيشتري انجام دهد». يعني همين كلمه را بيشتر بگويد و يا به طور كلي، اعمال بيشتري انجام داده باشد.

44- نماز در چهار مسجد: «عن عاصم بن سُفیان الثقفي قال: قد أخبرنا أنَّه من صلی في المساجد الأربعة غُفِرَ له ذنبه». (أحمد والنسائي ابن ماجه وابن حبان). «قال ابن حبان المساجد الأربعه: المسجد الحرام، ومسجد المدینة، ومسجد الأقصی، ومسجد قباء».

از عاصم بن سفیان ثقفی روایت شده که گفت پیامبر ص فرموده است. کسی که در چهار مساجد نماز بخواند گناهانش آمرزیده می‌شود. ابن حبان گفته که چهار مساجد عبارتند از: مسجد الحرام، مسجد مدینه، مسجد الاقصی، و مسجد قباء.

45- زیاد خواندن سوره تبارک: «سُورةٌ مِنَ القُرآنِ ثَلاَثُونَ آیَة تَشْفَعُ لِصَاحِبِهَا حَتَی یَغْفِرَ لَهُ: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﮊ». (ابوداود، ابن ماجه، احمد وابن حبان).

پیامبر ص می‌فرماید: در قرآن سوره‌ای هست که سی آیه می‌باشد و برای کسی که آن را می‌خواند شفاعت می‌کند تا آمرزیده می‌شود، آنهم سوره ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﮊ است.

46- خواندن این ذکر: «قال ص لِعَلِيِّ ألَا أُعَلِّمُکَ کَلِماتٍ إذا قلتهن غفر لک، مع أنَّه مغفور لک. لا إله إلاَّ الله العلیم الکریم، لا إله إلاَّ الله العلي العظیم، سبحان الله رب السموات السبع ورب العرش العظیم، الحمد لله رب العالمین». (الترمذی واحمد النسائي).

پیامبر ص به علی فرمود: کلماتی را به شما یاد دهم که اگر آنها را بخوانی با اینکه آمرزیده شده‌ای خداوند گناهانت را عفو نماید. بگو، لا إله إلاَّ الله العلیم الکریم ... تا آخر دعا که در حدیث فوق نوشته شده است.

یعنی: هیچ معبودی بحق بجز خدای مهربان و بخشنده نیست، خدایی بجز خدای با عظمت بلندمرتبه وجود ندارد. پاکی و بی‌عیبی برای خداست، پروردگار هر هفت آسمان و پروردگار عرش عظیم. ستایش برای پرودرگار عالمیان.

47- انجام یک خصلت آدمی را وارد بهشت می‌نماید: عَنْ عَبْداللَّهِ بْنَ عَمْرٍو م يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «أَرْبَعُونَ خَصْلَةً أَعْلاهُنَّ مَنِيحَةُ الْعَنْزِ، مَا مِنْ عَامِلٍ يَعْمَلُ بِخَصْلَةٍ مِنْهَا رَجَاءَ ثَوَابِهَا وَتَصْدِيقَ مَوْعُودِهَا إِلاَّ أَدْخَلَهُ اللَّه بِهَا الْجَنَّةَ». (بخارى:2631).

عبد الله بن عمرو م مي‏گويد: رسول الله ص فرمود: «چهل خصلت (نيكو) وجود دارد كه اعلاترين آنها، عاريت دادن بز شير دِه است. هر كس، يكي از اين خصلت‏ها را بقصد ثواب و رسيدن به پاداش موعود، انجام دهد، خداوند او را وارد بهشت خواهد كرد».

48- همکاری و کمک به فقرا و بیوه زنان: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: «السَّاعِي عَلَى الأَرْمَلَةِ وَالْمِسْكِينِ، كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوِ الْقَائِمِ اللَّيْلَ الصَّائِمِ النَّهَارَ». (بخارى:5353).

ابوهريره مي‌گويد: نبي اكرم ص فرمود: «كسي كه در جهت تأمين نيازهاي زنان بيوه و مساكين، تلاش مي‌كند، مانند كسي است كه در راه خدا، جهاد مي‌نمايد، و يا مانند كسي است كه شب‌ها را در عبادت بسر مي‌برد، و روزها را روزه مي‌گيرد».

زنان دوزخی

ترجمه نساء في النار

تاليف:

صالح بن عبدالله الصياح

|  |  |
| --- | --- |
| 1- گناه زنان خودنما | 5- زنان ملعون |
| 2- ویژگیهای حجاب شرعی | 6- آنچه بر زنان حرام است |
| 3- فضائل حجاب شرعی | 7- موارد حرامی که بین زنان شایع است |
| 4- بخاطر اینکه از زنان خودنما نباشید | 8- پرهیز کن – مواظب باش |

1- آیا می‌دانید زنانی که زینت خود را نشان می‌دهند و خودنمایی می‌کنند و بد حجاب هستند چه گناهی دارند.

1- آن‌ها ‌اهل آتش هستند. پیامبر ص می‌فرماید: «صنفان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات مائلات مميلات، رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة، لا يدخلن الجنة، ولا يجدن ريحها، وإنَّ ريحها ليوجد من مسيرة كذا وكذا». (مسلم).

«دو گروه جهنمي هستند كه من آنها را نديده‌ام: مردمي كه به دستشان شلاقهايي همانند دم گاو است و مردم را با آن شلاق مي‌زنند، و (گروه دوم) زناني كه با وجود پوشش، لخت و عريانند، ديگران را به سوي خويش متمايل مي‌سازند در حالي كه خودشان نيز به آنها تمايل دارند، موهاي سرشان بسان كوهان خميدة شتر است، آنان هرگز به بهشت وارد نمي‌شوند و هيچگاه بوي بهشت به مشامشان نمي‌رسد، گرچه بوي بهشت در مسافت چنين و چنان يافت مي‌شود».

2- در آخرت برهنه و عریانند: پیامبر ص می‌فرماید: «رُبَّ کاسیة في الدنیا عاریة في الآخرة»: یعنی چه بسیار زنانی هستند که در دنیا ظاهراً لباس پوشیده‌اند اما در آخرت عریان خواهند بود. زنانی که لباسهای نازک و تنگ که برجستگی‌ها و بدن آنها مشخص است.

3- مبغوض‌ترین بندگان نزد خدا هستند: پیامبر در حدیث می‌فرماید: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ م: أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ: «أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ ثَلاثَةٌ: مُلْحِدٌ فِي الْحَرَمِ، وَمُبْتَغٍ فِي الإِسْلامِ سُنَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ، وَمُطَّلِبُ دَمِ امْرِئ بِغَيْرِ حَقٍّ لِيُهَرِيقَ دَمَهُ». (بخارى:6882).

ابن عباس م مي‌گويد: نبي اکرم ص فرمود: «مبغوض‌ترين مردم نزد خداوند سه گروه‌اند: نخست، کساني که در حرم، ستم و الحاد کنند. دوم: کساني که در اسلام بدنبال احياء ارزشهاي دوران جاهليت باشند. سوم: کساني که به ناحق در صدد کشتن ديگران برآيند».

ومن سنة الجاهلیة التبرج: یکی از سنتها و رسوم جاهلیت تبرج و خودنمایی زنان است. خداوند می‌فرماید: ﮋﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﮊ. (الأحزاب: ٣٣). و همچون دوران جاهليت نخستين (در ميان مردم) ظاهر نشويد.

4- به اندازه گناه کسی که او را تقلید و یا فریب او را می‌خورد گناه بر اوست پیامبر ص می‌فرماید: «من دعا إلى ضلالةٍ کان علیه مِنَ الْأَثْمِ مثلَ آثام من تبعه لا ینقص ذلک من آثامهم شیئاً». (مسلم) دعوت‌کننده بسوی گمراهی علاوه بر گناهان خود در گناهان کسانی که از او پیروی می‌کنند نیز شریک است بدون آنکه چیزی از گناهان آنها کاسته شود.

5- ملعون و مورد نفرت خداست: «فقد روی ... نساء هم کاسیات، عاریات علی رؤوسهن کاسنمه البخت ... ملعونات ...». (احمد ابن حبان و الحاکم). معنی: از پیامبر روایت شده که زنان بظاهر پوشش دار اما در واقع عریان که موی سرشان بمانند کوهان کج شتر است ملعون و مورد نفرت خدا هستند.

6- زنا کار است: «أیما امرأة استعطرت فمرت علی قوم لیجدوا ریحها فهي زانية». (ابوداود).

هرگاه زنی خود را معطر نماید و بر مردمی عبور نماید تا بوی عطرش به آنها برسد مثل این است که زنا کرده است.

7- نمازش قبول نمی‌شود: پیامبر ص می‌فرماید: «أیما امرأة تطیبت ثم خرجت إلى المسجد لم تقبل لها صلاة حتی تغتسل». (ابن ماجه).

هر زنی که خود را معطر نماید و سپس به مسجد برود نمازش قبول نیست مگر اینکه آثار عطر را از خود بزداید.

8- پرده بین او و خدا پاره شده است: پیامبر ص فرمود: «أیما امرأة وضعت ثیابها في غیر بیت زوجها فقد هتکت سترها فیما بینها وبین الله». (الحاکم).

هر زنی که لباسش را در غیر منزل شوهرش بيرون آورد و برهنه شود پرده بین خود و خدایش را پاره و گشاده است.

9- نسب به خدایش سرکش و نافرمان است: ﮋ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﮊ. (الأحزاب: ٣٣).

«و در خانه‏هاى خود بمانيد، و همچون دوران جاهليت نخستين (در ميان مردم) ظاهر نشويد».

«لاَ تَمنَعوا إِمَاءَ اللهِ مَسَاجِدَ الله وَلْیَخْرُجَنَ وَهُنَّ تَفِلاَتٍ وَبُیوُتَهُنَّ خَیْرٌ لَهنَّ». (ابوداود).

«زنان را از مساجد الهي منع نكنيد و هنگام خروج بايد بدون عطر و خوشبويي به مسجد بروند، اما در عین حال خانه‌هایشان بهتر است».

10- (زن بد حجاب) اسلحه شیطان است: «المرأة عورةٌ فإذا خرجت استشرفها الشیطان وأقرب ما تکون من ربها وهي في قعر بیتها». (الترمذی).

زن عورت «پوشیده‌رو» است بمحض خارج شدن شیطان و شیطان‌صفتان سعی در فریب او را دارند. اگر در کنج خانه باشد و بیرون نیاید به خداوند نزدیکتر است.

**2- درود بر شما، باز درود بر شما،**

**مبارکتان باد حجاب شرعی**

1- چون حجاب خود واجب شرعی و عبادت است و رعایت آن موجب اجر و پاداش بزرگی است و این عبادت و اجر با پوشیدن آن شروع، و با کنار گذاشتن آن پایان می‌یابد.

2- قطعاً بدان که در حال عبادت دائمی هستید در صورتی که 1- در خانه خود ماندگار و مگر برای رفع نیاز از خانه خارج نشوید. 2- یا اگر از خانه خارج شدید از رفتن به اماکن مردان پرهیز نمائید. 3- و اگر از کنار مردان گذشتید حجاب را رعایت نمائید. آنگاه به فرمان خدا پاسخ داده‌اید که می‌فرماید: ﮋ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﮊ. (الأحزاب: ٣٣).

«و در خانه‏هاى خود بمانيد، و همچون دوران جاهليت نخستين (در ميان مردم) ظاهر نشويد».

3- با پوشیدن حجاب در حال عبادت هستید: چون همانا پوشیدن حجاب نوعی جهاد در راه خداست، بخصوص که هم‌اکنون دشمنان اسلام تمام تلاش خود را برای کنار گذاشتن حجاب زن مسلمان و عملی نمودن این پدیده شوم بکار گرفته‌اند.

4- رعایت حجاب، زنها را شرارتهای زیادی مانند نگاههای بد، ملاقات، تماس، تسلط شیاطین جن و انس محفوظ می‌دارد و منحرفین چشم طمع به تو نمی‌دوزند. خداوند می‌فرماید: ﮋ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮊ. (الأحزاب: ٥٩).

«اين كار براى اينكه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگيرند بهتر است».

5- ‌پوشش حجاب دلیل عفت و پاکی زن و قوت دین و عقل او و دوری از شُبهات است و این موارد برای مرد مهمترین صفات انتخاب شریک زندگی است.

6- در ثواب، زنانی که نسبت به حجاب بی‌اهمیت و یا بد حجاب هستند و برای پوشش حجاب از تو پیروی می‌کنند نیز شریک هستید. پیامبر ص می‌فرماید: «من دل علی خیر فهو کفاعله». (مسلم). کسی که دیگران را بسوی نیکی راهنمایی کند اجرِ او به اندازه کسی است که آن نیکی را انجام دهد.

و نیز می‌فرماید: «من دعا إلى هدی کان له من الأجر مثل أجور من تبعه لا ینقص من أجورهم شیئاً». (مسلم).

کسی که دیگران را به هدایت دعوت کند اجری همانند کسانی که از او پیروی می‌کنند دارد بدون اینکه از اجر آنها ذره‌ای کاسته شود.

7- پوشیدن حجاب راه سلامتی تو از بدیهای زیادی است که در انتظار توست مانند: خودنمائی، هتک حرمت، پیروی دیگران از شما، و شیفته به شما و غیره.

8- پوشیدن حجاب، غیر مسلمانان را به اسلام فرا می‌خواند و آنان را به کاوش در حقیقت دین و شناخت آن دعوت می‌نماید، بنابراین زن محجبه دعوتگر بسوی دین است.

9- پوشیدن حجاب اسلامی سبب پاکی قلب است: ﮋ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮊ. (الأحزاب: ٥٩). «اين كار براى اينكه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگيرند بهتر است».

10- ثواب شکیبائی و صبر بر انجام دستورات خدا و رنج و محبت و گرفتاریهای آن، خداوند می‌فرماید: ﮋ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﮊ. (النازعات: 40).

«و آن كسي كه از مقام پروردگارش ترسان باشد، و نفس را از هوى باز دارد».

**آیا صفات و ویژگیهای حجاب شرعی را می‌دانید؟**

* باید بدون استثناء تمام بدن را بپوشاند. به همراه قرار دادن چادر بر سر.
* حجاب نباید تزیین شده باشد، یا در آن تصویر و نقش و نگار و نوشته‌هایی باشد.
* باید کلفت و ضخیم و غیر شفاف باشد، بطوریکه زیر آن دیده نشود.
* (یعنی نباید آنقدر نازک و شفاف باشد که بدن را نمایان سازد).
* باید گشاد و فراخ باشد و چنان تنگ نباشد که برجستگیها و جزئیات بدن «نقاط فتنه انگیز» را نمایان سازد.
* نباید مشابه لباس مردان یا لباس زنان کافر باشد.
* نباید معطر و بخوردار باشد، بخصوص هنگامیکه از کنار مردان می‌گذرد.

11- «بخاطر اینکه از زنان خودنما و متبرج نباشید شما را راهنمایی می‌کنم» آیا شما از زنانی هستید که مو و زینت خود را به نامحرمان نشان می‌دهید و خودنمایی می‌کنید.

**اگر یکی از موارد زیر در شما موجود باشد از زنان خودنما و متبرج می‌باشید، پس به سوی خدا باز گرد و توبه کن**

1. خودنمائی: اگر چیزی از بدن شما مانند سر و صورت و گردن و دست و بازو و ساق پا و سینه و غیر آن بیرون و آشکار باشد و همچنین اگر چادر و لباسها یقه باز و دامن کوتاه را بپوشید.
2. خودنمائی: اگر جامه تن «پوشاک» شما تنگ باشد. مانند چادر یا مانتوی تنگ چسبیده به بدن، پوشیدن شلوار، شلواری که جزئیات بدن در آن نمایان است و به لباس مردان می‌ماند.
3. خودنمائی: اگر کفشهای پاشنه بلند را بپا و چادر را بر دوش خود بینداری چون سر و شانه‌ها مشخص است و این خود فتنه است، خداوند می‌فرماید: ﮋ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹﮊ. (النور: ٣١). «و هنگام راه رفتن پاهاى خود را به زمين نزنند تا زينت پنهانيشان دانسته شود (و صداى خلخال كه برپا دارند به گوش رسد)».
4. خودنما هستی: اگر حجاب تو تزئینات داشته باشد. مانند چادر طلادوزی شده و زربافت.
5. خودنمائی هستی: اگر لباسهایت نازک و شفاف باشد مانند گزاردن پرده نازکی بر صورت.
6. خودنمائی هستی: اگر لباسهایت معطر و خوش بو باشد بخصوص اگر توجه مردان را جلب کند
7. خودنمائی هستی: اگر نزد محارم «اعضای خانواده خویش» شلوار تنگ بپوشید یا یقه و سینه خود باز بگذارید.
8. خودنمائی هستی: اگر با عشوه و کرشمه راه بروید و زیبائیهای روی خود را به مردان نشان دهید.
9. خودنمائی هستی: اگر صدای خود را برای مردان نرم و نازک و ملیح نموده و آنها صدای خنده تو را بشنوند.

**ده صنف از زنان مورد نفرت خدا و ملعون هستند**

پناه به خدا که شما از آنان باشید.

1- خالکوب کردن: پیغمبر ص می‌فرماید: «لعن الله الواشمات والمستوشمات .... المغیرات خلق الله تعالی». (البخاری). خداوند لعنت کرده بر زن خالکوب و زنی که درخواست خالکوبی کند. الواشمه کسی است که بدن دیگران را بوسیله سوزن و سرمه خالکوبی می‌کند. مستوشمه کسی است که به درخواست او بدنش خالکوبی می‌شود.

2- موی ابرو را برداشتن: پیامبر ص می‌فرماید: «لعن الله المتنمصات والمتفلجات للحُسن المغیرات خلق الله تعالی». (البخاری). خداوند زنانی را که موی ابروی دیگران را بر می‌دارند، یا موی ابرویشان برداشته می‌شود، و یا به خاطر زیبائی محض میان دندانهای خود فاصله می‌اندازند یا آن را باریک می‌نمایند و خلقت خدا را تغییر می‌دهند، لعنت کرده است.

نامصه: کسی است که موی ابروی دیگران را بر می‌دارد و آن را باریک می‌نماید.

متنمصه: کسی است که بدرخواست او موهایش برداشته می‌شود.

3- فاصله انداختن بین دندانها: پیامبر می‌فرماید: «لعن الله ... والمتفلجات للحُسن المغیرات خلق الله». (البخاری).

4- لعن ص الواشِرة والمُؤْتَشِرة». (احمد). خداوند: زنانی را که به خاطر زیبائی دندانها را باریک و میان آنها فاصله ایجاد و خلقت خدا را تغییر می‌دهند لعنت کرده است.

واشر: زنانی که دندان دیگران را کوچک و باریک می‌نمایند.

مستوشر و متفلج: زنانی که بدر خواست آنها دندانیشان باریک و کوچک می‌شود.

5- وصل: رسول اکرم ص می‌فرماید: «لعن الله الواصلة والمستوصلة». (متفق عليه).

خداوند واصله و مستوصله را لعن نموده است.

واصله زنى که موها را به هم وصل می‌کند: مانند: آرایشگر.

مستوصله: به زنی گفته می‌شود که از دیگران بخواهد این عمل را برایش انجام دهند.

6- زنی که شوهرش از وی ناخشنود باشد: رسول اکرم ص می‌فرماید: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ فَبَاتَ غَضْبَانَ عَلَيْهَا لَعَنَتْهَا الْمَلائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ». (بخارى:323).

ابوهريره  مي‌گويد: رسول الله ص فرمود: «هرگاه، مرد، همسرش را به رختخواب فرا خواند و زن، اجابت نكند و شوهرش، شب را با خشم بر او، سپري نمايد، فرشتگان تا صبح، او را لعنت می‌كنند».

7- زنانی که به شکل مردان در می‌آیند: در لباس و حرکات و ادا و اطوار و غیره: «لَعَن ص المتشابهات من النساء بالرجال». (البخاری). پیغمبر ص زنانی را که به شکل مردان در می‌آیند لعن کرده است.

8- زیارت کنندگان قبور: «عن أبي هریرة أنَّه ص لَعَنَ زُواراتِ القبور». (النسائي وأبوداود والترمذی).

از ابوهریره منقول است که پیامبر ص زناني كه به زيارت قبور می‌روند را لعنت و نفرين كرده است.

9- نوحه‌گر: «قال ابوموسی : لعن ص من حَلَق أو سلق وخرق». (النسائی واحمد وأصله في مسلم).

ابوموسی گفته که پیامبر ص: کسی را که «به هنگام فوت یکی از بستگانش» پوست خود را بِکَنَد، بر صورت خود بزَند و یقه خود را پاره کند و مو خود را بِکَنَد لعن کرده است».

10- محلل: پیامبر ص می‌فرماید: «لَعَنَ اللهُ المُحَلِّلَ وَالمحَلِّلَ لَهُ». (ابوداود واحمد والنسائي والترمذي وابن ماجه).

خداوند تحلیل‌کننده و تحلیل‌شونده را لعن کرده است. (کسی که زن طلاق داده شده را برای شوهرش به طریق حیله حلال نماید)[[2]](#footnote-2).

**آنچه بر زنان حرام است و باید از آن بپرهیزند**

1- ناسپاسی شوهر و لعن گفتن زیاد: «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي أَضْحَى أَوْ فِطْرٍ إِلَى الْمُصَلَّى، فَمَرَّ عَلَى النِّسَاءِ، فَقَالَ: «يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ، فَإِنِّي أُرِيتُكُنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ». فَقُلْنَ: وَبِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «تُكْثِرْنَ اللَّعْنَ، وَتَكْفُرْنَ الْعَشِيرَ، مَا رَأَيْتُ مِنْ نَاقِصَاتِ عَقْلٍ وَدِينٍ أَذْهَبَ لِلُبِّ الرَّجُلِ الْحَازِمِ مِنْ إِحْدَاكُنَّ». قُلْنَ: وَمَا نُقْصَانُ دِينِنَا وَعَقْلِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «أَلَيْسَ شَهَادَةُ الْمَرْأَةِ مِثْلَ نِصْفِ شَهَادَةِ الرَّجُلِ»؟ قُلْنَ: بَلَى، قَالَ: «فَذَلِكِ مِنْ نُقْصَانِ عَقْلِهَا، أَلَيْسَ إِذَا حَاضَتْ لَمْ تُصَلِّ وَلَمْ تَصُمْ؟» قُلْنَ: بَلَى. قَالَ: «فَذَلِكِ مِنْ نُقْصَانِ دِينِهَا». (بخارى:304).

ابو سعيد خدري  مي‌گويد: رسول الله ص روز عيد قربان يا عيد فطر بسوي مصلا رفت. در آنجا، سري به زنان زد و خطاب به آنان فرمود: «اي گروه زنان ! صدقه دهيد. زيرا شما را بيشترين اهل دوزخ ديدم». پرسيدند: چرا؟ اي رسول خدا ص! پيامبر اكرم ص فرمود: «بخاطر اينكه شما بكثرت نفرين مي‌كنيد و از شوهرانتان نافرماني نموده و ناسپاسي مي‌كنيد و هيچ ناقص عقل و ديني نمي‌تواند مانند شما، مردان عاقل را فريب بدهد». عرض كردند: اي رسول خدا ص! نقصان عقل و دين ما چيست؟ فرمود: «مگر نه اين است كه گواهي يك زن، نصف گواهي مرد محسوب مي‌شود»؟ گفتند: بلي. رسول خدا ص، فرمود: «اين خود، نشانگر نقص عقل شما است». آنحضرت ص باز فرمود: «مگر نه اينكه در ايام حيض و قاعدگي، نماز نمي‌خوانيد و روزه نمي‌گيريد»؟ عرض كردند: بلي . رسول الله ص فرمود: «اين هم دليل بر نقص دين شماست».

2- خلوت و سفر بدون همراهی محرم: چه با راننده یا غیر آن: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ م: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ص يَقُولُ: «لا يَخْلُوَنَّ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ وَلا تُسَافِرَنَّ امْرَأَةٌ إِلا وَمَعَهَا مَحْرَمٌ». فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، اكْتُتِبْتُ فِي غَزْوَةِ كَذَا وَكَذَا وَخَرَجَتِ امْرَأَتِي حَاجَّةً؟ قَالَ: «اذْهَبْ فَحُجَّ مَعَ امْرَأَتِكَ». (بخارى:3006).

ابن‏عباس م مي‌گويد: شنيدم كه نبي اكرم ص فرمود: «هيچ مردي با زني (بيگانه) خلوت نكند. و هيچ زني بدون محرم، به مسافرت نرود. مردي برخاست و گفت: اي رسول خدا! من براي فلان غزوه، ثبت نام شده‌ام و همسرم به حج رفته، پيامبر اكرم ص فرمود: «برو و با همسرت حج كن».

3- افشاء اسرار همبستری: رسول اکرم ص می‌فرماید: «إنَّ من شر الناس عند الله منزلة یوم القیامة الرجل یفضي إلى امرأته وتفضي إلیه ثم یَنشر سِرَّها». (مسلم).

همانا بدترین انسان از لحاظ ارزش و منزلت نزد خداوند در روز قیامت مرد و زنی هستند که اسرار مربوط به همبستری خود را فاش می‌نمایند.

4- اختلاط و در هم آمیختن با مردان و لو برادر همسر باشد: خداوند می‌فرماید: ﮋ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﮊ. (الأحزاب: ٥٣).

«و هنگامى كه چيزى از وسايل زندگى را (بعنوان عاريت) از آنان (همسران پيامبر) مى‏خواهيد از پشت پرده بخواهيد; اين كار براى پاكى دلهاى شما و آنها بهتر است».

عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالدُّخُولَ عَلَى النِّسَاءِ». فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الأَنْصَارِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَرَأَيْتَ الْحَمْوَ؟ قَالَ: «الْحَمْوُ الْمَوْتُ». (بخارى:5232).

عقبه بن عامر مي‏گويد: رسول الله ص فرمود: «از رفتن نزد زنان (بيگانه) پرهيز كنيد». مردي از انصار پرسيد: أي رسول خدا! نظر شما در مورد خويشاوندان شوهر (مثل برادر، عمو، پسر عمو و خواهر زادة شوهر) چيست؟ فرمود: «هلاكت، در همين است».

«امام نووی می‌فرماید: حمو نزدیکان شوهر غیر از پدر و پسران یعنی برادر و برادرزاده و عمو و عموزاده؟ و خواهر زاده‌ها را شامل می‌شود». (مترجم).

5- نرم و نازک نمودن صدا و آرام نمودن آن برای مردان: ﮋ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﮊ. (احزاب: 32). «اگر تقوا پيشه كنيد; پس به گونه‏اى هوس‏انگيز سخن نگوييد كه بيماردلان در شما طمع كنند، و سخن شايسته بگوييد».

مخالفت با حد شرعی به هنگام فوت شوهر در رابطه با مدت عده و زینتهای آن، رسول اکرم ص فرمود: عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ ك، زَوْجِ النَّبِيِّ ص قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: «لا يَحِلُّ لإمْرَأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ تُحِدُّ عَلَى مَيِّتٍ فَوْقَ ثَلاثٍ، إِلاَّ عَلَى زَوْجٍ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا». (بخارى:1281).

ام حبيبه ك ؛ همسر گرامي پيامبر اكرم ص ؛ مي‏گويد: از رسول الله ص شنيدم كه مي‏فرمود: «هر زن مؤمني كه به خدا و روز قيامت ايمان دارد، مجاز نيست بيش از سه روز، براي كسي سوگوار باشد مگر براي شوهرش، كه در آنصورت، بايد چهار ماه و ده روز، به سوگ بنشيند».

استعمال زیور آلات، حنا، سرمه، عطر، خروج از منزل مگر (برای ضرورت) برای زن شوهر مرده حرام است.

توصیف کردن زنان دیگر برای مردان: رسول اکرم ص فرمود: عَنْ عَبْدِاللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: «لا تُبَاشِرُ الْمَرْأَةُ الْمَرْأَةَ، فَتَنْعَتَهَا لِزَوْجِهَا كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهَا». (بخارى:5240).

عبدالله بن مسعود مي‏گويد: نبي اكرم ص فرمود: «هيچ زني، نبايد به بدن زن ديگري، نگاه كند و يا آنرا لمس نمايد و سپس او را نزد شوهرش، چنان توصيف كند كه گويا او به آن زن، نگاه مي‏كند».

6- نگاه کردن به شهوات به مردان: ﮋ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮊ. (النور: ٣١).

«به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را از هر نامحرمی فرو بندند و پاک دامن باشند».

قال: ص «العینان تزنیان و زناهما النظر». (مسلم).

رسول الله ص فرمودند: چشمها نیز زنا مي‏كنند، و زناي آنها نگاه كردن به نامحرم و شهوات است.

7- مصافحه و دست دادن به مردان: خداوند می‌فرماید: ﮋ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﮊ. (الأحزاب: ٥٣).

«و هنگامى كه چيزى از وسايل زندگى را (بعنوان عاريت) از آنان ( همسران پيامبر) مى‏خواهيد از پشت پرده بخواهيد».

پیامبر ص می‌فرماید: «إني لا أُصافِح النساء». (الترمذی والنسائي وأبوداود وأحمد). من با زنان مصافحه نمی‌کنم «به آنان دست نمی‌دهم».

8- بیرون رفتن بحالت معطَّر: رسول اکرم ص فرمود: «إذا شهدت إحداکن المسجد فلا تمس طیباً». (مسلم). هرگاه یکی از شما «زنان» به مسجد رفتید خود را معطر نکنید.

9- درخواست طلاق: رسول اکرم ص فرمودند: «أیما امرأة سألت زوجها الطلاق من غیر بأس فحرام علیها رائحه الجنة». (أبوداود، ترمذی، ابن ماجه، احمد وابن حبان). هر زنی که بدون بدرفتاری شوهرش از او درخواست طلاق کند بهشت و بوی آن بر وی حرام است.

10- روزه گرفتن مستحب بدون اجازه شوهر: رسول اکرم ص فرمود: «لا یحل لإمرأة أن تصوم وزوجها شاهد إلاَّ بإذنه، ولا تأذن في بیته إلاَّ بأَذنه». (البخاری ومسلم زاد أحمد إلاَّ رمضان). برای زن جايز نیست هنگامی که شوهرش در خانه است بدون اجازه او روزه «مستحب» بگیرد، یا به كسى اجازه ورود خانه بدهد، مگر با اجازه او. (احمد در کتاب حدیث جمله مگر در ماه رمضان را به حدیث فوق اضافه نموده است).

11- سهل انگاری و بی‌اهمیت بودن نسبت به حق شوهر: پیامبر ص فرمود: «لو کنتُ آمراً أحداً أن یَسْجُدَ لأَحَدٍ، لأمِرْتُ المرأةَ أنْ تَسْجُدَ لِزُوجِهَا». (الترمذي وابن حبان). پیامبر ص می‌فرماید: اگر به کسی دستور می‌دادم که برای احدی سجده برد قطعاً به زن دستور می‌دادم که برای شوهرش سجده ببرد.

12- قرابت با زن در حال قاعدگی: ﮋ ﮠ ﮡ ﮢﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮊ. (البقره: 222). «و از تو، در باره خون حيض سؤال مى‏كنند، بگو: «چيز زيانبار و آلوده‏اى است; از اين‏رو در حالت قاعدگى، از آنان كناره‏گيرى كنيد».

**موارد حرامی که معمولاً در بین زنان شایع است**

1- محرمات مجالس «آنچه در مجالس حرام است» مانند: غیبت، دوروئی، حسادت، دروغ، افترا و بهتان (تهمت زدن به دیگران).

2- خودپسندی: پیامبر ص فرمودند: «لا یدخل الجنة مَنْ کانَ في قلبه مثقال ذرة من کبرٍ». (مسلم). کسی که ذره‌ای کبر و خودپسندی در دلش باشد، وارد بهشت نمی‌شود.

3- مراجعه به فالگیر و شعبده‌باز: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: «الشِّرْكُ بِاللَّهِ، وَالسِّحْرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلاَّ بِالْحَقِّ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَالتَّوَلِّي يَوْمَ الزَّحْفِ، وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْغَافِلاتِ». (بخارى:2767).

از ابوهريره روايت است كه نبي اكرم ص فرمود: «از هفت گناه نابود كننده اجتناب كنيد». گفتند: اي رسول خدا! آنها كدامند؟ فرمود: «شرك به خدا، سحر، كشتن انسان بي گناه، خوردن ربا، خوردن مال يتيم، فرار از جهاد و تهمت زنا به زنان پاكدامن و بي خبر از فساد».

از جمله آنها شرک به خدا و جادو «شعبده‌بازی» «من أتى حائضاً، أو امرأة في دبرها، أو کاهناً فصدقه بما یقول، فقد کفر بما أنزل علی محمد». (أبوداود وترمذي وأحمد).

کسی که با زن در حال قاعدگی، یا از پشت «دبر» مقاربت، یا نزد غیبگو و كاهنی برود و گفته‌های او را باور داشته و تصدیق نماید، همانا نسبت به آنچه بر محمد ص نازل شده کفر ورزیده است.

4- دعا بر علیه خود یا فرزندان خود: «لا تدعوا علی أنفسکم ولا تدعوا علی أولادکم ولا تدعوا علی أموالکم، لا توافقوا من الله ساعة یسأل فیها عطاء فیستجیبَ لکم». (مسلم).

بر علیه خود و فرزندان و اموال خود دعا نکنید که مبادا دعایتان در ساعتی باشد که خداوند در آن ساعت هر دعائی را قبول می‌نماید.

5- بد یُمنی و تفال به بدی: پیامبر ص: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: «لا طِيَرَةَ، وَخَيْرُهَا الْفَأْلُ». قَالَ: وَمَا الْفَأْلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «الْكَلِمَةُ الصَّالِحَةُ يَسْمَعُهَا أَحَدُكُمْ». (بخارى:5755).

از ابوهريره روايت است كه نبي اكرم ص فرمود: «شگون گرفتن هيچگونه اصالتي ندارد و بهترين آن، فال است». پرسيدم: اي رسول خدا! فال چيست؟ فرمود: «سخن خوبي است كه يكي از شما مي‌شنود و آنرا به فال نيك مي‌گيرد».

6- خرید مجلات مبتذل: همچنین گوش دادن به آوازها و نگاه کردن به کانالهای مبتذل ماهواره‌ای، چرا که حقیقتاً این کارها اسباب و وسایل انحراف و دلمُردگی و اندوه‌آور می‌باشند.

7- دراز کردن ناخنها: «قال أنس وَقَتَ لنا النبي ص في قص الشارب وتقلیم الأظافر وحَلْقُ العَانة في کلِّ أربعیَن یَوماً مَرة». (مسلم وأحمد). انس می‌گوید که پیامبر ص به ما اصحاب سفارش می‌کرد که هر چهل روز یکبار سبیل و ناخن را کوتاه و موی شرمگاه را بتراشیم.

8- حضور در جشنها: جشنهایی که در آن خلاف شرع و موارد ناپسند «مانند عکسها» و فیلمبرداری و رقص، خواننده‌ها وجود داشته باشد. برابر فتوای شیخ محمد بن عثیمن : حضور در آن حرام است.

**از موارد و کارهای زیر بپرهیزید و جداً بر حذر باشید**

1- دوستان ناباب و بد: که شما را بسوی بدیها و گرفتاریها و خلافکاری و کارهای زشت و آتش دوزخ می‌‌کشانند. قال ص «المرءُ علی دین خلیله». مرد بر کیش دوست صمیمی خود است.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| تا توانی می‌گریز از یار بد |  | یار بد بدتر بود از مار بد |
| مار بد تنها تو را بر جان زند |  | یار بد هم جان و هم ایمان زند |

2- خلافکاری و مَتَلَک گوئی: از محرمات بسیار زشت و ناپسند و بمانند سرطان غافلگیر کننده است. جوانان آن را ساده می‌پندارند در حالیکه آنها را به نابودی و مرگ می‌کشاند. خداوند می‌فرماید: ﮋ ﭪ ﭫ ﭬ ﮊ. (الأحزاب: ٣٢).

«پس به گونه‏اى هوس‏انگيز سخن نگوييد».

3- بازارها: منشأ و مرکز گناهان و بدیهاست. از رفتن به بازار مگر برای حاجتی، خوداری کنید. مواظب باشید و احتیاط کنید.

4- پدیدار نمودن و اظهار چشمها: با پوشیدن نقاب یا مقنعه و روبند به صورت و بیرون بودن چشمها، شیخ محمد بن عثیمین : فتوا داده که روا نیست و می‌گوید در زمان کنونی فتوا به جائز بودن آن نمی‌دهیم. بنظر ما منع آن بهتر است. چون وسیله‌ای است برای اجازه دادن به چیزی که جائز نیست.

5- تقلید از زنان کافر: با تقلید مدلها و لباسها و عادتهایی که شما را به برهنه شدن و رها کردن حجاب اسلامی دعوت می‌کنند – مانند کوتاه نمودن مو – مدلهای آرایش مو گِرْد نمودن، و ژولیده نمودن «فرفری و درهم برهم کردن سر» باریک نمودن و حرص زیباپرستی.

6- پدیده عاشق شدن بین جوانان: بطوریکه یکی به شدیدترین شیوة محبت، عاشق و شیفته دیگری می‌شود و شب و روز به وی می‌اندیشد و ساعتهای طولانی تلفنی با او صحبت می‌کند و گاهی اوقات از کارهای وی تقلید می‌نماید، این نوع عشق حرام است و توبه نمودن و دوری از اسباب آن و اجتناب از آن واجب است.

7- کشف عورت: نزد زنان کافر یا غیر آنها شدیداً حرام است.

8- اوقات فراغت و بیکاری: اوقات فراغت خود را با برنامه‌های دینی و مفید برای دنیا و آخرت سپری نمائید.

یعنی اوقات فراغت خود را با برنامه‌هایی سپری نمائید که هم برای دنیا و هم برای آخرت مفید باشد.

قرآن سندی است

یا به نفع شما، و یا بر علیه شما

ترجمه :

القرآن حجه لك أو عليك

تأليف :

صالح بن عبدالله الصياح

|  |
| --- |
| 1- فضائل عمومی قرآن |
| 2- فضائل سوره‌های معینی از قرآن |
| 3- فضائل آیات معینی از قرآن |
| 4- انواع دوری از قرآن |
| 5- آداب تلاوت و مصاحبت قرآن |
| 6- برنامه‌ای ساده برای تلاوت و ختم قرآن |
| 7- برنامه‌ای ساده برای حفظ و ختم قرآن |
| 8- برنامه‌ای ساده برای ختم و یادگیری معنی قرآن |

مطالب زیر بخوان تا فضائل و عظمت عمومی قرآن را دریابی.

# ذکر فضائل قرآن با استفاده از دلیل قرآن و سنت

1- آرامش دلها: ﮋ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﮊ. (الرعد: 28).

«آگاه باشيد، تنها با ياد خدا دلها آرامش مى‏يابد!».

2- قرآن برای همنشینان خود شفاعت می‌کند: «اقرأوا القرآن فإنَّه یأتي یوم القیامة شفیعاً لأهله». (مسلم).

پیامبر ص فرمود: قرآن بخوانید همانا روز قیامت برای أصحاب خود شفاعت می‌کند.

3- یاد گرفتن و یاد دادن آن موجب کسب نیکی است. عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ». (بخارى:5028).

عثمان بن عفان مي‌گويد: نبي اكرم ص فرمود: «بهترين شما كسي است كه قرآن را ياد بگيرد و به ديگران، ياد بدهد».

4- طردکننده شیطان است: دلیل آنست که در فضیلت سوره بقره و آیه الکرسی و معوذتین خواهد آمد.

5- قرآن برای کسی که آنرا تلاوت می‌کند نفع دارد اگرچه منافق باشد. عَنْ أَبِي مُوسَى عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْمَلُ بِهِ كَالأُتْرُجَّةِ، طَعْمُهَا طَيِّبٌ، وَرِيحُهَا طَيِّبٌ، وَالْمُؤْمِنُ الَّذِي لا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْمَلُ بِهِ، كَالتَّمْرَةِ طَعْمُهَا طَيِّبٌ وَلا رِيحَ لَهَا، وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ، كَالرَّيْحَانَةِ رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ، وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي لا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ، كَالْحَنْظَلَةِ طَعْمُهَا مُرٌّ أَوْ خَبِيثٌ، وَرِيحُهَا مُرٌّ». (بخارى:5059).

ابو موسي اشعري مي‌گويد: نبي اكرم ص فرمود: «مؤمني كه قرآن مي‌خواند و به آن عمل مي‌كند مانند ترنجي است كه هم طعم خوبي دارد و هم از بوي خوشي برخوردار است. و مؤمني كه قرآن نمي‌خواند ولي به آن، عمل مي‌كند مانند خرمايي است كه طعم‌اش شيرين است ولي بويي ندارد. و مثال منافقي كه قرآن مي‌خواند، مانند ريحاني است كه بويش خوب ولي طعم‌اش، تلخ است. و مثال منافقي كه قرآن نمي‌خواند، مانند حنظله (هندوانة ابوجهل) است كه هم طعم‌اش،‌تلخ يا ناپاك است و هم بوي تلخي دارد».

6- اهل قرآن اهل الله و از خاصان درگاه خدا می‌باشند: «إنَّ لله عز وجل أهلین من الناس. قیل من هم یا رسول الله؟ قال: أهل القرآن هم أهل الله وخاصته». (احمد).

رسول اکرم ص فرمود: همانا خداوند در میان مردم اهل خاصى دارد. عرض کردند آنها چه کسانی هستند یا رسول الله؟ فرمود: اهل قرآن اهل الله و خواص او می‌باشند.

7- قرآن سندی «حجتی» است برای تو: «القرآن حجةٌ لک أو علیک». (بخاری).

قرآن سندی است یا به نفع تو و یا علیه تو.

8- قرآن حافظ تو از هر بلائی است: چنانچه در بیان فضیلت معوذتین و دو آیه آخر سوره بقره خواهد آمد.

9- تلاوت قرآن از بزرگترین نعمتها است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: «لا حَسَدَ إِلاَّ فِي اثْنَتَيْنِ: رَجُلٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ، فَهُوَ يَتْلُوهُ آنَاءَ اللَّيْلِ وَآنَاءَ النَّهَارِ، فَسَمِعَهُ جَارٌ لَهُ، فَقَالَ: لَيْتَنِي أُوتِيتُ مِثْلَ مَا أُوتِيَ فُلانٌ فَعَمِلْتُ مِثْلَ مَا يَعْمَلُ. وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالاً، فَهُوَ يُهْلِكُهُ فِي الْحَقِّ، فَقَالَ رَجُلٌ: لَيْتَنِي أُوتِيتُ مِثْلَ مَا أُوتِيَ فُلانٌ فَعَمِلْتُ مِثْلَ مَا يَعْمَلُ». (بخارى:5026).

ابوهريره مي‌گويد: رسول الله ص فرمود: «فقط در مورد دو نفر، مي‌توان غبطه خورد: نخست، مردي كه خداوند به او قرآن، آموخته است و او آنرا شب و روز، تلاوت مي‌كند. پس همسايه‌اش مي‌شنود و مي‌گويد: اي كاش! به من نعمتي مانند نعمتي كه به فلاني عطا شده است، ارزاني مي‌شد. در آن صورت، من هم مانند او قرآن تلاوت مي‌كردم.

و ديگر، مردي كه خداوند به او ثروت، عنايت كرده است و او آنرا در راه خدا انفاق مي‌كند. پس شخص ديگري مي‌گويد: اي كاش! به من هم نعمتي مانند نعمتي كه به فلاني عطا شده است، ارزاني مي‌شد. در آن صورت، من هم مانند او انفاق مي‌كردم».

10- بلندپایگی و رفعت در دنیا و قیامت: ﮋﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ. (الإسراء: 79).

«و پاسى از شب را (از خواب برخيز، و) قرآن (و نماز) بخوان! اين يك وظيفه اضافى براى توست; اميد است پروردگارت تو را به مقامى در خور ستايش برانگيزد!».

«إِنَّ اللهَ یَرْفَعُ بِهَذا الْکِتابِ أَقْواماً وَیَضَعُ بِهِ آخَرینَ». (مسلم).

رسول اکرم ص: خداوند بوسیله این کتاب(قرآن) اقوامی را سربلند، و اقوامی را بر زمین می‌زند «شکست می‌دهد».

11- شما را از تاریکی بیرون می‌آورد: ﮋ ﭢﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬﮊ. (إبراهیم: 1).

«الر، (اين) كتابى است كه بر تو نازل كرديم، تا مردم را از تاريكيهاى (شرك و ظلم و جهل) به سوى روشنايى (ايمان و عدل و آگاهى) در آورى».

12- حاضر شدن فرشتگان «به هنگام تلاوت قرآن» «تِلْكَ الْمَلَائِكَة كَانَتْ تَسْتَمِع لَك وَلَوْ قَرَأْت لَأَصْبَحْت يَرَاهَا النَّاس مَا تَسْتَتِر مِنْهُمْ». (مسلم).

پیامبر اکرم ص: فرشتگان به شما گوش فرا می‌دهند و اگر به تلاوت قرآن ادامه می‌دادی، صبح می‌شد و مردم فرشتگان را می‌ديدند و از دید مردم پنهان نمی‌شدند.

13- برای تلاوت هر حرفی ده حسنه وجود دارد: «من قرأ حرفاً من کتاب الله فله حسنة، والحسنة بعشر أمثالها لا أقول ألم حرف ولکن ألف حرف، ولام حرف، ومیم حرف». (الترمذی).

کسیکه یک حرف از کتاب خدا «قرآن» را تلاوت کند. یک حسنه «نیکی» نصیبش می‌شود. هر حسنه ده برابر پاداش دارد. «پس مزد هر حرفی ده حسنه است» و من نمی‌گویم که الم یک حرف است، بلکه الف یک حرف، و لام یک حرف، و میم یک حرف است.

14- علو درجه در بهشت: «یُقال لصاحب القرآن اقرأ وارْقِ ورتِّل کما کنتَ تُرتل في الدنیا فإنَّ منزلتک عند آخر آیة تقرأها». (الترمذی).

پیامبر ص می‌فرماید: روز قیامت به همنشین قرآن گفته می‌شود: بخوان و در درجات بالا برو و ترتیل کن و زیبا و با ادب بخوان همانا منزلت تو نزد آخرین آیه‌ی است که تلاوت می‌نمایی «يعني بسیار بالاست».

15- محفوظ شدن از فتنه‌ها و بلیات: «من حفظ عشر آیات من أول سورة الکهف عُصِمَ من فتنة الدَّجال». (مسلم).

پیامبر ص می‌فرماید: هر کس ده آیه از اول سوره کهف را حفظ کند از فتنه دجال در امان خواهد ماند.

16- مقام رفیع و اجر و پاداش چند برابر: «الماهر بالقرآن مع السفرة الکرام البررة والذي یقرأ القرآن ویَتَتَعْتَعُ فیه وهو علیه شاق له أجران». (مسلم).

رسول اکرم ص می‌فرماید: آنکه در خواندن قرآن مهارت دارد با كاتبان گرامى وحي خواهد بود و آنکه قرآن را می‌خواند ولی در آن درمی‌ماند و «بخاطر لکنت زبان» خواندن برایش دشوار است دو اجر دارد.

17- قرآن محافظ است. چنانکه در بحث فضائل سوره فاتحه و آیه الکرسی و معوذتین خواهد آمد.

18- نزول آرامش، باریدن رحمت، قرار گرفتن در حضور خدا: «ما اجتمع قوم في بیت من بیوت الله یتلون کتابَ الله ویتدارَسُونه بینهم إلاَّ نزلت علیهم السکینة وغشِیَتْهُم الرحمةُ وحفتهم الملائکة وذکرهم الله فیمن عنده». (مسلم).

رسول اکرم ص می‌فرماید: هرگاه گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خدا «مسجد» گردهم آیند و دور هم جمع شوند و قرآن را تلاوت نمایند، و آن را بين خود تدريس كنند. و تفسیر و تبیین و تمرین کنند، خداوند آرامش را بر آنان نازل، و رحمت را بر آن‌ها می‌باراند، و فرشتگان پیرامون آنان حلقه می‌زنند، و در ملأ اعلی بفرمان خدا مورد بحث قرار می‌گیرند، و خداوند آنها را از مقربان درگاه خود محسوب می‌نماید.

19- ازدیاد ایمان و پایداری: ﮋ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴﮊ. (الأنفال: 2). «و هنگامیکه آیات «قرآن» بر آنان خوانده می‌شود بر ایمانشان می‌افزاید».

ﮋ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﮊ. (الفرقان: 32).

«همین گونه «ما قرآن را بصورت آیات جداگانه و بخش بخش فرستیم» تا دل تو را (باانس بدان و حفظ آن پابرجا و استوار بداریم) و آنرا آرام و آرام فرو خوانیم (تا آنرا بدقت بیاموزی و کم کم به خاطر بسپاری)».

20- شفاء و رحمت است: ﮋ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮊ . (الإسراء: 82).

«ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه بهبودی (دلها از بیماری نادانی و گمراهی و پاکسازی درونها از کثافات هوی و هوس و تنگ چشمی و آزمندی و تباهی) و رحمت مؤمنان (به سبب در برداشتن ایمان و رهنمودهای پرخیر و برکت خدا) است».

# 2- انواع دوری، جدائی، رها کردن و قطع رابطه با قرآن:

1- دور بودن از ایمان به آن. 2- دوری از تلاوت و شنیدن آن. 3- دوری از عمل نمودن به آن. 4- دوری از حاکم گردانیدن و داوری با آن. 5- دوری از تأمل کردن و فهم و درک آن. 6- دوری و اجتناب از دعوت کردن «مردم» بسوی آن. 7- دوری از مصاحبه کردن و درمان نمودن «دلهای خود» با آن.

# 3- فضائل سوره‌‌های معینی از قرآن

الفاتحه، البقره، آل عمران، الکهف، الملک، الکافرون، الإخلاص، المعوذتین(الفلق، الناس).

سوره الفاتحه:

1- «أبْشِرْ بنورین أوتیتهما لم یؤتهما نبيٌ قبلک. فاتحة الکتاب وخواتیم سورة البقرة، لن تقرأ بحرف منها إلّا أعطیته». (مسلم).

مژده بده به دو نور که به شما عطا کرده‌ام و قبل از تو به هیچ پیغمبری عطا نکرده‌ام. یکی فاتحه الکتاب «سوره فاتحه» و دیگری آخرهای سوره البقره. حرفی از آنها را قرائت نمی‌کنی مگر آنکه آنچه بخواهی بشما عطا می‌کنم.

2- لأُعَلِّمَنَّكَ سُورَةً هِيَ أَعْظَمُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ؟ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ هِيَ: السَّبْعُ الْمَثانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ الَّذِي أُوتِيتُهُ». (بخارى:4474).

سوره‌اي را كه بزرگترين سورة قرآن است، به تو مي‌آموزم؟ فرمود: «آن، سورة حمد است كه داراي هفت آيه مي‌باشد و در هر ركعت نماز، تكرار مي‌شود و آن، همان قرآن بزرگي است كه به من عنايت شده است».

3- «رقی صحابی ملدوغًا فکان یقرأ علیه أم القرآن ویجمع بزاقه ویتفل فبرأ، فأتی النبي ص فقال والله ما رقیتُ إلاَّ بفاتحة الکتاب. فتبسَّم ص وقال وما أدراک أنها رقیة». (متفق عليه).

یکی از اصحاب برای کسیکه «حشره‌ای» او را نیش زده بود «نیش زده شده» دعا کرد، او سوره فاتحه را بر فردِ نیش زده می‌خواند و آب دهان خود را جمع می‌کرد و بر جای نیش می‌دمید پس خوب ‌شد. خدمت پیامبر ص آمد و گفت بخدا بجز فاتحه چیزی بر آن نخوانده‌ام، پس پیامبر ص تبسمی کرد و فرمود: چه می‌دانستى که فاتحه رقیه و تعويذ است.

4- «وما أنزل الله في التوراة ولا في الإنجیل مثل أم القرآن وهي السبع المثاني، قال الله تعالى: هي مقسومي بیني وبین عبدي ولِعبدي ما سأل». (النسائی والترمذی).

پیامبر ص می‌فرماید: خداوند نه در تورات و نه در انجیل همانند ام القرآن «فاتحه» نازل ننموده، و همان است سبع مثانی. خداوند می‌فرماید که فاتحه بین خود و بندگانم تقسيم كرده‌ام و بنده من آنچه را که بخواهد و طلب کند.

5- «من صلی صلاة لم ‌یقرأ فیها بأم القرآن فهي خداج خداج غیر تمام». (مسلم).

پیامبر اکرم ص فرمود: کسیکه نماز بخواند و در آن فاتحه نخواند نمازش ناقص و ناتمام است.

## سوره البقره:

1- «اقرءوا الزهراوین: البقرة وسورة آل عمران فإنَّهما تأْتِیانِ یومَ القیامة کأنَّهما غمامتان أو غیایتان، أو کأنَّهما فرقان من الطیر صواف تحاجان عن أصحابهما. (مسلم). وفي روایة: أهل القرآن الذین یعملون به».

رسول اکرم ص فرمود: دو سوره زهراوین: البقره و آل عمران را بخوانید، همانا آن دو سوره روز قيامت می‌آیند، مانند دو ابر یا دو سایبان سیاه هستند، یا اینکه مانند دو گروه از پرندگان صف شده که بالهای خود را بهم نزنند از صاحب خود حمایت می‌کنند. در روایتی هست که قرآن و کسانی که به آن عمل می‌کرده‌اند را می‌آورند «آن دو سوره قرآن بترتیبی که ذکر شد از آنها حمایت می‌کنند».

2- «اقرءاو سورة البقرة فإنَّ أخذها برکة وترکها حسرة ولا تستطیعها البطلة». (مسلم). البطلة السَحَرَةُ.

سوره بقره را بخوانید و یاد بگیرید که فرا گرفتنش برکت و ترک آن مایه حسرت و پشیمانی است و جادوگران بر آن ناتوانند. – «لا تجعلوا بیوتکم مقابر: إنَّ الشیطان ینفر من البیت الذي تقرأ فیه سورة البقرة». (مسلم).

خانه خود را قبرستان نکنید. همانا شیطان از خانه‌ای که در آن سوره بقره خوانده می‌شود فرار می‌کند.

## سوره آل عمران:

در خلال بیان فضیلت سوره البقره فضل سوره آل عمران نیز بیان شد.

## سوره الکهف:

1- «من حفظ عشر آیات من أَوَلِ سورة الکهف عصم من فتنة الدجال». (مسلم).

پیامبر می‌فرماید: هر کس ده آیه از اول سوره کهف را حفظ کند از فتنه دجال درامان خواهد ماند.

1. قال أبوسعید: «من قرأ سورة الکهف یوم الجمعة أضاء له من النور فیما بینه وبین البیت العتیق». (الدارمی).

از ابن مسعود نقل شده که پیامبر اکرم ص می‌فرماید: هر کس سوره الکهف را در روز جمعه بخواند. نوری در بین او و خانه خدا (بیت الله) برایش روشن می‌شود.

## سوره ملک:

1- «سورة من القرآن ثلاثون آیة تستغفر، أوْ تشفع لصاحبها حتی یغفر له: تبارک الذي بیده الملک». (أبوداود، الترمذي، ابن ماجه وابن حبان).

رسول اکرم ص فرمود: در قرآن سوره‌ای هست که سی آیه دارد. برای کسیکه آنرا می‌خواند درخواست مغفرت و شفاعت می‌کند تا آمرزیده شود و آن سوره تبارک الذی بیده الملک می‌باشد.

2- «قال ابن مسعود : سوره الملک هي المانعة من عذاب القبر من قرأَها کل لیلة فقد أکثر وأطِیب». (عبدالرزاق والطبراني والحاکم).

ابن مسعود می‌گوید: سوره ملک مانع و نجات‌دهنده از عذاب قبر است. هر کس آنرا هر شب بخواند بهتر و بیشتر و افزونتر است.

## سوره الکافرون:

1- «سمع ص رجلاً یقرأ «الکافرون» قال ص أَما هذا فقد بَرِیءَ من الشرک». (أحمد والدارمی).

پیامبر ص از مردی شنید که سوره «کافرون» می‌خواند فرمود امّا این مرد از شرک و بت‌پرستی بری است.

2- «اقرأ قل یا أیها الکافرون ثم نَمْ على خاتمتها فإنَّها براءةٌ من الشرک». (ترمذی).

پیامبر ص فرمود: سوره قل یا أیها الکافرون را بخوان و در پایانش بخواب که امان از شرک خواهد بود.

## سوره اخلاص ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮊ:

1- وَ عَن أبي سعيد خدري قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص لأَصْحَابِهِ: «أَيَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ فِي لَيْلَةٍ»؟ فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ، وَقَالُوا: أَيُّنَا يُطِيقُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: «اللَّهُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ». (بخارى:5015).

ابوسعيد خدري مي‌گويد: نبي اكرم ص به يارانش فرمود: «آيا كسي از شما مي‌تواند يك سوم قرآن را در يك شب، تلاوت كند»؟ اين كار براي آنها دشوار به نظر رسيد. لذا پرسيدند: اي رسول خدا! چه كسي از ما توانايي چنين كاري را دارد؟ فرمود: «سورة‌ اخلاص، برابر با يك سوم قرآن است».

2- عَنْ عَائِشَةَ ك: أَنَّ النَّبِيَّ ص بَعَثَ رَجُلاً عَلَى سَرِيَّةٍ، وَكَانَ يَقْرَأُ لأَصْحَابِهِ فِي صَلاتِهِمْ فَيَخْتِمُ بِـ ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮊ.فَلَمَّا رَجَعُوا ذَكَرُوا ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ، ص فَقَالَ: «سَلُوهُ لأَيِّ شَيْءٍ يَصْنَعُ ذَلِكَ»؟ فَسَأَلُوهُ، فَقَالَ: لأَنَّهَا صِفَةُ الرَّحْمَنِ، وَأَنَا أُحِبُّ أَنْ أَقْرَأَ بِهَا. فَقَالَ النَّبِيُّ ص: «أَخْبِرُوهُ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ». (بخارى:7375).

عايشه ك مي‌گويد: نبي اکرم ص مردي را بعنوان فرمانده يک دسته‌ي نظامي، تعيين و اعزام کرد. او كه نماز را براي يارانش امامت مي‌کرد، قرائت‌اش را با ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮊ به پايان مي‌رساند. آنان هنگام بازگشت، مسئله را براي نبي اکرم ص بازگو کردند. پيامبر خدا ص فرمود: «از او بپرسيد که چرا چنين مي‌کند». از وي پرسيدند. گفت: چون در اين سوره، صفت خداي رحمان، بيان شده است لذا دوست دارم آنرا بخوانم. نبي اکرم ص فرمود: «‌به او بگوييد که خداوند هم او را دوست دارد».

3- «إنَّ الله جزّأَ القرآن ثلاثةَ أجزاء فجعل قل هُو الله أَحَدْ جزءاً من أجزاء القرآن». (مسلم).

پیامبر ص می‌فرماید: همانا خداوند (ثواب قرائت) قرآن را سه قسمت نموده که ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮊ. جزئی از این سه جزء قرآن است.

یعنی معادل ثلث قرآن است.

4- عَنْ عَائِشَةَ ك: أَنَّ النَّبِيَّ ص كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ، جَمَعَ كَفَّيْهِ ثُمَّ نَفَثَ فِيهِمَا، فَقَرَأَ فِيهِمَا: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮊ وَ ﮋﭤ ﭥ ﭦ ﭧﮊ وَ ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮊ ثُمَّ يَمْسَحُ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ، يَبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَوَجْهِهِ، وَمَا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ، يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلاثَ مَرَّاتٍ. (بخارى:5017).

عايشه ك مي‌گويد: نبي اكرم ص هر شب، هنگامي كه كه به رختخواب مي‌رفت، كف دستهايش را به هم نزديك مي‌كرد و سوره‌هاي اخلاص و فلق و ناس را مي‌خواند و در آنها مي‌دميد. سپس از سر و صورت و قسمت جلوي بدنش شروع مي‌نمود و تا جايي كه مي‌توانست مسح مي‌كرد و اين كار را سه بار، تكرار مي‌نمود.

5- «سمع ص رجلاً یقرأ ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮊ فقال أما هذا فقد غُفِرله». (أحمد والدارمی).

پیامبر ص از مردی شنید که ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮊ می‌خواند فرمود اما این مرد آمرزیده شده است.

6- «قال عبدالله بن خبیب قال لي ص قل فقلت ما أقول؟ قال ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮊ والمعوذتین حین تمسي وحین تصبح ثلاثاً تکفیک کل شيء». (النسائي والترمذي).

عبدالله بن خبیب می‌گوید که پیامبر ص به من فرمود بگو. گفتم چه بگویم؟. فرمود ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮊ ومعوذتین را هنگام شام و صبح سه بار بخوان که از هر چیز تو را کفایت می‌کند.

7- «عن أبي هریرة : أنَّه قال سمع ص رجلاً یقرأ ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮊ فقال وجبت. قلت وما وجبت؟ قال: الجنة». (الترمذي والنسائي وأحمد).

از ابوهریره نقل شده که پیامبر ص شنید که مردی ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮊ می‌خواند فرمود: برایش واجب شد. گفتم که چه چیزی واجب گردید؟ فرمود: بهشت.

# سوره‌های معوذتين ﮋﭤ ﭥ ﭦ ﭧﮊ وَ ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮊ:

1- «ألم تر آیات أنزلت اللیلة لم یَرَ مثلهن قط، ﮋﭤ ﭥ ﭦ ﭧﮊ وَ ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮊ». (مسلم).

پیامبر ص فرمود: آیا نشنیده‌ای آیاتی را که در شب نازل شده و هرگز مثل آنرا ندیده‌ای (آن آیات) ﮋﭤ ﭥ ﭦ ﭧﮊ وَ ﮋﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮊ می‌باشند. (مسلم).

2- «عن ابن عباس م أنَّه ص قال له یا ابن عباس ألا أدلک بأفضل ما یتعوذ به المتعوذون؟ قال: بلی، قال: ﮋﭤ ﭥ ﭦ ﭧﮊ وَ ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮊ، هاتین السورتین». (النسائي وأحمد).

از ابن عباس م روایت شده است که پیامبر ص به او فرمود ای ابن عباس آیا خبرَت ندهم به بهترین چیزی که پناهندگان به آن پناه برده‌اند؟ عرض کرد بله. فرمود ﮋﭤ ﭥ ﭦ ﭧﮊ وَ ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮊ،. این دو سوره. (نسائی وأحمد).

3- «عن عائشه م قالت: کان ص إذا مَرِضَ أحدٌ من أهله نفث علیه بالمعوذات». (مسلم).

از عائشه ك نقل شده که گفت هرگاه یکی از اعضاء خانواده پیامبر ص بیمار می‌شد معوذتین را می‌خواند و بر او می‌دمید.

4- وَعَنْهَا ك: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ إِذَا اشْتَكَى نَفَثَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْمُعَوِّذَاتِ، وَمَسَحَ عَنْهُ بِيَدِهِ فَلَمَّا اشْتَكَى وَجَعَهُ الَّذِي تُوُفِّيَ فِيهِ، طَفِقْتُ أَنْفِث عَلَى نَفْسِهِ بِالْمُعَوِّذَاتِ الَّتِي كَانَ يَنْفِث، وَأَمْسَحُ بِيَدِ النَّبِيِّ ص عَنْهُ. (بخارى:4439).

عايشه ك مي‌گويد: هنگامي كه رسول الله ص بيمار مي‌شد، معوذات (سورة ناس، فلق و اخلاص) را مي‌خواند و بر خود مي‌دميد و با دست خود، بر بدن‌اش مي‌ماليد. پس هنگامي كه در بيماري وفاتش بسر مي‌برد، من نيز همان معوذات را كه او مي‌خواند و بر خود مي‌دميد، مي‌خواندم و دست نبي اكرم ص را بر بدنش مي‌كشيدم.

# 4- فضائل آیات معینی از قرآن:

## آیة الکرسی:

1- « قَالَ لِي: إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ مِنْ أَوَّلِهَا حَتَّى تَخْتِمَ الآيَةَ: ﮋ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﮊ وَقَالَ لِي: لَنْ يَزَالَ عَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ، وَلا يَقْرَبَكَ شَيْطَانٌ حَتَّى تُصْبِحَ». (بخارى:2311).

به من گفت: هرگاه به بستر خواب رفتی آیت الکرسی را از اول تا آخر بخوان که از طرف خداوند بر تو نگهبان خواهد بود، و ناخوشایندی نخواهى دید و تا صبح فرشتگان تو را از شيطان، حفاظت خواهند كرد.

2- «عن أبي کعب قال: قال لي رسول الله ص أتدري أي آیة من کتاب الله معک أعظم؟ فقلت: ﮋﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙﮊ فضرب في صدري وقال لیهنک العلم أبا المنذر». (مسلم).

از ابی بن کعب نقل شده که گفت پیامبر ص به من فرمود: آیا می‌دانی کدام آیه قرآن نزد تو از همه بزرگتر و عظیمتر است. گفتم آیه ﮋ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﮊ پیامبر دست به سینه‌ام زد و فرمود: احسن بر تو ای ابا منذر.

3- «من قرأ آیة الکرسي في دُبُرِ کل صلاة مکتوبة لم یمنعه من دخول الجنة إلاَّ أن یموت». (النسائی فی الکبری).

رسول اکرم ص فرمود: کسیکه بعد از هر نماز واجب آیت الکرسی را بخواند هیچ چیز جز مرگ مانع از داخل شدنش به بهشت نیست.

## دو آیه آخر سوره البقره:

1- عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ الْبَدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «الآيَتَانِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ مَنْ قَرَأَهُمَا فِي لَيْلَةٍ كَفَتَاهُ». (بخارى:4008).

ابومسعود بدري  مي‌گويد: رسول الله ص فرمود: «هركس، دو آية آخر سورة بقره را در شب بخواند، او را كفايت مي‌كنند».

2- «أَبْشِرْ بنورین أوتیتهما لم يؤتهما نبي قبلک فاتحة الکتاب وخواتیم سورة البقرة لن تقرأ بحرف منهما إلاَّ أعطیته». (مسلم).

حدیث قدسی: پیامبر ص می‌فرماید که خداوند فرموده مژده بده بدو نوری که به شما عطا نموده‌ام و قبل از تو به هیچ پیغمبری نداده‌ام: یکی سوره الفاتحه و دیگری آیه‌های آخر سوره البقره، هیچ حرفی از آنها «دو نور» را قرائت نمی‌کنی مگر آنکه خواسته‌ات را برآورده می‌نمایم.

3- «آیتین ختم بهما سورة البقرة ولا تقرآن في دار ثلاث لیال فیقربها شیطان». (الترمذی).

رسول اکرم ص می‌فرماید: دو آیه وجود دارد که با آنها سوره البقره پایان یافته آن دو آیه در هیچ خانه‌ای سه شب خوانده نشوند مگر اینکه شیطان به آن خانه نزدیک نشود.

# آداب و دستوراتی درباره قرآن کریم:

1- حفاظت و پایبندی و کثرت تلاوت آن: عَنْ أَبِي مُوسَى عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «تَعَاهَدُوا الْقُرْآنَ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَفَصِّيًا مِنَ الإِبِلِ فِي عُقُلِهَا». (بخارى: 5033).

ابوموسي اشعري مي‌گويد: نبي اكرم ص فرمود: «از قرآن، مواظبت كنيد (همواره آنرا تلاوت نماييد) سوگند به ذاتي كه جانم در دست اوست، قرآن سريعتر از شتري كه زانويش بسته باشد، مي‌گريزد».

(یعنی همانطوریکه اگر مدتی شتری را که زانوبند به پایش بسته شده رها کنیم و مواظب آن نباشیم. زانو بند آن پاره و شتر رها می‌شود. قرآن نیز اگر از آن محافظت نشود و مرور و تمرین و بر خواندن آن مداومت نشود از یاد می‌رود).

2- ختم آن در هر ماه، یا بیست روز، یا ده روز، یا هفت روز یکبار: «واقرأ القرآن في كل شهر، قال: قلت: يا نبي الله ! إني أطيق أفضل من ذلك. قال: فاقرأة في كل عشرين قال قلت: يا نبي الله ! إني أطيق أفضل من ذلك. قال: فاقرأه في كل عشر قال قلت: يا نبي الله ! إني أطيق أكثر من ذلك. قال:فاقرأه في كل سبع، ولا تزد على ذلك». (البخاری ومسلم).

رسول اکرم ص می‌فرماید: قرآن را در مدت یکماه ختم كنيد، صحابى گفت: اى پيامبر خدا، من می‌توانم كمتر از يكماه ختم كنم، فرمود: در بيست روز ختم كنيد، صحابى گفت: اى پيامبر خدا، من می‌توانم كمتر از بيست روز ختم كنم، فرمود: در ده روز ختم كنيد، صحابى گفت: اى پيامبر خدا، من می‌توانم كمتر از ده روز ختم كنم، فرمود: در هفت روز قرآن را ختم كن و كمتر از هفت روز ختم نکن».

3- آنرا در کمتر از سه روز ختم نکن: «من قرأ القرآن في أقل من ثلاث لم یفقهه». (أحمد، أبوداود وابن ماجه).

پیامبر ص می‌فرماید: کسیکه قرآن را در کمتر از سه روز ختم کند آن را نمی‌فهمد. (يعنى تدبر نمى‌كند).

4- آراستن و نیکو کردن صدا: «لیس منا من لم ‌یتغَنَّ بالقرآن، یجهر به». (البخاری).

پیامبر اکرم ص: بر روش ما نیست کسی که قرآن را با صدای زیبا و بلند نخواند و آنرا آشکار نکند.

5- ادا نمودن قسمتهایی از قرآن «حزب قرآن» که جا گذاشته و نخوانده است. «من نام عن حزبه، أو عن شيء منه، فقرأه فيما بين صلاة الفجر وصلاة الظهر، كتب له كأنما قرأه من الليل». (مسلم).

پیامبر ص می‌فرماید: کسی که نتواند شب زنده‌دارى كند تا قسمتى از قرآن كه هر شب در نماز مى‌خوانده بخواند و خوابش رود، سپس آن قسمت را در فاصله میان نماز صبح و ظهر بخواند ثوابش مثل آنست که آن قسمت را در شب خوانده باشد.

6- پائین آوردن صدا: «الجاهر با القرآن کالجاهر بالصدقة، والمُسِرُّ بالقرآن کالمسر بالصدقة». (أبوداود).

پیامبر ص می‌فرماید: هرکس قرآن را علنی بخواند مثل آنست که صدقه را علنی داده است و هر که قرآن را مخفیانه بخواند مثل آنست که صدقه را مخفیانه داده است.

7- در حال جنابت «جنب» آنرا نخواند: «قال علي لم یکن ص یحجبه عن القرآن شيء لیس الجنابة». (أبوداود).

علی س می‌گوید: هیچ چیز بجز جنابت پیامبر را از تلاوت قرآن منع نمی‌کرد.

8- ترتیل و زیبا گردانیدن آن: ﮋ ﭢ ﭣ ﭤ ﮊ. (المزمل: 4).

«و قرآن را با دقت و تأمل بخوان و فصاحت تلاوت کن».

9- تدبر و اندیشیدن در معانی آن: ﮋ ﭲﭳﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﮊ. (ص: 29).

«اين كتابى است پربركت كه بر تو نازل كرده‏ايم تا در آيات آن تدبر كنند و خردمندان متذكر شوند».

10- خشوع و فروتنی و گریه نمودن: ﮋ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﮊ. (الحدید: 16).

«آيا وقت آن نرسيده است كه دلهاى مؤمنان در برابر ذكر خدا و آنچه از حق(قرآن) نازل كرده است خاشع گردد؟!».

11- استعاذه و پناه بردن بخدا: ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ گفتن.

ﮋﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤﮥ ﮊ. (النحل: 96).

«هنگامى كه قرآن مى‏خوانى، از شر شيطان مطرود، به خدا پناه بر».

12- ذکر و خواندن سجده تلاوت: «سجد وجهي للذي خلقه وشق سمعه وبصره بحوله وقوته». (أبوداود).

هرگاه به جائی رسید که مشتمل بر سجده بود بعد از تلاوت آن به حالت سجده درآید و بگوید: «سجد وجهي للذي خلقه وشق سمعه وبصره بحوله وقوته». یعنی: صورت من براى كسي كه او را آفريد، سجده كرد و گوش و چشم نيز تا حد توانايي و قدرت بشكافت. آفرين بر خداوند كه بهترين آفرينندگان است.

13- واکنش و تحت تأثیر قرار گرفتن بوسیله معانی آیات: «کان ص یقرأ مترسلاً إذا مر بآیة فیها تسبیح، سبح، وإذا مرَّ بسؤال، سأل، وإذا مرّ بتعوذ، تعوذ». (مسلم وأحمد).

پیامبر ص آهسته و بدون شتاب قرآن قرائت می‌فرمود: هرگاه به آیه‌ای می‌رسید که در آن تسبیح بود، تسبیح«سبحان الله» می‌گفت، و اگر در آیه‌ای دعا بود دعا می‌کرد، و در هر آیه‌ای پناه بردن بود، بخدا پناه می‌برد.

14- واجب بودن پاکی و وضوء به هنگام دست زدن به آن: «لایمس القرآن إلاَّ طاهر». (مالک والدارمی).

پیامبر ص خطاب به قرآن: «همانا هیچ چیز مرا منع نمی‌کند که بسوی تو بیایم و تو را تلاوت نمایم بجز اینکه وضوء ندارم».

15- استماع و گوش فرادادن به قرآن: ﮋ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﮊ. (الأعراف: 204).

«هنگامى كه قرآن خوانده شود، گوش فرا دهيد و خاموش باشيد; شايد مشمول رحمت خدا شويد».

سه برنامه ساده قرآنی برای ختم قرآن کریم

1- تلاوت،2- حفظ، 3- تمرین و یادگیری و تدبر.

1- برنامه ساده‌ای برای ختم قرآن کریم که روزانه صفحاتی از آنرا در نماز بخوانید بدون آنکه تأثیری در کارهای روزانه شما داشته باشد، یا وقت شما را بگیرد.

به جدول زیر دقت و برابر آن رفتار نمائید.

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| تعداد صفحات در هر نماز | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 | 6 | 7 | 8 | 12 | 17 |
| تعداد صفحات درهر روز | 5 | 10 | 15 | 20 | 25 | 30 | 35 | 40 | 60 | 85 |
| مدت ختم قرآن | 4 ماه | 2 ماه | 40 روز | 30 روز | 24 روز | 20 روز | 17 روز | 15 روز | 10 روز | 7 روز |

مثال: اگر کسی در هر نماز یک صفحه، و در روز پنج صفحه، قرآن بخواند در مدت چهارماه آنرا ختم خواهد نمود. (مترجم).

برنامه‌ای آسان برای حفظ کامل قرآن با حفظ یک سطر در روز:

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| تعداد سطرها در روز | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 | 6 | 7 | 8 | 12 | 15 | 24 | 30 |
| مقداری که در سال حفظ می‌شود | 24 | 12 | 8 | 6 | 8/4 | 4 | 4/3 | 3 | 2 | 6/1 | 1 | 8 ماه |

مثال: اگر روزانه فقط یک سطر قرآن حفظ شود در مدت بیست و چهار سال تمام قرآن حفظ خواهد شد. (مترجم).

برنامه‌ای آسان برای یادگیری و تدبر در قرآن با فراگرفتن چند آیه در روز با استفاده از تفاسیر مختصر و خوب مانند «تفسیر سعدی، زبده التفاسیر و تفسیر ابن کثیر» همراه با حفظ آن «در صورت تمایل»:

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| تعداد آیات یادگرفته در روز | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 | 6 | 7 | 8 | 9 | 10 |
| آنچه در چند سال و ماه یاد می‌گیرید | 7/17 | 9/8 | 10/5 | 5/4 | 6/3 | 11/2 | 6/2 | 2/2 | 11/1 | 9/1 |

مثال: اگر روزانه یک آیه قرآن را حفظ و یاد بگیرید (همراه بامعنی) در مدت هفده سال و هفت ماه معنی تمام قرآن را یاد گرفته و حفظ می‌نمائید.

دعا و ذکرهایی که مسلمان را دربرمی‌گیرد و محفوظ می‌نماید

اذکار در برگیرنده (حافظ) مسلمان

ترجمه رساله:

أذکار المسلم الشاملة

تألیف :

عید العنزی

**ذکرهای هنگام خواب و هنگام بیدار شدن:**

ذکر هنگام خوابیدن: 1- آیت الکرسی را بخوانید:

فضیلت آن: حافظ شما خواهد بود و آن شب تا صبح از شر شیطان محفوظ خواهی ماند.

2- دو آیه آخر سوره بقره:

فضیلت آن: از بدی و غم تو را کفایت می‌کند.

3- دستهای خود را «بمانند دعا» جمع کنید و سوره‌های اخلاص، فقل، ناس را بر آن بخوانید و در دستان خود بِدَمید و سپس دستان خود را بر سر و صورت و تن خود بمالید.

فضیلت آن: سحر و جادو و چشمهای بد و جنی‌ها را دفع می‌نماید.

4- ذکر سبحان الله والحمد لله والله اکبر را بخوانید.

فضیلت: حاصل شدن و بدست آوردن اجر عظیم.

5- خواندن این ذکر: «اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ نَفْسِيْ إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِيْ إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِيْ إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِيْ إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لاَ مَلْجَأَ وَلاَ مَنْجَا مِنْكَ إِلاَّ إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِيْ أَنْزَلْتَ وَبِنَبِيِّكَ الَّذِيْ أَرْسَلْتَ». (البخاري مع الفتح 11/113 ومسلم 4/2081).

(بار الها! جانم را به تو سپردم، و كار خود را به تو تفويض نمودم، و چهره‏ام را به سوى تو گرداندم، و به تو اتّكا كردم، در حالى كه به نعمت‏هاى تو اميدوارم و از عذابت بيم‏ناكم، به جز تو پناهگاهى و جاى نجاتى ندارم. الهى! به كتابى كه تو نازل فرمودى، و پيامبرى كه تو مبعوث كردى، ايمان آوردم).

فضیلت آن: اگر در شبی که این دعا را خوانده‌ای فوت کنی بر فطرت اصلی خود «دین اسلام» فوت نموده‌ای.

# دعایِ هنگام بیدار شدن از خواب در شب

1- این ذکرها را بخوانید«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ ولَهُ الحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيءٍ قَديْرٌ، سُبْحانَ اللهِ، وَالحَمْدُ للهِ، وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهِ، وَاللهُ أَكْبَرُ، وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لي». (البخاري مع الفتح 3/ 39 وغيرها و لفظ از ابن ماجه است، نگا: صحيح ابن ماجه 2/335).

(هيچ معبودى به جز الله «بحق» وجود ندارد، يكتاست و شريك ندارد، و پادشاهى و ستايش از آنِ اوست، و او بر هر چيز تواناست. الله پاك و منزّه است، و حمد از آنِ اوست، و هيچ معبودى به جز الله «بحق» وجود ندارد، و خدا بزرگترين است، و هيچ حول و قدرتى بجز از طرف خداى بلندمرتبه و بزرگ نيست. خدايا! مرا بيامرز).

فضیلت آن: هر کس این ذکر را بعد از بیدار شدن در خواب بخواند اگر دعا کند دعایش مستجاب، و اگر از خدا طلب مغفرت نماید آمرزیده می‌شود، و اگر نماز بخواند قبول می‌شود.

# دعا و ذکر هنگام بیدار شدن از خواب «در صبح»

1- «الحَمْدُ للهِ الَّذِي أَحْيَانا بَعْدَ مَا أمَاتَنَا وإلَيْهِ النُّشُورُ». (البخاري مع الفتح 11/ 113، ومسلم 4/ 2083).

(تمام ستايش‌ها از آنِ خدايى است كه پس از ميراندن ما را زنده كرده است، و بازگشت به سوى اوست).

\* هنگام دیدن کسی که او را دوست دارید بگويید الحمد لل،ه و سپس به وی بگويید که شما را دوست دارم.

\* هنگام دیدن کسی که از او بَدِتان می‌آید: از شر او بخدا پناه ببرید و بگویند أعوذ بالله من شره، و به او نگويید که شما را دوست ندارم و از دیدنتان ناراحتم.

# ذکرهای هنگام اذان گفتن

به هنگام اذان: همان ذکرهایی که مؤذن در اذان می‌گوید تکرار کنید. مگر وقتیکه مؤذی می‌گوید: «حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ، وَحَيَّ عَلَى الفَلاَحِ»، كـه در جـواب مى‏گويد: «لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إلاَّ بِاللهِ». (البخاري 1/152 ومسلم 1/288).

فضیلت آن: کسی که از ته قلب آنرا بگوید. بهشتی است.

بعد از پایان اذان: 1- صلوات بر پیامبر 2- گفتن این ذکر: «اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلاَةِ القَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّداً الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوْداً الَّذِيْ وَعَدْتَهُ، [إِنَّكَ لاَ تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ]». (البخاري 1/152 و آنچه در بين كروشه آمده از سنن بيهقي 1/410 روايت شده، وعلامه عبدالعزيز بن باز در كتاب (تحفه الأخيار ص38) سندش را حسن دانسته است).

(بار الها! اى پروردگارِ اين نداى كامل و نماز بر پا شونده، به محمد ص وسيله «مقامى والا در بهشت» و فضيلت عنايت بفرما، و او را به «مقام شايسته‏اى» كه وعده فرموده‏اى نايل بگردان، [همانا تو خُلف وعده نمى‏كنى).

3- نيز شخص گويد: «وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ، رَضِيْتُ بِاللهِ رَباًّ، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُوْلاً، وَبِالإِسْلاَمِ دِيْناً». (مسلم 1/290).

(و من گواهى مى‏دهم كه هيچ معبودى، بجز الله «بحق» وجود ندارد، يكتاست و شريكى ندارد، و محمد ص بنده و فرستاده‏ى اوست، من از اينكه الله، پروردگار و محمد، پيامبر و اسلام، دين من است، راضى و خشنودم).

(پس از اينكه مؤذن شهادتين را گفت، اين ذكر، خوانده شود). (ابن خزيمة 1/220).

# ذکرهای گوناگون

ذکر هنگام غذا خوردن و نوشیدن: در ابتدا بسم الله و در پایان الحمدلله بگویید.

دعاء مهمان: «اللَّهُمَّ باَرِكْ لَهُمْ فِيْماَ رَزَقْتَهُمْ، وَاغْفِرْ لَهُمْ وَارْحَمْهُمْ». (مسلم3/1615).

(الهى! آنچه را كه به ايشان ارزانى داشته‏اى، بركت ده و آنها را ببخش، و بر آنها رحم كن).

\*دعا به هنگام رسیدن به کسی که تازه ازدواج نموده: «بَارَكَ اللهُ لَكَ، وَبَارَكَ عَلَيْكَ، وَجَمَعَ بَيْنَـكُمَا فِيْ خَيْرٍ». (أصحاب السنن بجز النسائي، ونگا: صحيح الترمذي 1/316).

(خداوند به شما بركت عنايت فرمايد، و كار شما را بابركت كند، و پيوندتان را مبارك و باعث خير گرداند).

\* دعایی که مقیم باید به مسافر بگوید: «أَسْتَوْدِعُكُمُ اللهَ الَّذِيْ لاَ تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ». (أحمد 2/403 وابن ماجه 2/943، ونگا: صحيح ابن ماجه 2/133).

(من شما را به خدايى مى‏سپارم كه امانتهايش ضايع نمى‏شود).

\* دعای «برطرف شدن» اندوه و غصه: «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ الْعَظِيْمُ الحَلِيْمُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ اْلأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمُ». (البخاري 7/154ومسلم 4/2092).

(هيچ معبودى بحق بجز خداى بزرگ و بردبار وجود ندارد. هيچ معبودى جز الله كه پروردگار عرش بزرگ است وجود ندارد. هيچ معبودى بحق به جز الله كه پروردگار آسمان‏ها و زمين و عرش گرامى است وجود ندارد).

\* دعا به هنگام زیارت قبور: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین وإنَّا إن شاء الله بکم لا حقون». سلام بر شما ای «ساکنین» خانه مؤمنان و هر وقت خدا اراده کند ما هم به شما می‌پیوندم.

\* سبحان الله گفتن «تسبیح» دو چندان: «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ: عَدَدَ خَلْقِهِ، وَرِضَا نَفْسِهِ، وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ». [هنگام صبح، سه بار بخواند].(مسلم 4/2090).

(تسبيح و پاكى الله و ستايش او را به تعداد آفريدگانش خشنودى‏اش و سنگنى عرشش و جوهر سخنانش، بيان مى‏نمايم).

\* به هنگام وارد شدن به مسجد: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِيْ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ». (مسلم1/494).

(الهى! درهاى رحمت خود را بر من بگشا).

و هنگام خارج شدن از مسجد: «بِسْمِ اللهِ وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلَى رَسُوْلِ اللهِ اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ، اللَّهُمَّ اعْصِمْنِيْ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ». (مسلم1/494). (و. نگا: صحيح ابن ماجه 1/129).

(به نام خدا و درود و سلام بر رسول الله ص الهى! از تو فضل را مسألت مى‏نمايم، الهى! مرا از شيطان مردود، حفاظت فرما).

\* دعاء هنگام داخل شدن منزل: وقت دخول بگویند بسم الله و به هنگام خارج شدن بگويید: «بِسْمِ اللهِ، تَوَّكَّلْتُ عَلَى اللهِ، وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ». (أبوداود 4/ 325 والترمذي 5/490، و نگا: صحيح الترمذي3/151).

(به نام خدا، بر خدا توكّل كردم، و هيچ قدرت و توانائى جز از طرف خدا نيست).

\* دعا هنگام وارد شدن به توالت: «[بِسْمِ اللهِ]، اللهُمَّ إِنّي أعُوذُ بِكَ مِنَ الخُبُثِ والخبائِثِ». (البخاري 1/45، ومسلم1/283)، به اضافه (بسم الله) در اولش سعيد بن منصور آنرا روايت كرده است، (نگا: فتح الباري 1/244).

([به نام خدا] الهى! از جن‏هاى خبيث و پليد، اعم از زن و مرد، به تو پناه مى‏برم).

هنگام خارج شدن بگوید: «غُفْرانَكَ». (أهل السنن بجز النسائي آنرا در كتاب: (عمل اليوم والليلة) روايت كرده‏اند. نگا: تخريج زاد المعاد 2/387). (الهى! از تو آمرزش مى‏طلبم).

# ذکرهای صبح و شام «عصر یا غروب»

\* ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮊ وَ ﮋﭤ ﭥ ﭦ ﭧﮊ وَ ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮊ 3 بار.

فضیلت: از هر چیزی شما را کفایت می‌کند.

\* آیت الکرسی «آیه 255 سوره بقره» 1 بار.

فضیلت: سبب محافظت و دفع شیاطین خواهد بود.

\* «اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ أَمْسَيْنَا [وهنگام شب مى‏فرمود: «اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوْتُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيْرُ»]، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوْتُ وَإِلَيْكَ النُّشُوْرُ». (الترمذي 5/466 ونگا: صحيح الترمذي 3/142). 1 بار.

(بار الها! با لطف تو صبح كرديم، و با عنايت تو به شب رسيديم، و به خواست تو زنده‏ايم، و به خواست تو مى‏ميريم، و رستاخيز ما بسوى تو است).

\* «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ ِللهِ [وهنگام شب بجاى جمله فوق مى‏فرمود: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى المُلْكُ للهِ»]. وَالْحَمْدُ ِللهِ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيْ هَذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ [وهنگام شب بجاى جمله‏ى فوق مى‏فرمود: «رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيْ هَذِهِ الْلَّيلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيْ هَذِهِ الْلَّيلَةِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا»]، وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيْ هَذَا الْيَوْمِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، رَبِّ أَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ، وَسُوْءِ الْكِبَرِ، رَبِّ أَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَذَابٍ فِي النَّارِ وَعَذَابٍ فِي الْقَبْرِ». (مسلم 4/2088).

(ما و تمام جهانيان، شب را براى خدا به صبح رسانيديم، و حمد از آن خداست، هيچ معبودى، بجز الله كه يكتاست و شريكى ندارد وجود ندارد. پادشاهى و حمد فقط از آن اوست و او بر هر چيز قادر است. الهى! من خير آنچه در اين روز است و خير آنچه بعد از آن است را از از تو مى‏طلبم، و از شرّ آنچه كه در اين روز و ما بعد آن، وجود دارد، به تو پناه مى‏برم. الهى! من از تنبلى و بدى‏هاى پيرى به تو پناه مى‏برم، بار الها! من از عذاب آتش و قبر به تو پناه مى‏برم).

\* «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّيْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، خَلَقْتَنِيْ وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوْءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوْءُ بِذَنْبِيْ فَاغْفِرْ لِيْ فَإِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ إِلاَّ أَنْتَ». هركس هنگام شب آنرا با يقين بگويد و در آن شب بميرد، و يا صبح بگويد و در همان روز بميرد به بهشت وارد مى‏شود. (البخاري 7/150).

«الهى! تو پروردگار من هستى، بجز تو معبود ديگرى نيست، تو مرا آفريدى، و من بنده‏ى تو هستم، و بر پيمان و عده‏ام با تو بر حسب استطاعت خود، پايبند هستم، و از شر آنچه كه انجام داده‏ام به تو پناه مى‏برم، به نعمتى كه به من عطا فرموده‏اى، اعتراف مى‏كنم، و به گناهم اقرار مى‏نمايم، پس مرا ببخشاى، چرا كه بجز تو كسى گناهان را نمى‏بخشايد».

فضیلت: کسیکه با ایقان و ایمان این دعا را بخواند و بعد از آن فوت کند وارد بهشت می‌شود.

\* «بِسْمِ اللهِ الَّذِيْ لاَ يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي اْلأَرَضِ وَلاَ فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ». هركس سه بار در وقت صبح و سه بار در وقت شب اين دعا را بخواند هيچ چيزى به او ضرر نمى‏رساند. (أبوداود 4/323 والترمذي 5/465 وابن ماجه وأحمد. نگا: صحيح ابن ماجه 2/332 و علامه عبدالعزيز بن باز در كتاب (تحفة الأخيار ص39) سندش را حسن دانسته است).

(به نام خدايى كه با نام وى هيچ چيز در زمين و آسمان، گزندى نمى‏رساند، و او شنوا و دانا است).

\* «أَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ». [هنگام شب، سه بار خوانده شود]. هركس شامگاه سه مرتبه آنرا بخواند سختى‏هاى آن شب به او ضررى نمى‏رساند. (أحمد 2/290 والنسائي در كتاب: عمل اليوم والليلة شماره‏ى 590 وابن السني شماره‏ى 68، ونگا: صحيح الترمذي 3/187، وصحيح ابن ماجه 2/266 وتحفة الأخيار ص45).

\* «اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِيْ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِيْ دِيْنِيْ وَدُنْيَايَ، وَأَهْلِيْ، وَمَالِيْ، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِيْ، وَآمِنْ رَوْعَاتِيْ، اللَّهُمَّ احْفِظْنِيْ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ، وَمِنْ خَلْفِيْ، وَعَنْ يَمِيْنِيْ، وَعَنْ شَمَالِيْ، وَمِنْ فَوْقِيْ، وَأَعُوْذُ بِعِظْمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِيْ». (أبوداود وابن ماجه ونگا: صحيح ابن ماجه 2/332).

(الهى! عفـو و عافيت دنـيا و آخرت را از تـو مى‏خواهم. بار الها! عفو و عافيت دين، دنيا، خانواده و مالم را از تو مسألت مى‏نمايم. بار الها! عيوب مرا بپوشان و ترس مرا به ايمنى مبدّل ساز. الهى! مرا از جلو، پشت سر، سمت راست و چپ و بالاى سرم، محافظت بفرما، و به بزرگى و عظمت تو پناه مى‏برم از اينكه بطور ناگهانى از طرف پايين كشته شوم).

فضیلت: کسی که این دعا را بخواند خداوند وی را از هر جهت محفوظ می‌نماید.

\* «اللَّهُمَّ إِنِّيْ أََصْبَحْتُُ [هنگام شب گفته شود: «اللَّهُمَّ إِنِّيْ أََمْسَيْتُ»]. أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَمَلاَئِكَتَكَ وَجَمِيْعَ خَلْقِكَ، أَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لاَ إِلَهَ ِلاَّ أَنْتَ وَحْدَكَ لاَ شَرِيْكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُوْلِكَ».(اين دعا(4) بار خوانده شود). هر كس صبح يا شب ايـن دعا را چهار بار بخـواند، خـداونـد او را از آتـش نجات مى‏دهد. (أبوداود 4/317، والبخاري در كتاب: الأدب المفرد شماره‏ى 1201، والنسائي در كتاب: عمل اليوم والليلة شماره‏ى 9، وابن السني با شماره‏ى 70، و شيخ ابن بازدر كتاب: (تحفة الأخيار ص 23) سند النسائي وأبي داود را حسن دانسته است).

(الهى! من در اين صبح‏گاه، تو را و حاملان عرش و تمام فرشتگانت و كليّه مخلوقات تو را گواه مى‏گيرم بر اين كه تو الله هستى، بجز تو معبود ديگرى «بحق» وجود ندارد، تو يگانه‏اى و شريكى ندارى، و محمد ص بنده و فرستاده‏ى تو است).

# ذکرهای بعد از سلام دادن «پایان» نمازهای واجب

«أَسْتَغْفِرُ اللهَ (ثلاثاً) اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلاَمُ وَمِنْكَ السَّلاَمُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلاَلِ وَالإِكْرَامِ». (مسلم1/414).

(از الله طلب آمرزش مى‏كنم [سه مرتبه] الهى تو سلامى، و سلامتى از جانب تو است، تو بسيار بابركتى، اى صاحب عظمت و بزرگى).

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، اللَّهُمَّ لاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلاَ مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلاَ يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ». (البخارى 1/255 و مسلم 1/414).

(معبودى «بحق» بجز الله، وجود ندارد. شريكى ندارد، پادشاهى از آنِ اوست، ستايش شايسته‏ى اوست، و او بر هر چيزى توانا است، الهى! آن‏چه تـو بـدهى، هيچ كس مانع آن نمى‏گردد، و آنچه تو منع كنى، هيچ كس نمى‏تواند آنرا بدهد. توانگر، او را ثروتش از عذاب تو نجات نمى‏دهد، و «تمامى شكوه و» ثروت از آنِ تو است).

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، وَلاَ نَعْبُدُ إِلاَّ إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُوْنَ». (مسلم 1/415).

(معبودى بجز الله «بحق» وجود ندارد، يگانه اوست و شريكى ندارد، پادشاهى از آنِ اوست، و ستايش مخصوص اوست، و او بر هر چيز توانا است. هيچ نيروى بازدارنده از گناهان و توفيق دهنده به نيكى، به جز الله وجود ندارد. هيچ معبودى جز او «بحق» نيست. جز او كسى ديگر را عبادت نمى‏كنيم، نعمت و فضل از آنِ اوست، ستايش نيكو مخصوص اوست، معبودى بجز او وجود ندارد، همه‏ى ما با اخلاص او را بندگى مى‏كنيم هر چند كافران دوست نداشته باشند).

«سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَاللهُ أَكْبَرُ [33 سپس] لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ». (مسلم 1/418). «كسى كه آنرا بعد از هر نماز بگويد گناهش بخشوده مى شود! هر چند به اندازه‏ى كف دريا باشد».

(بجز الله يگانه، ديگر معبودى بحق نيست، شريكى ندارد، پادشاهى از آنِ اوست، ستايش شايسته اوست، و او بر هر چيز تواناست).

ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﮊ . (الإخلاص: ١ - ٤).

**«**به نام خداوند بخشنده‏ى مهربان. بگو خدا يكتا و يگانه است. خداوندي است كه همهء نيازمندان قصد او مي‌كنند. (هرگز) نزاد و زاده نشد. و براي او هيچگاه شبيه و مانندي نبوده است**»**.

ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮋ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮊ. (الفلق: ١ - ٥).

«به نام خداوند بخشنده‏ى مهربان. بگو: پناه مي‌برم به پروردگار سپيدهء صبح. از شر تمام آنچه آفريده است. و از شر هر موجود شرور هنگامي كه شبانه وارد مي‌شود. و از شرّ آنها كه در گره‌ها مي‌دمند. و از شرّ هر حسودي هنگامي كه حسد مي‌ورزد».

ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ . (الناس:١ – ٦). أبوداود 2/86 والنسائي 3/ 68 ونگا: صحيح الترمذي 2/8، سوره‏هاى سه‏گانه را معوذات مى‏گويند. نگا: فتح الباري 9/62).

**«**به نام خداوند بخشنده‏ى مهربان، بگو: پناه مي‌برم به پروردگار مردم. به مالك و حاكم مردم. به (خدا و) معبود مردم. از شرّ وسوسه‌گر پنهان‌كار. كه درون سينهء انسانها وسوسه مي‌كند. خواه از جن باشد يا از انسان**».** [بعد از هر نماز خوانده شوند].

ﮋﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﯶ ﯷ ﯸ ﯹﯺ ﯻ ﯼ ﯽﯾﮊ. بعد از هر نماز خوانده شود. هر كس پس از هر نماز آنرا بخواند مانعي از ورود بهشت او نمى‏شود مگر مردنش. (النسائي در كتاب: (عمل اليوم والليلة) شماره‏ى 100، وابن السني شماره‏ى 121 وألباني در صحيح الجامع 5/339 وسلسلة الأحاديث الصحيحة 2/697 شماره‏ى 972).

(خداوند هيچ معبودى «بحق» جز او نيست، خداوندى كه زنده و قائم به ذات خويش است، هيچ گاه خواب سبك و سنگين او را فرا نمى‏گيرد، براى اوست آنچه در آسمان‏ها و زمين است، كيست كه نزد او جز به فرمانش شفاعت كند، آنچه را پيش روى آنها «بندگان» و پشت سر آنهاست مى‏داند، و از گذشته و آينده‏ى آنان آگاه است، آنها جز به مقدارى كه او بخواهد احاطه به علم او ندارند، كرسى او آسمان‏ها و زمين را دربرگرفته و حفظ و نگهدارى آسمان و زمين براى او گران نيست، و او بلند مرتبه و باعظمت است).

# فضائل بعضی از سوره‌های و آیات قرآن

\* سوره فاتحه: عظیمترین سوره قرآن و شفاء هر دردی است.

\* سوره بقره و آل عمران: روز قیامت مانند دو ابر «سایبان» از صاحب خود حمایت می‌کنند.

\* آیت الکرسی: عظیمترین آیه قرآن است سبب حفظ بندگان است (بوسیله خدا).

\* دو آیه آخر سوره بقره: از هر بلائی آدمی را کفایت می‌کند.

\* ده آیه اول سوره کهف: از فتنه دجال در أمان خواهی ماند.

\* سوره اخلاص «قل هو الله احد»: معادل یک سوم قرآن است.

\* آنچه را بیمار در حال بیماری خود باید بگوید. ﮋ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﮊ. (البقره: 201).

«پروردگارا! به ما در دنيا (نيكى) عطا كن! و در آخرت نيز (نيكى) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار!».

فضیلت: بیماری که این دعا را بخواند خداوند او را شفا می‌دهد.

\* دعا برای مریض: «أَسْأَلُ اللهَ الْعَظِيْمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ أَنْ يَشْفِيَكَ». (هفت بار بخواند). مسلمانى كه به عيادت مريضى برود كه اجلش فرا نرسيده است، و اين دعا را هفت بار بر او بخواند، مريضش شفا مى‏يابد. (الترمذي وأبوداود، ونگا: صحيح الترمذي2/210 وصحيح الجامع 5/180).

(از خداوند عظيم، پروردگار عرش بزرگ، مى‏خواهم كه تو را شفا دهد).

«لاَ بَأْسَ طَهُوْرٌ إِنْ شَاءَ اللهُ». (البخاري مع الفتح 10/118).

(هيچ باكى نيست، اين بيمارى به خواست خداوند، پاك كننده‏ى «گناهان» است).

# افسون و دعاهای شرعی برای بیماری و چشم بد و سِحْر

1- «أَذْهِبِ البَأس، ربَّ الناس، واشفِ أنتَ الشَّافِي لا شِفاءَ إلاَّ شفاءُكَ شِفاءً لا يغادُر سَقَماً».

«اي پروردگار انسانها! (هرگونه) زيان و ترس را زايل فرما و شفا(ي عاجل) عنايت كن كه همانا تو (تنها) شفا دهنده هستي و جز شفاي تو كه تمامي بيماري‌ها را درمان مي‌بخشد شفايي وجود ندارد».

2- رسول الله ص فرمود: دستت را بر جايى كه درد احساس مى‏شود بگذار، و سه بار «بِسْمِ اللهِ» بگو: سپس هفت بار بگو: «أَعُوْذُ بِاللهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ». (مسلم 4/1728).

(من بـه خـدا و قدرتش پناه مى‏برم از شرّ آنچه به آن دچار مى‏شوم و از آن بيم دارم و مى‏ترسم).

3- «بِسْمِ اللهِ أرقيِكَ، مِن كُلِّ شيٍ يُوذيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أو عَينِ حَاسِدٍ، اللهُ يَشْفِيكَ، بِسم اللهِ أرقيكَ». «به نام خداوند آنچه (از ارواح پليد و غيره كه) موجبات اذيت و آزار تو (بيمار) را فراهم مي‏كنند از تو دور مي‏سازم و از گزند هر نفس (سركش) يا چشم زخم حسودي مي‏رهانمت. (بي‏ترديد) اين خداست كه تو را شفا مي‏دهد و من (تنها) با نام و ياد او به مداوايت مي‏پردازم».

# اذکار «ذکرهای» متنوع و گوناگون

1- هنگام وارد شدن به هر خانه‌ای: «أَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ». [هنگام شب، سه بار خوانده شود]. هركس شامگاه سه مرتبه آنرا بخواند سختى‏هاى آن شب به او ضررى نمى‏رساند. (أحمد 2/290 والنسائي در كتاب: عمل اليوم والليلة شماره‏ى 590 وابن السني شماره‏ى 68، ونگا: صحيح الترمذي 3/187، وصحيح ابن ماجه 2/266 وتحفة الأخيار ص45).

فضیلت: تا هنگامی که در آن منزل است ضرری به او نمی‌رسد.

2- بعد از وضوء: «أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدَاً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ..». (مسلم1/ 209).

(شهادت مى‏دهم كه بجز الله، معبودى «بحق» وجود ندارد، يكتاست وشريكى براى او نيست، وشهادت مى‏دهم كه محمد، بنده و فرستاده‏ى اوست).

فضیلت: کسیکه این ذکر را بعد از وضوء بخواند درهای هشتگانه بهشت بر او باز می‌شود.

3- هنگام دعا کردن: «اللَّهُمَّ إِنّيْ أَسْأَلُكَ بِأَنِّيْ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، الأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِيْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْواً أَحَدٌ». (أبوداود2/62والترمذي 5/515 وابن ماجه 2/ 1267 وأحمد 5/360 ونگا: صحيح ابن ماجه 2/329 وصحيح الترمذي 3/163).

(پروردگارا! من تنها از تو «احتياجاتم را» مى‏خواهم، چرا كه شهادت مى‏دهم كه تو الله هستى، و هيچ معبودى بجز تو «بحق» وجود ندارد، تو آن يكتا و بى‏نيازى هستى كه نه زاده است، و نه زائيده شده است، و همتايى ندارد).

فضیلت: این دعا نام خداست اگر بوسیله آن چیزی طلب شود عطا می‌شود. واگر دعائی شود قبول می‌شود.

4- به هنگام مصیبت: «إِنَّا ِللهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ، اللَّهُمَّ أَجُرْنِيْ فِيْ مُصِيْبَتِيْ وَأَخْلِفْ لِيْ خَيْراً مِنْهَا». (مسلم 2/632).

(بدون ترديد ما از آنِ الله هستيم و بازگشت همه‏ى ما بسوى اوست. الهى! مرا در مقابل مصيبت، پاداش ده، و در عوض آن چيز بهترى به من عنايت فرما).

فضیلت: در صورت خواندن این دعا در این مصیب اجر و پاداش را می‌گیری و بهتر از آن را خداوند عطا می‌فرماید.

5- برای محافظت اطفال: رسول الله ص با خواندن اين كلمات، حسن و حسين م را به خدا مى‏سپرد تا آنها را حفاظت كند: «أُعِيْذُكُمَا بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانِ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لاَمَّةٍ». (البخاري 4/119 از حديث ابن عباس م).

(من شما دو نفر «حسن و حسين م» را به وسيله‏ى كلمات كامل الله از بدى هر شيطان و جانور زهردار و زخم چشم به حفظ خدا مى‏سپارم).

فضیلت: این دعا چشم بدخواه را دفع می‌کند.

**6- هنگام خشمگین شدن: «أَعُوْذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ».** (البخاري 7/99 ومسلم 4/2015). (از شيطان رانده شده به الله پناه مى‏برم).

فضیلت: خشم زائل می‌شود.

7- برای راندن و دور کردن شیطان و وسوسه‌های او:

1- ذکر الله 2- پناه بردن به خدا «أَعُوْذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ». 3- اذان 4- اقامه.

8- هنگام دیدن چیزی شگفت‌آور: «مَا شَاءَ لاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ».

هر چه خدا بخواهد، قوتی نیست مگر به خدا.

فضیلت: خداوند آنرا خجسته و با برکت می‌نماید.

9- هرگاه از قومی ترسیدید بگویند: «اللَّهُمَّ اكْفِنِيْهِمْ بِمَا شِئْتَ». (مسلم 4/2300).

(اى الله! تو در برابر دشمنان به هر طريق كه مى‏خواهى، مرا كفايت فرما). فضیلت: خداوند آنها را دفع می‌نماید.

10- هنگام تعزیه: «إِنَّ ِللهِ مَا أَخَذَ، وَلَهُ مَا أَعْطَى وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُسَمَّى … فَلِتَصْبِرْ وَلِتَحْتَسِبْ». (البخاري 2/80 ومسلم 2/636).

(همانا آنچه را كه خداوند گرفت، از آنِ خودش بود، و آنچه را كه داده است نيز مال خود او مى‏باشد، مسلّماً هر چيز، ميعاد معينى دارد، لذا بايد صبر كنى و اميد ثواب داشته باشى).

فضیلت: موجب کاستن اندوه اهل میت است.

# ذکرهای مهم «عظیم»

1- سبحان الله (100) بار یک، هزار نیکی برایش نوشته می‌شود، یا یک هزار گناه او محو می‌گردد.

2- سبحان الله وبحمده (100) بار، بوسیله آن گناهان آمرزیده می‌شوند اگرچه مثل کف دریا باشد.

3- «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ». (البخاري 7/67 ومسلم با همين لفظ 4/2071، ونگا: فضيلت كسى كه در هر روز صد بار آنرا مى‏گويد، در همين كتاب).

(هيچ معبودى به جز الله «بحق» وجود ندارد، يكتاست و شريكى ندارد، پادشاهى و ستايش از آنِ او است، و او بر هر چيز تواناست).

(100) بار، این ذکر معادل آزاد کردن (10) بنده وبدست آوردن (100) حسنه و آمرزیده شدن (100) گناه و پناهگاهی امن از دست شیطان است.

4- «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيْمِ». (البخاري 7/168ومسلم 4/2072).

(الله پاك و منزّه است، و او را ستايش مى‏كنم، خداوند عظيم، پاك و منزّه است).

5- «وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ». (أبوداود 4/ 325 والترمذي 5/490، و نگا: صحيح الترمذي3/151).

(و هيچ قدرت و توانائى جز از طرف خدا نيست).

به هر تعداد خوانده شود: گنجی از گنجهای خداست.

6- «سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ ِللهِ، وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ» بگويم، نزد من از آنچه كه خورشيد بر آن طلوع كرده است (يعنى همه‏ى دنيا) دوست داشتنى‏تر است). (مسلم 4/2072).

7- «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نَبِينَا مُحَمَّدٍ». به هر تعداد خوانده شود.

خدایا بر محمد پیامبر ما درود و سلام بفرست. پیامبر فرموده هر کس یک صلوات بر من فرستد خداوند ده صلوات بر او می‌فرستد.

8- «أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوْبُ إِلَيْكَ»: آمرزش می‌خواهم از خداوند و به او باز می‌گردم.

به هر تعداد موجب کفارت گناهان است.

9- قبل از برخاستن از مجلس بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوْبُ إِلَيْكَ».

(خدايا! تو پاك و منزّهى، تو را ستايش مى‏كنم، و گواهى مى‏دهم كه بجز تو، معبود ديگرى «بحق» وجود ندارد و از تو آمرزش مى‏خواهم و بسوى تو توبه مى‏كنم).

10- «اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ». (البخاري 7/158).

(بار الها! من از غم و اندوه، و ناتوانى و سستى، بخل و ترس، سنگينى وام، غلبه‏ى مردان، به تو پناه مى‏برم).

به هر تعداد خوانده شود: غم و اندوه را برطرف می‌نماید.

وصیت پیامبر ص: «لاَ يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْباً مِنْ ذِكْرِ اللهِ».

(الترمذي 5/458، وابن ماجه 2/1246 ونگا: صحيح الترمذي 3/139، وصحيح ابن ماجه 2/317).

(پيوسته زبانت با ياد خدا تَر باشد).

خانواده ناپاكيها

مسكرات و مخدرات

«مواد مخدر» ره‌آورد استعمار

ترجمه : العائلة الخبيثة

تأليف :

صالح بن عبدالله الصباح

**مسکرات و مخدرات «مواد مخدر» زندگی را بر باد می‌دهد**

\* جوانی است که پسر بچه سه ساله‌ای را ربوده و سپس به وی تجاوز نموده و به این هم اکتفا نکرده، آنرا خفه نموده و به قتل رسانیده است، بعداً که حقایق کشف گردیده معلوم شده که آن جوان اهل شرابخواری و مخدرات است.

\* آن یکی، دختر بچه‌ایست که از خانه خود فرار و به خانه امام مسجد پناه آورده است، فرار از چه چیزی؟ از چه کسی؟ از پدری که شرابخوار است، و مدت بیست روز است که می‌خواهد با دخترش عمل فحشا انجام دهد.

\* آن دیگری خانواده‌ایست که همیشه با رنج و مشکل زندگی می‌کنند. مادر و دخترانش هیچگاه از قتل و تجاوزِ خود در امان نیستند، شبها نمی‌توانند بخوابند مگر اینکه درِ اطاق را قفل و آنرا با وسایل سبک و سنگین محکم ببندند. ترس از چه؟ از چه كسى؟ از پسر مست و شرابخوار خانواده، که هر نصف شبی بسویشان می‌آید.

\* دیگری خانواده‌ای که با ترس و وحشت و اضطراب از شهر خود به شهر دیگری فرار نموده‌اند. فرار از چه؟ از چه کسی؟ از دست پدر شرابخواری که همیشه مست است، و خانواده‌اش از ترس او نه شب و نه روز از ناموس و خون خود در امان نیستند.

\* آن یکی شوهر مجرمی است که همسر و دختر هفت ساله و پسر پنج ساله‌اش را بقتل رسانده، و دست پسر سه ساله دیگرش را قطع نموده و به این جنایت هم اکتفا نکرده بلکه علاوه بر این تن آنها را نیز قطعه قطعه نموده است.

\* حوادث، داستانها و داستانهای دیگری که هر روز وقوع آنها را در کشورهای غربی و کفر می‌شنویم. اما در تأیید، تصدیق یا تکذیب آن مانده‌ایم. «نمی‌دانیم باور کنیم یا نه؟» تا اینکه ناگاه جریان مشابهی در میان خود ما «در جامعه ما» روی می‌دهد و اثرات و آلام آنرا خود احساس می‌کنیم!!

چه بسیارند خانواده‌هایی که از دست پدر یا پسر منحرف خود که به گرداب این پلیدیها افتاده، روزانه زندگی خفت‌باری را می‌گذرانند.

پلیدیها و خبائثی که انسان را به هیولایی درنده و وحشی تبدیل می‌کند بطوریکه همه اطرافیان از او در هراسند. و برای همه غم و آشفتگی و مصیبت و مشکل ببار می‌آورد.

پس بیایید همه با هم برای از بین بردن و قطع ریشه این پلیدیها و خبائث همکاری کنیم. «برای ریشه کنی آن دست بدست هم دهیم».

# مسکرات «مست کننده‌ها» تو را بسوی هر جرم و جنایتی می‌کشانند

س 1: آیا می‌خواهید در عرض چند روز زندگی خود و خانواده‌ات از دست برود؟

س 2: آیا می‌خواهید که مورد نفرت خدا واقع، و یا چیزی مورد نفرت «ملعون» را وارد شکم خود نمائید؟

س 3: آیا می‌خواهید که هر چه بدی و رذائل و بلایا و فقر و بیماریست بسویت سرازیر شود؟

س 4: آیا می‌خواهید دروازه پلیدیها، بدیها و رذالت باشید؟

س 5: آیا می‌خواهید که به درنده‌ای وحشی و جنایتکاری قاتل که پدر و مادر و همسر و فرزندان و اطرافیان خود را نیز می‌کُشند تبدیل شوید؟

جواب: اگر به مسکرات و مواد مخدر تن دهی و بسوی آنها قدم برداری، همانا قطعاً پاسخ شما آری است.

بحق بدانید که همانا اسم خمر شامل همه انواع مسکرات «مست کننده‌ها» همه انواع مخدرات «مواد مخدر» تشفیط و همه انواع آن و تمامی آن چیزهایی است که به نحوی تعادل و توازن طبیعی عقل آدمی را بهم بزند و مختل نماید. حشیش، کوکائین، هروئین، تریاک، مرفین، شمه، همه اینها نوعی از انواع مخدرات هستند.

پزشکان بیماریهای زیادی را که به علت نوشیدن مشروبات الکلی و استعمال مواد مخدر بوجود می‌آیند ذکر نموده‌اند. از جمله اتلاف کبد و کلیه، ضعیف نمودن عقل. و جسم و اعصاب، کاهش مقاومت بدن در برابر بیماریها و ابتلاء به بیماریهای مهلکی مانند سل و (سرطان)، و به نابودی کشاندن نسل بشر، ایجاد ضعف و ناتوانی عقلی و جسمی انسان و صدها نوع گرفتاری و مشکلات و بیماریهای دیگر که در کتابهای پزشکی به تفصیل بیان شده است.

# تشفیط راهی است بسوی دیوانگی

تشفیط نوع کثیفی از مسکرات است که با استنشاق و مکیدن مواد شیمیایی بوجود می‌آید. این مواد شیمیایی سلولهای مغز را یکی بعد از دیگری نابود، تا اینکه عقل مصرف کننده «مشفط» را زائل و او را به دیوانگی دائمی دچار می‌کند. سلولهای مرده مغز نیز به هیچ وجه زنده و یا سلول دیگری جایگزین آن نمی‌شود. بیماریها و گرفتاریهای زیادی در مصرف این نوع ماده مخدر وجود دارد. که در کتابهای پزشکی به تفصیل بحث شده است.

مطالب زیر را بخوانید تا پلیدی و کیفر استعمال مسکرات و مخدرات را بهتر بشناسید.

1- گناه کبیره است: خداوند می‌فرماید: ﮋ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﮊ. (البقره: 219).

«در باره شراب و قمار از تو سؤال مى‏كنند، بگو: «در آنها گناه و زيان بزرگى است».

2- شراب پلید و از کارهای شیطان است: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﮊ. (المائده: 90).

«اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! شراب و قمار و بتها و ازلام ( نوعى بخت‏آزمايى )، پليد و از عمل شيطان است، از آنها دورى كنيد تا رستگار شويد!».

3- خمر ملعون و نفرت شده است: «إنَّ الله لعن الخمر». الحاکم. پیامبر ص می‌فرماید: خداوند خمر را لعنت نموده.

پس چگونه آنرا تناول می‌نمائید؟

4- هر کس به شراب علاقمند باشد ملعون است: «لعن ص في الخمر عشرة عاصرها ومعتصرها وشاربها وحاملها والمحمولة إلیه وساقیها وبائعها وأکل ثمنها والمشتري لها والمشتراه له». (الترمذی وابن ماجه).

رسول اکرم ص ده صنف را که در کار مشروبات الکی دخالت دارند لعنت کرد. 1- کسیکه انگور را جهت شراب بفشارد 2- کسیکه برایش فشرده شود، و برایش ساخته شود 3- کسیکه آنرا می‌نوشد 4- کسیکه آنرا حمل می‌کند 5- کسیکه برایش حمل می‌شود. 6- کسیکه آنرا به ديگران تعارف می‌کند 7- کسیکه آنرا می‌فروشد 8- کسیکه پول آنرا دریافت دارد 9- کسیکه آنرا خریداری کند 10- کسیکه برایش خریداری شود.

5- هر مسکری «مست کننده‌ای» حرام است: «کل مسکر خمر وکل خمر حرام». (مسلم).

هر مست کننده‌ی شراب است، و هر شرابی حرام است.

6- نوشیدن عصاره اهل جهنم: «إنَّ على الله عز وجل عهداً لمن یشرب المسکرات لیسقیه من طینة الخبال. فقالوا وما طینة الخبال یا رسول الله، فقال: عرق أهل النار، أو عصارة أهل النار». (مسلم).

خداوند عهد نموده که هر کس شراب مسکر بنوشد طینه الخبال را به وی بنوشاند. عرض کردند یا رسول الله طینه الخبال چیست؟ فرمود عَرَق جهنمیان است.

7- نوشیدن آب جوش جهنم: «أقْسَمَ رَبّي عز وجل بعزته لا یشرب عبد من عبیدي جرعة من خمر إلاَّ سقیته مکانها من حمیم جهنم». (أحمد).

خداوند به عزت و جلال خود قسم خورده که هر کس از بندگانش جرعه‌ای خمر «شراب» بنوشد خداوند بجای آن از آب جوش عرق جهنمیان بوی می‌نوشاند.

8- نوشیدن از رودی که از مجرای ادرار زنان فاحشه جاری می‌شود: «من مات مدمناً للخمر سقاه الله جل وعلا من نهر الغوطة قیل وما نهر الغوطة، قال: نهر یجري من فروج المومسات یؤذي أهل النار ریح فروجهم». (أحمد، ابن حبان و ابویعلی والحاکم).

کسیکه بمیرد و دائم الخمر «شرابخوار دائمی» باشد خداوند وی را از رود غوطه می‌نوشاند. گفته شد که رود غوطه چیست؟ فرمود رودی است كه از شرمگاه زنان فاحشه جاری و جهنمیان از بوی آن در عذابند.

9- از دست دادن ایمان: «لا یشرب الخمر حین لیشربها وهو مؤمن، والتوبة معروضة بعد». (مسلم).

شرابخوار به هنگام نوشیدن شراب مؤمن نیست و توبه نیز از وی رویگردان است. یعنی در آنوقت درِ توبه هم از او بسته شده است.

«من زنى أو شرب الخمر نزع الله منه الإیمان». (الحاکم).

کسیکه مشروب می‌خورد یا زنا می‌کند خداوند در آن هنگام ایمان را از وی می‌گیرد.

10- داخل بهشت نمی‌شود: «ثلاثة لا یدخلون الجنة: العاق لوالدیه والمدمن علی الخمر، والمنان». (النسائي والحاکم).

سه طایفه وارد بهشت نمی‌شوند: 1- آزار دهنده پدر و مادر، 2- مشروب خوار دائمی، 3- منت گذار «کسیکه نیکی و خدمتی را که به دیگری کرده بر او منت می‌نهد و به رُخ او می‌کشد».

11- از شراب طهور نمی‌نوشد: «مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِي الدُّنْيَا، ثُمَّ لَمْ يَتُبْ مِنْهَا، حُرِمَهَا فِي الآخِرَةِ». (بخارى:5575).

عبدالله بن عمر م مي گويد: رسول الله ص فرمود: «هركس، در دنيا شراب بنوشد و از آن، توبه نكند، از شراب آخرت، محروم خواهد شد».

12- شراب درد و بیماری است: «إنَّها لیست بدواء ولکنها داء». (مسلم).

براستی شراب درمان نیست، بلکه درد و مَرَض است.

13- خرید و فروش آن حرام است: «إنَّ الذي حرم شربها، حرم بیعها». (مسلم).

براستی كسى كه نوشیدن آن حرام كرده، داد و ستد آن نیز حرام كرده است.

14- نوشیدن آن از علائم آخرت است: **«إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ: أَنْ يُرْفَعَ الْعِلْمُ وَيَثْبُتَ الْجَهْلُ وَيُشْرَبَ الْخَمْرُ وَيَظْهَرَ الزِّنَا». (بخارى:80)**.

رسول الله ص فرمود: «از جمله نشانه‏هاي قيامت اين است كه جهل و ناداني فراگير خواهد شد و علم و دانش از بين خواهد رفت. و زنا و شراب خواري آشكار و علني انجام خواهد گرفت».

15- مسکرات «ام الخبائث» ریشه پلیدیهاست: «قال عثمان س فَاجْتَنِبُوا الْخَمْرَ فَإِنَّهُ وَاللَّهِ لاَ يَجْتَمِعُ وَالإِيمَانُ أَبَداً إِلاَّ يُوشِكُ أَحَدُهُمَا أَنْ يُخْرِجَ صَاحِبَهُ ». (النسائی).

از عثمان س نقل شده است که: از شرابخواری بپرهیزید. که شراب ریشه و مادر پلیدیهاست. قسم به خدا شرابخواری و ایمان با هم در یک فرد جمع نمی‌شوند مگر اینکه یکی از آنها دیگری را از جسم بیرون کند «یعنی یکی از این دو: یا ایمان یا شرابخواری».

16- حرام بودن نشستن در مجلس شراب و شرابخواران: «من کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلا یقعدنَّ على مائدة یدار علیها بالخمر». (الترمذی و الحاکم).

کسیکه به خدا و روز قیامت ایمان دارد نباید بر سفره‌ای بنشیند که بر روی آن خمر گذاشته شده است.

17- شراب کلید و دروازه هر بدی است: «لا تشرب الخمر فإنَّها مفتاح کل شر». (ابن ماجه).

شراب ننوشید که همانا دروازه و کلید هر بدی و فساد است.

18- ریشه و مبنای هر خطا و گناهی است: «لا تشربوا الخمر فإنَّها رأس الخطایا کلها». (الطبرانی).

شراب ننوشید که ابتدا و ریشه هر گناهى است.

19- شروع سرِ هر کار زشتی است: «لا تشربن خمراً فإنَّها رأس کل فاحشه». (الحاکم).

«شراب ننوشید که بحقیقت شروع کننده و ابتدای ورود به هر کار زشتی است».

20- راه گمراهی و فریبکاری است: «أما أنَّک لو أخذت الخمر غوت أمتک». (مسلم). (حدیث قدسی).

در شب اسراء خطاب به رسول الله ص است كه: همانا اگر شراب را انتخاب مى‌كردى امت تو منحرف مى‌شدند.

21- شرابخوار تا چهل روز نمازش قبول نیست: «من شرب الخمر فسکر لم تقبل له صلاة أربعین صباحاًً فإن مات دخل النار. فإن تاب تاب الله علیه». (الترمذی و الحاکم و ابن حبان).

کسیکه شراب بخورد و مست شود تا چهل روز نمازش قبول نیست. پس اگر بمیرد به دوزخ می‌رود، و اگر توبه کند توبه‌اش مورد قبول خداوند واقع می‌شود.

22- شرابخوار اگر بمیرد مرگ او مرگ جاهلیت است: «قال عبدالله بن عمر م إنَّ أعظم الکبائر شرب الخمر: إنَّ النبي ص قال: ما من أحد یشربها فتقبل منه صلاة أربعین لیلة ولا یموت وفي مثانته منه شيء إلاَّ حرّمتِ بها علیه الجنة فإن مات في أربعین لیلة مات میتة جاهلیة». (الطبرانی الحاکم).

عبدالله بن عمر م می‌گوید: همانا نوشیدن شراب بزرگترین گناه است. رسول اکرم ص می‌فرماید: کسیکه شراب می‌نوشد تا چهل روز «اگر توبه نکُند» نمازش قبول نیست، اگر بمیرد و در مثانه او چیزی از شراب وجود داشته باشد، بهشت بر وی حرام، و اگر در آن چهل روز فوت کند، بر دین جاهلیت مرده است.

23- نوشنده شراب روز قیامت تشنه خواهد آمد: «من شرب الخمر أتى عطشان یوم القیامة». (أحمد وأبویعلی).

کسیکه شراب بنوشد، روز قیامت بسیار تشنه خواهد بود: (در حالی وارد قیامت می‌شود که بسیار تشنه است).

24- برای امام مسلمانان جائز است شرابخوار را بقتل برساند: «من شرب الخمر فاجلدوه فإن عاد في الرابعة فاقتلوه». (الترمذي).

شرابخوار را تازیانه بزنید، اگر برای بار چهارم تکرار کرد آنرا بقتل برسانید.

25- هر مسکری «مست کننده‌ای» با اینکه تغییر نام داده شده باشد شراب است:

«لَیَشْربَّن ناسٌ من أمتي الخمر ویُسَمُّونَها بغیر اسمها». (الترمذي).

گروهی از امت من شراب می‌نوشند و نام دیگری بر آن می‌نهند.

26- اجرای حد و زدن تازیانه به نوشنده شراب لازم است: «قال علي بن أبي ‌طالب جلد النبي ص أربعین وجلد أبوبکر أربعین وعمر ثمانین وکل سنة». (مسلم).

علی بن ابی‌طالب می‌گوید: پیامبر ص چهل تازیانه، و ابوبکر س چهل تازیانه، و عمر س هشتاد تازیانه به شرابخوار می‌زدند. و همة آنها سنت هستند.

**(دخانیات «سیگار» با ایجاد بیماریهای مهلک تو را بسوی مرگ می‌کشاند).**

از سیگار، این ماده پلید، کثیف و کشنده پرهیز کنید.

این ماده سمّی بعد از آنکه اثرات بسیار مخربی بر مصرف‌کننده می‌گذارد صاحب خود را «چون قادر به ترک آن نیست» خانه‌نشین و بدامن پدر و مادرش می‌اندازد. «محتاج می‌گرداند» اعتیاد به سمهای این ماده کافی است تا فرد به بیماریهای مهلک و غیرقابل علاجی مبتلا شود، بوی بد آن همه جا را آلوده، جسم و قلب و ریه و صورت آدمی را سیاه می‌نماید. بنابراین از مصرف این ماده خطرناک قبل از نزول عذاب و فرا رسیدن مرگ توبه کنید و بطرف خدا بازگردید.

حقیقتاً سیگار علاوه بر اینکه هیچ نفع و فائده‌ای ندارد، پیامدهای شوم و زیانبار، بیماریهای فراوان و زیانهای بیشمار آن برای همه جهانیان ثابت و تمام مردم بر آن اتفاق‌نظر دارند، سالیانه بیش از (2.500.000) نفر در جهان به علت بیماریهای ناشی از مصرف سیگار به بدترین شیوه جان خود را از دست می‌دهند.

وزارت بهداشت عربستان در سال 1402ه‍ جمله هشداردهنده زیر را جهت نصب پر روی پاکتهای سیگار تصویب نمود. (مصرف دخانیات عامل اصلی سرطان و بیماریهای ریه و قلب و عروق است) مصرف دخانیات علاوه بر اینکه موجب ابتلاء به انواع سرطانها مانند سرطان ریه، دهان و دهها نوع بیماری ریه و قلب و عروق، سل ریه‌ها، سکته قلبی می‌گردد، بلکه بیماریهای بیشمار دیگری مانند بیماریهای کبد، زخم معده و اختلال در دستگاههای تنفسی و عصبی و خونی و گوارش و غیر آن را نیز بهمراه دارد.

«ذکر این همه زیان برای سیگار» جای تعجب نیست چراکه اساس و ریشه اصلی دخانیات ماده تنباکو است، و آن ماده‌ای مخدر «بی‌حس کننده اعصاب»، سست کننده اعصاب و کشنده می‌باشد که شامل (6.800) ماده مضرّ است. از جمله ماده‌های سمّی موجود در آن نیکوتین، اکسیدکربن، اکسید نیتروژن و قطران «ماده سمی سیاه رنگ» می‌باشند که قویترین آن نیکوتین است، که ماده‌ای سمی و دارای عناصر بی‌حس کننده و سست کننده اعصاب است که اگر یک میلی گرم آن از طریق رگ تزریق شود فورا انسان را می‌کشد. همچنین ماده قطران سرطانزاست. بررسیهای بعمل آمده و حقایق کشف شده در مورد زیانهای سیگار ما را بر آن می‌دارد که قاطعانه اعلام کنیم استعمال دخانیات «تدخین» مخدر حقیقی است، بلکه از مخدرات بسیار قوی برای کشتن ناگهانی انسان می‌باشد.

کدام نوع بیماری را در فرد سیگاری سراغ دارید که سیگار در ابتلاء به آن بی‌تأثیر باشد؟

# معسل و قلیان راه تو بسوی سرطان

بدانکه همانا یک سنگ «چند گرم معادل نیم جو» از آن، معادل کارکرد (15) نخ سیگار است. تنها یک جراک «پیمانه» آن پانزده درصد 15% تنباکوی خالص است. بلکه معسل تنباکوی خالص است که با مقدار زیادی از انواع مواد سرطان‌زا مانند رنگها و بوها و مواد شیمیایی پخته شده و تخمیر شده مخلوط می‌شود.

از موادی که با معسل مخلوط می‌شود مثلاً ماده گلیسیرین است که استعمال و بکار بردن آن موجب استنشاق ماده خطرناکی است که باعث ابتلاء به سرطان می‌شود، ماده دیگری که با معسل مخلوط می‌شود ماده اکریلین است که ماده‌ای سمی، زهرناک و کشنده است که حتی تماس و دست زدن به آن بسیار خطرناک است، چه رسد به استنشاق و استفاده از آن!!! تمام آنچه در مورد مضرات سیگار بیان شد شامل معسل نیز می‌باشد.

# این خبائث و مواد ناپاک از کجا به میان ما آمده‌اند

این مواد ناپاک و خبیث از طریق سفرهای خارج، دوستان ناباب خائن، تساهل و سهل‌انگاری در ابتدای شروع «کشیدن پُک اول از سیگار یا سایر مواد» و سپس ادامه دادن و بعد حسرت و پشیمانی به میان ما آمده و ما را مبتلا نموده است.

[این بلای خانمانسوز ره‌آورد استعمارگران و دشمنان دین و بشریت است، قطعاً شیوع مواد مخدر و مشروبات الکلی یکی از دسیسه‌های مهم استعمار غرب است] این دشمنان، با اشاعه و انتشار این مواد ناپاک در میان ما قدرت این را پیدا خواهند نمود که دین و امنیت و اخلاق و خوشبختی ما را تاراج و ما را به جانوارانی وحشی «که فقط بفکر لذات زودگذر باشیم» تبدیل نمایند. پس برای مقابله با دشمنان و حفظ عظمت و توان و دین و حیثیت خود باید از نزدیکی به این خانواده خبیث و پلید که بجز بدی و شرّ و بدبختی چیزی را به ارمغان نمی‌آورد دروی جسته و بشدت پرهیز نمايیم. مخدرات پدر پلیدیها، مشروبات مادر پلیدیها و سیگار نیز فرزند پلید آنهاست.

بیائید به مقابله با این خبائث برخیزیم و به کمک از بین برندگان و مشاورین ترک اعتیاد بشتابیم. به امید خدا.

# خانواده خبیثه‌ای که جامعه ما را به نابودی می‌کشاند

پنج نوع ناپاکی «مواد ناپاک» وجود دارند که استعمال آن‌ها، خرید و فروش آن‌ها، توزیع و تجارت‌ها آن‌ها حرام است، حرام است، حرام است: 1- مخدرات «مواد مخدر» 2- مسکرات «مست کننده‌ها» 3- تشفیط: «نوعی مسکر که با استشمام بوجود می‌آید» 4- دخان «سیگار» 5- شیشه «قلیان» این پنج ماده ناپاک که در جامعه ما نفوذ کرده قطعاً اشاعه آنها زندگی ما را تباه و خوشبختی و سعادت ما را از بین می‌برد. این مواد خطرناک: چه بسیار خانواده‌ها که متلاشی نمود؟ چه جوانها که به نابودی کشانید. چه جرم و جنایاتی که سبب آن گردید.

چه بسیار جوانها، پدران، پسران و دخترها را به زندانها و بیمارستانها و قبرستانها افکنده، چه ... چه .... و چه ...، آری ریشه و اساس همه گرفتاریها، و منشأ رنج و بدبختی و بیکاری و فقر در جامعه می‌باشند.

راهی است بسوی تباهی و هلاک، و فروریختن همه جوانب زندگی انسان.

جنبه خانوادگی، سلامت بدنی، عقلی، جسمی و روحی، مالی، کاری وطن دوستی و غیره. و این هم تکرار داستانی دیگر برای سیگاریها.

# داستان مرگ آن جوان چیست؟ چگونه است؟

سن او چهل سال و دارای شش فرزند بود. به سیاه سرفه مبتلا شد و هر روز سرفه‌اش شدیدتر می‌شد. ابتدا فکر کرد سرفه معمولی است، بعد از مدتی شروع کرد به استفراغ خون. بلافاصله شتابان بسوی بیمارستان رفت آشکارا و بی‌پرده به وی گفتند مبتلا به سرطان ریه است. عاجزانه دست بدامن آنها شد تا تمام تلاش خود را برای معالجه‌ی وی بکار گیرند. به آنان وعده داد که دیگر به سیگار برنگردد. اما چه فایده بعد از چهار ماه فوت نمود و فرزندانش را یتیم گذاشت.

**مصرف سیگار بزرگترین قاتل ماست.**

نشریه ریاض شماره (1275) مورخ 22/3/1424ه‍ بیان نمود که مرگ و میر ناشی از مصرف سیگار در عربستان سالیانه بیست و سه هزار «23.000» نفر است و این دولت با وارد نمودن (15) میلیارد نخ سیگار در سال به ارزش (636) میلیون ریال چهارمین وارد کننده سیگار در جهان است.

نزدیکترین راه بسوی بهشت

ترجمه: أقرب الطرق إلى الجنة

تهيه: قسم علمی دار الوطن

از شما برادر عزیز سؤال می‌کنم: که آیا بهشت را می‌خواهی؟

پاسخ داد: چه کسی است که خواهان بهشت نباشد؟ کیست که خوشی و نعمت پایدار را نخواهد؟ چه کسی است لذات دائمی، پیاپی و پایان‌ناپذیر را طالب نباشد. گفتم پس چرا کارهای نیک انجام نمی‌دهید تا وارد بهشت شوید و از لذتهای آن بهره‌مند شوید؟ گفت همانا راه بهشت دشوار، طولانی، پر از گردنه و خار و صعب‌العبور است و برای فردی مانند من ضعیف مشکلات و سختیهای این راه تحمل‌ناپذیر است. گفتم برادرم تو که نمی‌توانی بر طاعت خدا دوام آورده و صبر نمایی و قادر برخورداری و صبر از انجام گناه و نافرمانی خدا نیستی؟ پس اگر خدای ناکرده اهل آتش گردی در آنجا چگونه تاب تحمل آتش دوزخ را خواهید داشت؟

گفت: این امر «سؤال و جواب» مرا از جا برکَنده تکان داد و در حیرت و سرگردانی فرو برد اما نمی‌دانستم چکار کنم و از کجا شروع نمایم در حالیکه مسیر طولانیّ را در راه انجام گناه و معصیت و محرمات طی نموده بودم «گناهان زیادی انجام داده بودم» گفتم برای رسیدن به بهشت شما را به راه بسیار کوتاهی راهنمایی می‌کنم.

راهی ساده و آسان، بدون رنج و خستگی که در آن هیچ فشار و مشکلی نیست.

گفت: مرا راهنمایی کن که خدا خیرت دهد، من همواره بدنبال چنین راه ساده آسانی «برای بهشت» هستم.

گفتم این راه هموار و آماده را امام ابن القیم : در کتاب خود بنام «الفوائد» بیان نموده است. در آن کتاب می‌گوید:

از نزدیکترین و آسانترین راه، بدون رنج، خستگی و سختی برای همسایگی با خدا در بهشت بطرف او بیائید. بشتابید. «راه این است دقت کنید» تو در زمانی واقع شده‌ای که در بین دو زمان گذشته و آینده قرار گرفته، و آن در واقع عمر کنونی شماست، یعنی زمان فعلی و حاضر، تو می‌توانی گذشته خود را بوسیله توبه و پشیمانی و استغفار و طلب بخشش از خداوند اصلاح نمایی که این کار هیچگونه سختی و مشقتی ندارد، و کارکرد مشکلی نمی‌خواهد، بلکه عملی قلبی است.

«برای آینده» از این به بعد یعنی در آینده از انجام گناه و نافرمانی خدا امتناع، خودداری و پرهیز نمائید. خودداری تو از معصیت نیز آسایش و آسودگی است.

کار با اندامها و اعضاء بدن نیست که انجام آن برایتان مشکل باشد.

بلکه عزم و اراده و تصمیم قاطعی را می‌خواهد. که این تصمیم جسم و جان و درون و وجدان شما را آسوده و راحت می‌نماید.

پس گذشته را با بازگشت و پشیمانی از گناه و آینده را «آنچه در پیش است» با عزم و اراده و پرهیز از معصیت و «عمل صالح» اصلاح نمائید.

که در انجام هیچیک از این دو «اصلاح گذشته و پرهیز در آینده» برای اندامها و اعضای جسم خستگی و سختی و مشکلی وجود ندارد.

اما حال و وضعیت تو در دوران حیات: زمانی است بین گذشته و آینده که اگر این زمان را هدر دهی «و از این فرصت استفاده نکنی» رهایی، سعادت و خوشبختی خود را از دست داده‌ای «ضایع‌ گردانیده‌ای» و اگر با اصلاح گذشته و آینده به روش مذکور از آن استفاده نمایی راه نجات و رهایی را یافته و آسایش و لذت و نعمت را بدست آورده‌اید.

# خاتمه

این همان راه ساده بهشت است. توبه از گذشته، عمل صالح و ترک گناه در آینده. فرمایشی از رسول اکرم ص را در این رابطه بتو یادآور می‌شوم. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: «كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلاَّ مَنْ أَبَى». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ يَأْبَى؟ قَالَ: «مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى». (بخارى:7280).

از ابوهريره روايت است که رسول الله ص فرمود: «همة امتيان من وارد بهشت خواهند شد مگر کسي که امتناع ورزد». صحابه عرض کردند: اي رسول خدا! چه کسي امتناع مي ورزد؟ فرمود: «هرکس كه از من اطاعت كند، وارد بهشت مي شود و هر کس، از من نافرماني کند، در حقيقت، امتناع ورزيد ه است».

عَنْ عَبْدِاللَّهِ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: «الْجَنَّةُ أَقْرَبُ إِلَى أَحَدِكُمْ مِنْ شِرَاكِ نَعْلِهِ، وَالنَّارُ مِثْلُ ذَلِكَ». (بخارى:6488).

عبدالله بن مسعود مي گويد: نبي اکرم ص فرمود: «بهشت و دوزخ از بند کفشهايتان به شما نزديکتراند».

«یعنی هر لحظه احتمال رسیدن مرگ وجود دارد که در اثر آن یا بهشت و یا دوزخ نصیب آدمی ‌شود».

غمگین مباش

دعاهایی که غم و غصه و اندوه را برطرف می‌کند.

ترجمه: لا تحزن

أدعیة الکرب والهم والحزن

اعداد القسم العلمی بدار الوطن

آماده نمودن گروه علمی دارالوطن

**دعاهایی که غم و غصه و اندوه را از بین می‌برد**

برادر و خواهر مسلمان ادعیه و اذکاری از پیامبر ص بما رسیده که اگر به هنگام بروز مشکلات، غم و غصه و اندوه خوانده شود تمام غصه‌ها را برطرف، و دل را شادمان، و به نور ایمان آنرا روشن می‌نماید.

برادر و خواهر مسلمانم بر یادگیری این دعاها بخصوص هنگام غمگین شدن و بروز اندوه و مشکلات حریص باش.

بعضی از دعاها بدین شرح است.

1- ابن عباس م مي‌گويد: رسول الله ص هنگام اندوه و پريشاني مي‌فرمود: «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ». (بخارى:6346).

يعني هيچ معبودي بحق جز خداي بزرگ و بردبار، وجود ندارد. هيچ معبودي بحق جز الله كه پروردگار عرش بزرگ است، وجود ندارد. هيچ معبودي بحق جر الله كه پروردگار آسمانها و زمين و عرش گرانبها است، وجود ندارد».

2- «اللَّهُمَّ إنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ، أَسْأَلُكَ بكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ، أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ: أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدرِي، وَجلاَءَ حزنِي، وَذَهَابَ هَمِّي». (أخرجه أحمد وصححه ابن القیم وابن حجر).

«خداوندا! همانا من بنده تو و فرزنده بنده و كنيز توام، زمام امورم در دست تو و وجودم در كانال تقدير تو سير مي‏كند، تقدير تو در مورد من عين عدالت است. تو را به همه اسم‏هايي مي‏خوانم كه از آن توست و تو آنها را بر خود نهاده‏اي، يا آنها را در كتاب خودت [قرآن] نازل فرموده‏اي، يا آن را به يكي از بندگانت آموخته‏اى و يا علم به آن را مخصوص خود گردانيده‏اي، [از تو مى‏خواهم] كه قرآن را بهار قلب من، نور سينه‏ام، روزنه اميد و روشنايي اندوهم و [وسيله] رفع ناراحتي‏ام قرار دهي».

3- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوْذ بكَ: مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَأَعُوذُ بِكَ: مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَمِنَ الْبُخْلِ وَالْجُبُنِ، وَأَعُوذُ بِكَ: مِنْ غَلْبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ». (متفق علیه).

«خداوندا! از غم و اندوه، ناتواني و سستي، بخيلي و ترسويي، ماندن به زير قرض و تسلط مردان [ظالم] به تو پناه مي‏آورم».

4- «اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو، فَلا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ». (رواه أحمد وأبوداود وحسنه الألبانی).

«خداوندا! چشم به رحمت تو دارم، پس مرا يك چشم برهم زدن به حال خود رها مكن، و همه امورم را اصلاح نما، [كه] هيچ معبودي بحق جز تو نيست».

5- «الله الله رَبّي لَا أُشْرِکُ به شیئا». (أحمد وأبوداود وصححه الالبانی).

الله پروردگار و خدای من است هيچ شریکی برای او قرار نمی‌دهم.

در روایتی دعا اینطور آمده اللهُ ربي لا شریک له. الله پروردگار منست و شریکی ندارد.

6- «يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ برَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ». (رواه الطبرانی وحسنه الألبانی).

«اي زنده پا برجا! از رحمت تو درخواست ياري مي‏كنم».

7- «لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ». (رواه أحمد والترمذي وصححه الألبانی).

«(خداوندا!) هيچ معبودى به «بحق» جز تو وجود ندارد، پاك و منزّه هستى و من از زمره‏ى ستمكاران بودم».

8- «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ يَا ذا الْجَلاَلِ وَالإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ». (أبوداود وصححه الالبانی).

«خداوندا! ستايش شايسته توست [زيرا كه] جز تو معبودي بحق نيست، اي آفريننده آسمانها و زمين! اي بزرگوار و ارجمند! اي زنده پا برجا! تو نيكوكار [و بخشنده‏اي]».

9- «اللَّهُمَّ أَنْتَ اللهُ الأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ».

«خداوندا! تو معبود يگانه و برطرف كننده نيازها هستي، نزاده و زاده نشده‏اي، و كسي همتاي تو نيست».

پیامبر ص فرموده کسیکه بوسیله این دعا و دعای قبل از آن «شماره 8» چیزی را از خدا بخواهد مثل اینست که از خداوند بوسیله اسم اعظم چیزی خواسته باشد.

(اگر کسی بوسیله اسم اعظم چیزی را از خدا بخواهد و دعائی بکند دعایش قبول و حاجتش برآورده می‌شود).

10- «لا إلهَ إلاَّ اللهُ الحلیمُ الکَریم. سُبْحَانَهُ تَبارَکَ اللهُ رَبَُ العَرْشِ العَظیمِ الحمدلله ربُّ العالمینَ». (أحمد والحاکم وصححه ووافقه الذهبی).

هیچ خدایی بحق جز الله مهربان و با گذشت نیست. شکوه و عظمت و مبارک بودن از آنِ اوست. پروردگار عرش عظیم. سپاس و ستایش لایق پروردگار عالمیان است.

11- ﮋ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﮊ. (البخاری).

«خداوند براي ما كافي است و او بهترين، كارساز است».

این ذکر در امور مهم خوانده می‌شود. «هنگام وقوع رویداد مهمی این ذکر را بخوانید».

12- «اللَّهُمَّ إِنَّا نَدْرَأُ بكَ فِي نُحُورِهِمْ وَنُعُوذ بكَ مِنْ شُرُورِهِمْ». (رواه ابوداود).

«خداوندا! به [كمك تو] بر آنها [دشمنان] مي‏تازيم و از شرشان به تو پناه مي آوريم».

دروازه بدیها

يا کلید گناهان کبیره.

حکم یاوه سرائی

ترجمة: مفتاح الفواحش

نشریه دار ابن الأثير

با اضافات و تعلیقات

ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبينا الهادي الأمين وعلى آله وصحبه المیامين وعلى جميع أمته الصالحين.

سپاس بیکران مخصوص خداوند جهان است، و درود و سلام بر پیامبر ما محمد هادی امین، نشان دهندة راه حق و امینی در تبلیغ پیام قرآن مجید، و بر آل و یاران او باد.

سپس باید دقت کرد که بدون تردید بزرگترین بلائی که در حال حاضر مسلمانان به آن مبتلا شده‌اند «غناء» «بکسر حرف اول: ساز» و آوازی است که افسون زنا و کلید زشتیهای بی‌حدّ «فواحش – کبائر» است، هرگاه در قلب جای‌گزين شد و آن را تسخیر نمود آنگاه گناه = تمرد از امر حق تعالی سبک و اقدام به آن آسان مى‌گردد. ساز و آواز خلاف شرع اولین دروازة پستی و فرومایگی می‌باشد. هرکس به آن وارد شد داخل شدن باب تمام رذائل بر او سهل مى‌گردد. غنا افسون همجنس بازی و زنا است. وسیلة آن افراد فاسق غایت کام خود را از معشوق فاسق خود می‌گیرند. شیطان عناصر فاسد را به آن فریب دهد و با مکر و حیله و نیرنگ آنرا تحسین، و شبه‌های بیهوده را بر زیبائی آن به ایشان الهام مى‌نماید. و این نفوس باطله بلافاصله الهام شیطان را قبول می‌کنند. به همین سبب قرآن را مهجور قرار می‌دهند، و استماع و قرائت و تعلیم و تعلّم آن را که موجب رضای خداوند متعال است ترک می‌نمایند. آری غنا یکی از اسباب بیماریهای روانی دل است. چون از عشق و عاشقی، و کلمات جنسی که بشدت شهوت جوانان را تحریک نموده و آنها را به رذیله گناه ترغیب، و به سوی آن سوق می‌دهد، سخن می‌گوید.

شنیدن سوت و دستک زدن و غِنا به آلات «ابزار و دستگاههای موسیقی» حرام از نیرنگها و تور شکارگاههای دشمن خدا «شیطان» است که افراد کم بهره از علم و عقل و دین را به آنها فریب داده و دلهای نادانان و نادرستان را وسیله آنها شکار می‌کند، و بر فسوق و عصیان «خروج از فرمان خدا و نافرمانی» به صورت ماندگار قرار می‌دهد، تا از قرآن حکیم جلوگیری نماید. نگذارد مورد استفادة دین و دنیای بندگان خدای متعال قرار گیرد. غِنا از لهو حدیث «گفته سرگرم کننده» است که از اسباب گمراهی و دوری متکبّرانه از شنیدن آیات خدای تعالی «قرآن مجید» است. حق تعالی فرموده است: ﮋ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮊ. (لقمان: ٦ – ٧).

«و بعضى از مردم سخنان بيهوده را مى‏خرند تا مردم را از روى نادانى، از راه خدا گمراه سازند و آيات الهى را به استهزا گيرند; براى آنان عذابى خواركننده است. و هنگامى كه آيات ما بر او خوانده مى‏شود، مستكبرانه روى برمى‏گرداند، گويى آن را نشنيده است; گويى اصلا گوشهايش سنگين است! او را به عذابى دردناك بشارت ده!».

کلمه من یشتری در آیه شریفه شامل تمام مشتریان خریدار و رغبت‌کنندگان و علاقه‌مندان لهوالحدیث می‌باشد. و لهو حدیث، به گفتارهای غافل کنندة دل و مانع از بدست آوردن مطالب مهم و اهداف عالیة دین و دنیا تفسیر شده است. بنابراین چنانکه علّامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی : در تفسیر همین آیه گفته است: 1- گفتارهای حرام. 2- هر چه لغو و باطل و هرزه باشد از اقوال ترغیب کننده بر کفر و فسوق و عصیان. 3- اقوال کسانی که می‌خواهند حق را مردود نشان دهند و بیهوده جدال کنند تا به خیال باطل و زعم کاذب حق را باطل ارائه دهند. 4- غیبت. 5- نمیمت. 6- دروغ. 7- دشنام. 8- غناء «مزامیر شیطانی» همان ساز و آواز و ترانه‌های بیهوده. 9- نقل یا ارائه ماجراهای بی‌فائده غفلت‌آور فاقد فوائد دنیا و آخرت عموماً داخل لهوالحدیث می‌باشند.

\* آری این نوع مژدة عذاب بشارت اهل شرّ است که مشتریان ساز و آواز و لهو حدیث از زمرة آنها هستند. امّا مژدة اهل خیر و پرهیزکنندگان نیکوکار مؤمنی در دو آیه هشتم و نهم همین سوره مبارکه نازل شده است. که می‌فرماید: ﮋ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠﮡ ﮢ ﮣ ﮤﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮊ. (لقمان: ٨ – ٩).

«(ولى) كسانى كه ايمان آورده و اعمال صالح انجام داده‏اند، باغهاى پرنعمت بهشت از آن آنهاست; جاودانه در آن خواهند ماند; اين وعده حتمى الهى است; و اوست عزيز و حكيم».

مفسرین و مؤلفین اسباب النزول آیات فرموده‌اند: این دو آیه (6-7) سورة لقمان که مشتریان لهوالحدیث و تضلیل و انحراف سپس مژدة عذاب آنها در آن مذکور است، دربارة نضر بن الحارث دشمن سرسخت رسول الله ص نازل شده. این مرد کافر جهت تجارت مسافرت‌هایی به بلاد فارس و مستعمرات آن داشته است و کتابهای افسانه و حکایت پادشاهان عجم را می‌خرید و به مکه می‌آورد، و بر مشرکین عرب می‌خواند و می‌گفت: «نعوذ بالله» آنچه محمد (ص) آورده است از این است. و افسانهای رستم و اسفندیار و فارسی و روم می‌خواند و عربها را اشغال می‌کرد و نمی‌گذاشت به قرآن و تبلیغ رسول الله ص گوش فرا دهند.

و گفته‌اند: در شأن کسانی که کنیزان آوازخوان را می‌خریدند و مردم را به آواز و اَلْحَان آنها از شنیدن و فهم کلام خدا باز می‌داشتند نازل شده. به روایت طبری همان نضر بن الحارث وسیله تشکیل مجالس میگساری و احضار نوازندگان و کنیزان رامشگر، کسانی را که قصد ایمان آوردن داشتند پشیمان می‌کرد و به ساز و آواز معتاد می‌نمود. به هر صورت در این دو آیه کریمة سورة لقمان مانند بسیاری از سوره‌های دیگر قرآن هر چند سبب نزول خاص است، امّا آیه عمومیت دارد و شامل هر کسی است که به وجهی از وجوه دارای شرائط مورد النزول باشد. علیهذا هر کس در هر کسوه و لباسی در هر عصر و زمانی و در هر موضع و مکانی مشتری و راغب و دوستدار و علاقه‌مند لهوالحدیث «بمعنی عام آن» باشد هرچند به ظاهر مؤمن و مؤمن‌زاده معروف گردد از این جهت «جهت خریداری» منحرف و منحرف‌کننده است، و این نعمت بزرگ وقت عزیر خود را به جهالت و آواز و رقص و پایکوبی که پیشة جاهلیّت است، صرف كرده است.

خداوند مى‌فرمايد: ﮋ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﮊ. (الأنفال: 35).

«(آنها كه مدعى هستند ما هم نماز داريم،) نمازشان نزد خانه (خدا)، چيزى جز «سوت كشيدن «كف زدن‏» نبود; پس بچشيد عذاب (الهى) را بخاطر كفرتان!».

و مانند کافران تلاوت آیات قرآن در آنان تأثیر ندارد. چون شیطان ملعون توسط مزامیر خود ایشان را دعوت می‌کند و از قرآن مجید دور نگهدارد. آری غنا از جملة یاوه و بیهوده و پوچی است که اعراض از آن و پرهیز جدی از آن برای هر مسلمانی ضروری است. ای برادر و خواهر مسلمان یکدم بخود آی و ببین به چه کسی؟ به چه دل بسته‌ای؟ با که همنفسی؟

حق تعالی در سورة قصص آیه در تعریف مؤمنین که به تلاوت کلام خدا گوش دل داده‌اند و ایمان آورده‌اند می‌فرماید: ﮋﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮊ. (القصص: 55).

«و هرگاه سخن لغو و بيهوده بشنوند، از آن روى مى‏گردانند و مى‏گويند: «اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان; سلام بر شما (سلام وداع); ما خواهان جاهلان نيستيم!».

به هر کس مجازات عملش داده شود. آری مؤمنان از کردار و گفتار بی‌فائدة نادانان دوری جویند، و گویند سلام علیکم بجز خیرخواهی و سلامتی از ما نخواهی دید، و به مقتضای جهل شما رفتار نخواهیم کرد، و گوش به باطل ندهیم و با سلام از یکدیگر جدا شویم، طالب مصاحبة نادانان و نادرستان نیستیم. و این سلام را سلام تودیع و متارکه گویند. نه سلام تحیّت و درود و دعاء.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| از بد بگریز و با نیکان نشین |  | یار بد زهری است بی انگبین |
| صحبت جاهل نمی‌جوئیم ما |  | ره نه بر نفس و هوا پوئیم‌ ما |

باز خداوند متعال در تعریف عباد الرحمن می‌فرماید: ﮋ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗﮊ. (الفرقان: 72).

«و كسانى كه شهادت به باطل نمى‏دهند (و در مجالس باطل شركت نمى‏كنند); و هنگامى كه با لغو و بيهودگى برخورد كنند، بزرگوارانه از آن مى‏گذرند».

و کلمة زور به قول و فعل حرام تفسیر شده است. پس بندگان خداوند رحمن در مجالس مشتمل بر اقوال یا افعال محرّمه مانند بیهوده‌گوئی در آیات خدا «تفسیر بدون علم» و مجادلة بی‌قائده برای اثبات باطل، و غیبت و نمیمه و دشنام و قذف و استهزاء و آوازخوانی منهی عنه، و میخواری و فرش حریر و صورتهای حیوان و رقص و پایکوبی و کف زدن حاضر نشوند، و شهادت زور هم ندهند. و در کلمة مرّوا اشاره است به اینکه این بندگان خدا اصلاً قصد حضور و سماع لغو ندارند و اگر اتفاقاً به آن عبور کردند خود را کریم و آبرومند نگهدارند، و کریمانه می‌گذرند. مسلّما غنا صدای شیطان است. سوره الاسراء را بخوانید و صدای شیطان را در ساز و آواز و سائر صداهای ناحق مشاهده کنید و با استعاذه و ایمان خود را از شیطان نجات دهید.

ﮋﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣﮊ. (الإسراء: 64).

«هر كدام از آنها را مى‏توانى با صدايت تحريك كن! و لشكر سواره و پياده‏ات را بر آنها گسيل دار! و در ثروت و فرزندانشان شركت جوى! و آنان را با وعده‏ها سرگرم كن! - ولى شيطان، جز فريب و دروغ، وعده‏اى به آنها نمى‏دهد-».

وعده شیطانی نبود جز کذب و فریب

کس نبرد از غیر خواری زان نصیب

صوت شیطان را به غنا، و مزامیر و سر و صدای خلاف شرع تفسیر کرده‌اند.

امام عبدالعزیز بن باز : گفته است: صوت و زور به غناء و آلات ملاهی «ابزارهای موسیقی و رامشگری و نوازندگی» تفسیر شده باز صوت به هر صدائی که به باطل دعوت کند و زور به هر نوع منکَری «که شرع اسلام آنرا انکار نماید» تفسیر شده است. و قطعاً بین این دو تفسیر خلاف وجود ندارد. پس مدلول هر دو آیه «آیه 72 سورة الفرقان و آیه 64 سوره الاسراء» شامل کلّ این مذکور است. بدون تردید اغانی و ملاهی از قبیح‌ترین زور و پلیدترین آوازهای شیطان رجیم است. چون قسوت «سنگدلی» و ممانعت از ذکر خدا و قرائت قرآن و پیشگیری از جمیع طاعات إلاَّ مَنّْ رَحِمَ الله از آنها مترتب می‌شوند، و بدون وقفه از آنها بوجود آیند. به راستی رسول اکرم ص خبر داده است به اینکه در آخرالزمان کسانی پیدا شوند که غنا و معازف «آلات طرب» و ارتکاب فواحش را حلال می‌پندارند. عن أَبُي عَامِرٍ الأَشْعَرِيُّ : أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ص يَقُولُ: «لَيَكُونَنَّ مِنْ أُمَّتِي أَقْوَامٌ يَسْتَحِلُّونَ الْحِرَ، وَالْحَرِيرَ، وَالْخَمْرَ، وَالْمَعَازِفَ». (بخارى:5590).

ابوعامر اشعري مي‏گويد: شنيدم كه نبي ‏اكرم ص فرمود: «در ميان امت من افرادي پيدا خواهند شد كه زنا، ابريشم، شراب و آلات موسيقي را حلال مي‏دانند».

کلمه حر به کسر اول و تشدید و تخفیف راء مهمله بمعنی فرج و در اصل به زنا تفسیر شده است، و معازف جمع معزفه آلات طرب است. این حدیث صریح است در ذم حلال‏کنندگان آلت طرب مثل عود و كمانچه و تنبور و غیره، چون آنها را با حلال‏کنندگان زنا و شراب و ابریشم مقارن نموده است. بلکه این حدیث حجّتی است ظاهر در تحریم استعمال معازف که آلات ملاهی است، مثل طبل و تنبور و كمانچه و غیره، و تحقیقاً به اجماع اهل لغه معازف به آلات ملاهی تفسیر می‌گردد. و این مقولة «تحریم ملاهی و آلات آن» فقط به خاطر ترتب سنگدلی و مرض قلب و سرگرمی و غفلت از نماز و قرآن است، و هنگامی که غِناء به آلات ملاهی ضمیمه شد گناه بزرگتر و فساد عظیم‌تر گردد. عبدالله بن مسعود گفته است: «الغناء ینبت النفاق في القلب کما ینبت الماء البقل». «غناء نفاق را در قلب می‌رویاند همچنانکه آب سبزی – یا دانه را می‌رویاند.

عبدالله بن عمر م به محلّی که دخترک کوچک آواز می‌خواند عبور کرد پس گفت: اگر شیطان احدی را ترک می‌کرد دست از این دختر صغیره برمی‌داشت «یعنی شیطان حتی این صغیره را وادار به آوازخوانی نموده است، این کودک غیرمکلّف از دسیسة شیطان نجات نیافته آواز می‌‌خواند».

مردی دربارة غنا از قاسم بن محمد بن ابی بکر صدیق سئوال کرد. قاسم بن محمد در جواب گفت: تو را از آن نهی می‌کنم و آنرا برای تو مکروه می‌دانم. دوست ندارم. سائل عرض کرد: آیا حرام است؟ قاسم گفت: برادر زاده‌ام. اگر خداوند بزرگ جل‌جلاله حق و باطل را از هم جدا کند غنا بر کدام بخش گذاشته می‌شود.

فضیل بن عیاض : گفته است: غناء افسون زنا است «الغِنَاء رُقیّةُ الزِنا». ابن الجوزی : گفته است: بدان که شنیدن غناء دو چیز در بردارد. اوّل اینکه قلب از تفکر در عظمت خداوند سبحان و قیام به عبادت او تعالی باز می‌دارد و غافل می‌کند. دوم اینکه آنرا به لذّتهای زودگذر متمایل و علاقه‌مند می‌سازد. و این لذّات شتابان زیان‌آور بی‌فائده خواهان آن است که به تمام معنی از کلیة شهوتهای حسی که معظم آنها نکاح «عمل جنسی» برگرفته شود و لذّت کامل این عمل فقط در همبسترهای جدید «از جنس لطیف» است و راهی برای همبستران جدید حلال به کثرت «بعد الأربع» وجود ندارد لذا او را به عمل زنا که حق تعالی از نزدیکی به آن، چه رسد به خود آن پلید، نهی بلیغ فرموده است.

ﮋ ﮊ ﮋ ﮌﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮊ. (الإسراء: 32).

«و نزديك زنا نشويد، كه كار بسيار زشت، و بد راهى است».

تشویق می‌کند.

پس میان غنا و زنا از جهت اینکه غنا لذت روح، و زنا بزرگترین لذّت نفسی است تناسب وجود دارد. خدایا بندگان خود را از این دو بلا و سائر بلایای مهلک حرث و نسل به عنایت بیکران خود محفوظ بفرما. آمین یا ارحم الراحمین.

ابن القیم : گفته است: بدانید بدون شک در غناء خواصّی وجود دارد که در رنگ نمودن قلب به نفاق و روئیدنش در آن مانند روئیدن مزارع به وسیله آب تأثیر دارد. پس از خواصّ غنا است که: همانا قلب را غافل و سرگرم نموده و آنرا از فهم قرآن و تدبّر در آن و عمل به مضامین آن باز مى‌دارد. و بی‌گمان قرآن و غنا «کلام حق تعالی و ساز و آواز» ابداً با هم در قلب اجتماع نخواهند داشت. چون بین آن دو تضاد شدید وجود دارد. قرآن مجید اکیداً از اتباع هوا و هوس نهی می‌کند، و به عِفت و پاکدامنی و دوری از شهوتهای نفسانی و اسباب گمراهی فرمان می‌دهد، و از پیروی گامهای شیطان ممانعت می‌کند.

ولی غنا درست بر ضد تمام اینها است. تبعیّت از شیطان را زیبا جلوه مى‌دهد، و نفس را به شهوتهای گمراهی تحریک، و خفته‌های آنرا بیدار، و ساکن آنرا به سوی هر نوع قبیحی بحرکت در می‌آورد، و نفس را به سوی منجلاب قصد فجور با هر، زیبا رخ ملیح و ملیحه سوق می‌دهد. پس غنا و خمر «ساز و آواز و شراب = می: دو هم‌شیر یک دایه هستند، و آن دو در هیجان تحرّک در میدان قبایح دو اسب گرو بستن می‌باشند، «فرسا رهان» غنا همسایه و هم‌شیره و نائب و هم‌پیمان و عاشق و دوست صمیمی شراب است، که شیطان میان آن دو پیمان برادری غیر قابل فسخ و انحلال را بسته، و راه وفاداری را که هیچگاه منسوخ نگردد، بین آن دو محکم کرده است. آری غنا جاسوس قلب و دزد مروت و حشره مضر «سوس = موریانه» عقل است، که به سرعت در اعماق پناهگاههای پوشیدة قلوب آشوب و غوغا بوجود آورد، و با سختی و فشار داخل مکامن آن مى‌شود، و از اسرار دلها اطلاع می‌یابد، و به محمل تخیل می‌خزد، و هوا و شهوت و گستاخی و بی‌شرمی و سستی و حماقت را در آن تحریک می‌کند. لذا گاهی شخصی را می‌بینی که آثار وقار و بزرگی عقل و زیبائی ایمان و بردباری اسلام و حلاوه قرآن بر جمال و شخصیّت او نمایان است. همین شخص محترم بمحض اینکه به غنا گوش داد، و به آن توجه نمود و مائل شد، عقلش ناقص و شرم و حیاء و ادبش کم، و مروّت و بهاء و وقار و عظمتش از بین می‌رود. و شیطان ملعون به او شاد می‌گردد و ایمان او بر ضدّ او بخداوند متعال شکایت مى‌کند. و قرآن بر او گران مى‌آید.

پس غنا قلب را فاسد مى‌نماید و هرگاه قلب فاسد شد درِ نفاق هیجان مى‌کند.

«اللهم احفظنا من شرور الشیطان ومکائده ومزامیره ومن شر اتباعه من الجنة والناس».

برادران و خواهران مسلمان. بزرگترین آفات غنا این است که شنونده را به سوی رذیلة زنا، همان فاحشة که حق تعالی آنرا با شرک و قتل نفس ردیف قرار داده است. و رسول اکرم ص آنرا اَعْظم گناهان شمرده است می‌کشاند و دعوت می‌نماید. خداوند متعال می‌فرماید: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮊ. (الفرقان: 68-70).

«و كسانى كه معبود ديگرى را با خداوند نمى‏خوانند; و انسانى را كه خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمى‏كشند; و زنا نمى‏كنند; و هر كس چنين كند، مجازات سختى خواهد ديد! عذاب او در قيامت مضاعف مى‏گردد، و هميشه با خوارى در آن خواهد ماند! مگر كسانى كه توبه كنند و ايمان آورند و عمل صالح انجام دهند، كه خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل مى‏كند; و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!».

حق تعالی در خلال بیان صفات ارزندة عبادالرحمن که هر مؤمنی که خود را بنده خدا می‌خواند باید قطعاً موصوف به جمیع آنها باشد می‌فرماید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| و آن کسانی که نخوانند از اثر |  | با خدای خود خدایان دگر |
| نه کشند آن نفس را کز حق حرام |  | قتل او شد جز بحق در انتقام |
| نه کنند ایشان زنا ور کی کند |  | آنچه شد ذکر از جزا به وی رسد |
| باشدش در حشر دو چندان عذاب |  | جاودان در خواری و رنج و عقاب |
| جز که آرد بازگشت و بگرود |  | کارهای شایسته و نیکو کند |
| آنگُرُه را پی خدا سازد بدل |  | مر بدیهاشان به نیکی در عمل |
| کاوست آمرزنده و بی‌مهربان |  | بخشد از رحمت گناه بندگان |

در تفسیر این آیات آمده است. که کفر بعد از ایمان و زنا بعد از احصان و قتل بناحق انسان، مزیل رحمت و عصمت نفس است، پس حاکم اسلامى می‌تواند کافر حربی و مرتد و زانی محصن و زانیة محصنه و قاتل بناحق را بعد از ثبوت قطعی جنایت، به قتل برساند. پس قتل مسلمان و معاهد حرام است.

فائده: در آیه (68) فعل مضارع مجزوم به حذف لام الفعل است، چون بعد از مَنْ یفعل و جزای شرط واقع شده و ماضی آن لقی به فتح فاءالفعل و کسر عین الفعل و فتح لام الفعل بر وزن عَلِمَ از باب رابع است. و أثام بر وزن دَوام مصدر بمعنی اثم: گناه و در معنی آن گفته‌اند: عقاب: کیفر گناه است. بنابر اینکه مضاف محذوف و أثام مصدر بمعنی فعل حرام «گناه» باشد. از عبدالله بن عمر و عکرمه و مجاهد روایت شده که اَثام نام درّه‌اى در جهنم است که برای تعذیب، معیّن شده است، و مذکور است که أثام نام یک وادی است در جهنم که زناکاران را در آن عقوبت مى‌بينند، یا اینکه چیزی است که از اجسام دوزخیان مانند چرک و خون جاری مى‌گردد. یا اینکه أثام و غیّ به فتح غین معجمه و تشدید یاء نام دو چاه در جهنم هستند که برای تعذیب جمعی گناهکار مقرر شده‌اند. در تفسیر بیضاوی می‌گوید در قرائتی بجای أثاماً، أیاماً خوانده شده است. و أیام با حرف همزه مفتوحه و یاء و الف و میم آخر بر وزن أثام بمعنی شدائد است. علامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی در تیسیرالکریم الرحمن «تفسیری است مختصر و علمی: جمله: ﮋ ﭦ ﭧﮊ. را به آیه: ﮋﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰﮊ. تفسیر کرده است. در تفسیر قرطبی هم از سیبویه نقل شده که مضاعفه العذاب همان لُقّی اَثام است «روبرو شدن به عذاب» و کلمه مهاناً بمعنی خوار، سبک، بی‌مقدار و بی‌ارزش تفسیر شده است. در آیه (68) شرک و قتل و زنا که اکبر کبائر‌اند به ترتیب دنبال هم ذکر شده‌اند چنانکه در تیسیر الکریم الرحمن بیان شد. به علّت اینکه در شرک افساد ادیان، و در قتل افساد ابدان، و در زنا افساد اعراض انسان وجود دارد، این امر ردیف همدیگر نازل شده‌اند. و در صحیحین «بخاری و مسلم» هر دو کتاب صحیح و معتمد اهل سنت و جماعت از حدیث ابی واثل از عبدالله بن مسعود روایت شده که: بحضور رسول الله ص عرض کردم یا رسول الله: کدام گناه نزد خدای تعالی بزرگتر است. فرمود: آنکه برای خدا شریک قرار دهی و حال اینکه فقط اوست كه تو را خلق كرده است. عرض کردم پس از آن چیست. فرمود: آنکه فرزند خود را از ترس اینکه با تو طعام بخورد بقتل برسانی. عرض کردم بعد این گناه کبیره چیست؟ فرمود: آنکه زنا کنی با زن همسایة خود. آنگاه خدای تعالی در قرآن مجید تصدیق کلام رسول خدا ص را نازل فرمود: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﮊ. (الفرقان: 68).

که مختصر ترجمه و تفسیر آن را خواندی. آری این کبائر بخصوص زنا بحدّی زشت و پلیدند که حق تعالی جلّت قدرته نجات و رستگاری را از مرتکب آن بطور کلّی نفی کرده است. اینک خدای تبارک و تعالی فرموده است: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﮊ. (المؤمنون: 1-5).

«مؤمنان رستگار شدند; آنها كه در نمازشان خشوع دارند; و آنها كه از لغو و بيهودگى روى‏گردانند; و آنها كه زكات را انجام مى‏دهند; و آنها كه دامان خود را (از آلوده‏شدن به بى‏عفتى) حفظ مى‏كنند».

خلاصه اینکه رستگاری و سعادت مسلمان واقعی به اتصاف به این صفات عالیه است. کسی که فاقد این صفات مذکوره در این 5 آیه کریمه باشد و مرتکب خلاف آنها گردد قطعاً فلاح و ظفر و نجات ندارد. چنانکه در صریح عبارت همین رساله «اصل» بیان شده که نفی الله مرتکبها الفلاحَ. صحیح عبارت اصل جهت بیان فاحشة زنا بدین قرار است: «وهي الفاحشة التي نفى الله تعالى الفلاحَ عن مرتکبها». آری زنا که خودداری از آن را در ردیف صفات بارز مؤمنین ناجی ظفرمند اعلام فرموده، رذیلة پستی است که حق تعالی در کتاب عزیز خویش «قرآن حکیم» مردم را اکیداً از آن برحذر نموده، بلکه از نزدیکی آن نهی صریح فرموده و آنرا فاحشة «عمل نهایت درج قبیح» و راه بد که موجب قطع نسب و تحریک فتنه و فساد است نام برده است، پروردگار عالم جلّت عظمته فرموده است: ﮋ ﮊ ﮋ ﮌﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮊ. (الإسراء: 32). «و نزديك زنا نشويد، كه كار بسيار زشت، و بد راهى است».

جالب اینکه در نظم قرآن مجید که حتی ترکیب حروف و کلمات و آیات آن حاوی معجزات است نهی از قرب زنا در میان آیه نهی از قتل اولاد و آیه نهی از مطلق قتل نفس ﮋ ﭛ ﭜ ﭝ ﮊ. نازل شده است. دانشمندان مفسر گفته‌اند: نهی از نزدیکی به آن عمل زشت پلید زنا بلیغ‌تر از نهی خود آن است. پس اگر قرب و نزدیکی آن این قدر منهی باشد، عین آن منهی‌تر و شدید القُبْح‌تر است.

از کلام مفسر معروف بیضاوی عبدالله بن عمر در تفسیر انوار التنزیل مشهور به تفسیر بیضاوی و کلام دیگر مفسران معتمد فهم می‌شود که عزم بر زنا، و اقدام به مقدّمات آن همان نزدیکی است که حق تعالی صریحاً از آن نهی فرمود است. پس باید گفت در قباحت زنا کافی است که جامع کلیّة صفات شرّ است. برای نمونه 1- قلتِ دین. 2- از بین رفتن پرهیزگاری و ورع. 3- فساد مروّت. 4- کم شدن غیرت.

هیچ زناکاری را نیابی که ورع یا وفا به عهد یا صدق گفتار یا محافظه دوست و دوستی یا غیرت کامل بر عائله خود داشته باشد، «غیرت بر عائله این است که حافظ عرض و ناموس همسر خود باشید، و وجود او را طبق دستور شریعت نگهداری کنید». 5- عذر و پیمان‌شکنی و خیانت. 6- دروغ. 7- جنایت «در اصل خیانت چاپ شده ولی چون رذیله در ضمن عذر فهم می‌شود جنایت را با جیم نوشتیم. 8- بی‌شرمی «در اصل قلة الحیاء مذکور است که باید با رعایت امانت کم شرمی ترجمه گردد، ولیکن چون این کلمه در ادبیات فارسی قدیم و جدید کاربرد ندارد لذا قلة الحیاء را به بی‌شرمی ترجمه نمودم. 9- عدم مراقبت «عدم توجه به اموری که احتیاج به محافظت دارد». 10- عدم عار و ننگ از جرم «عدم الأنفة للجرم». 11- بیرون رفتن غیرت از قلب «ذهاب الغیرة من القلب».

خاتمه

در جهان هیچ وسیلة از وسائل انتشار فواحش و کبائر و رذائل از غنا سریع‌تر نیست. چون محتوی کلام بی‌شرمانه «ماجن» و شعر پائین و پست و لحن و آواز غلط و فتنه‌گر و فریبنده می‌باشد.

لذا انکار آثار منفی غنا و نتایج ذلّت‌آور قبیحة آن رذیله مکابره است: عناد و معارضه و کناره‌گیری و زورآزمائی و انکار عمداً و عالماً و غلبه بر خصم با دروغ و بزرگ‌نمائی را مکابره گویند.

و از پیشگاه خداوند عظیم‌الشأن مسئلت می‌نمايیم که همة ما را از غنا و ساز و آوازی که کلید تمام فواحش «کبائر» است.

و از تمام گناهان صغیره و کبیره از لهوالحدیث، و لهو العمل و لهو الأفکار به عنایات بی‌کران، و لطف عمیمش محفوظ فرماید، همانا ولیّ آن و قادر بر جواب مسئله خواسته شده فقط خدا است.

والله أعلم وأحکم وصلی الله على نبینا محمد وآله وصحبه وسلم. وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

آیا می‌دانی مفلس کیست؟

مرد عاقل و خردمندی از اهل اصفهان بود که پدرش او را بسیار دوست مى‌داشت و او را بسیار تمجید می‌کرد، دین قوم او مجوسی بود، روزی به خاطر نیازی از آنجا رفت و در مسیرش با گروهی از مسیحیان برخورد کرد که در کنیسه‌ای خدا را پرستش می‌کردند، بر آنها وارد شد و از آنها در مورد دینشان پرسید و به خاطر سازگاری دینشان با فطرت مورد پسند او واقع شد و آن را پذیرفت و با دین جدید فرار کرد و در شام ساکن شد، سپس به شهر موصل مهاجرت کرد، و بعد به شهر عموریه رفت و در تمام آن دوران حق را جویا شد، تا اینکه آخرین سفرش به مدینه الرسول (یثرب) بود تا در نهایت پیرو برترین مخلوقات، و بلکه جزو خاندان او شود: سلمان منا آل البیت.

حتماٌ فهمیدی منظورم چه کسی است؟ آری او سلمان خیر، و سلمان اسلام، یعنی سلمان فارسی است. اگر ما در این داستان عجیب تأمل کنیم می‌بینیم که سلمان با ترک وطن و خانواده و دین قومش، بعد از اینکه فهمید آنها در اشتباه هستند از تمام مرزهای جغرافیایی و اجتماعی گذشت، و چون خداوند صداقت او را در جستجوی حق دید، هدایتش کرد و در دستیابی به آن موفقش گردانید تا اینکه او را از صحابه پیامبر ص قرار داد.

بنابراین سلمان باید الگویی برای ما باشد که اگر حق را گم کردیم آیا در جستجوی حق به او اقتدا می‌کنیم؟ و از روی انصاف و بی‌طرفی و عدم پیش داوری به مخالف گوش می‌دهیم؟ و هر کس در جستجوی حق با خدا صادق باشد خداوند او را به حق راهنمایی می‌کند و موفقش می‌گرداند. اینک حقایقی را پیش روی تو قرار می‌دهيم تا کیفیت رابطه امامان آل بیت با صحابه برایت آشکار شود و نقطه آغازینی باشد برای اینکه حقیقت را جویا شوی و رابطه صمیمانه بین آل بیت و دیگران در عهد نبوت، سپس عهد خلفا، و سپس عهد تابعین و مابعدشان را بشناسی، و ما تنها به نقل از کتب شیعه اکتفا می‌کنيم، امید است که مفید واقع گردد و حق را بدون ابهام و آنگونه که هست ببینی، بنابراین لازم است در هنگام خواندن بی‌طرف باشی، و ما مرجعی را که از آن نقل کرده‌ايم را ذکر نموده‌ايم. بنابراین برای اطمینان به آن مراجعه کن.

خلاصه کلام اینست که رابطه موجود بین آل بیت و دیگران یک رابطه صمیمانه بود، و این رابطه در موارد بسیاری متجلی می‌شود که آنها را در چهار مورد خلاصه می‌کنيم:

1. خویشاوندی: از زنان پیامبر ص عایشه دختر ابوبکر و حفصه دختر عمر بود، و پیامبر ص دو دختر خود را به ازدواج عثمان بن عفان درآورد، و علی با اسماء دختر عمیس که همسر ابوبکر صدیق و مادر محمد بن ابی بکر بود وصلت کرد که این ازدواج بعد از وفات ابوبکر صورت گرفت و ثمره این ازدواج یحیی بن علی بود ؛ بنابراین محمد بن ابی بکر و یحیی بن علی بن ابی طالب برادر مادری هستند، و عمر بن خطاب با ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب ازدواج کرد و از او صاحب دو فرزند به نامهای زید بن عمر و رقیه بنت عمر شد[[3]](#footnote-3)، و امام جعفر با افتخار می‌گوید: ابوبکر مرا دوبار به دنیا آورد[[4]](#footnote-4)، و عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان فاطمه دختر حسین بن علی بن ابی طالب را به ازدواج خود درآورد، و از او صاحب فرزندی به نام محمد شد[[5]](#footnote-5)، و معاویه بن مروان بن حکم اموی با دختر بیوه امام علی وصلت کرد[[6]](#footnote-6)، و نیز زینب دختر حسن «المثنی» عقد شده ولید بن عبدالملک خلیفه وقت بود[[7]](#footnote-7)، و همچنین ولید بن عبدالملک با نفیسه دختر زید بن حسن بن علی ازدواج کرد[[8]](#footnote-8) ؛ و امثال این وصلت‌ها در کتب سیره فراوان دیده می‌شود.
2. مدح و ستایش: امام علی می‌فرماید: من اصحاب محمد را مشاهده کردم و کسی را همچون آنان نیافتم، با حالتی آشفته صبح می‌کردند، و در حالت سجده و قیام و در بین پیشانی و زانوهایشان شب را به استراحت می‌گذراندند، در هنگام ذکر قیامت همچون ذغال افروخته می‌شدند، به خاطر طول سجده‌هایشان بین چشمانشان همچون زانوی بز گود شده بود، هرگاه نام خدا برده می‌شد چشمانشان پر اشک می‌شد آنچنان که پیشانیشان خیس می‌شد، و از ترس عقاب و امید به ثواب همچون درخت در روز طوفانی به این سوی و آن سوی کشیده می‌شدند[[9]](#footnote-9) و نیز در مدح ابوبکر می‌گوید: او پاک جامه و کم عیب رفت، خیرش اصابت کرد و بر بدیش سبقت گرفت، فرمانبرداری از خداوند را ادا کرد و آنچنان که شایسته بود تقوای او را پیشه کرد[[10]](#footnote-10). آمده است که امام جعفر صادق به زنی که از او در مورد ابوبکر و عمر پرسیده بود: آیا باید ولایت آنها را بپذیرم ؟ گفت: ولایتشان را بپذیر، آن زن گفت: فردا که پروردگارم را ملاقات کنم به او می‌گویم که تو مرا به قبول ولایتشان امر کردی؟! گفت: آری بگو[[11]](#footnote-11). و روایت شده که مردی از یاران امام باقر وقتی شنید امام باقر ابوبکر را به لقب صدیق توصیف کرد تعجب کرد و گفت: آیا او را چنین توصیف می‌کنی؟ باقر گفت: آری او صدیق بود و هرکسی به او صدیق نگوید خداوند کلام او را در آخرت تصدیق نمی‌کند[[12]](#footnote-12).
3. نامگذاری فرزندان: امامان آل بیت فرزندانشان را به نام خلفا نامگذاری می‌کردند ؛ امام علی فرزندانش را: ابوبکر و عمر و عثمان نامیده بود، همانطور که علی اربلی آن را ثابت کرده است[[13]](#footnote-13)، و ابوالفرج اصفهانی و اربلی و مجلسی ذکر کرده‌اند که ابوبکر بن علی بن ابی طالب از جمله کسانی بود که در کربلا همراه برادرش حسین س کشته شد، همچنین پسر حسین که ابوبکر نام داشت همراه با آنها کشته شد(محمد اصغر کنیه ابوبکر بود)[[14]](#footnote-14).
4. دفاع فداکارانه: می‌بینیم هنگامی که فتنه جویان سرکش منزل عثمان بن عفان را محاصره کردند امام علی از او دفاع کرد و مردم را از او دور کرد و فرزندانش حسن و حسین و برادرزاده‌اش عبدالله بن جعفر را به دفاع از او فرستاد[[15]](#footnote-15).

بعد از این بررسی اجمالی شما را متوجه امر مهمی می‌سازيم و آن اینست که احیاناً اگر در مورد حقیقت این امور سوال کنی و در جواب به تو گفته شود: این سخن نادرست است، برای اطمینان می‌توانی به کتابها مراجعه کنی، یا اینکه ممکن است گفته شود: این کارها به خاطر تقیه بوده، اما ما به شما می‌گویم لازم است که خط مشی و روشی برای تشخیص تقیه از حقیقت وجود داشته باشد، در غیر اینصورت انسان در نقل از تمایلاتش پیروی می‌کند و اگر کلامی را نپسندید می‌گوید این تقیه است، و اگر پسندید می‌گوید این تقیه نیست، و ما از شما می‌پرسم: چرا انسان به تقیه پناه می‌برد؟ مگر به خاطر نیاز و خوف نیست؟ در این صورت چرا امام علی باید بترسد و به تقیه پناه ببرد در حالی که بالاترین منصب سیاسی (امیرالمومنین) را داراست؟ در اینجا نیازی به تقیه نیست، این در حالی است که پیامبر ص فرموده است یکی از سه گروهی که خداوند در روز قیامت به آنها نظر نمی‌اندازد و تزکیه‌شان نمی‌كند و عذاب دردناکى دارند: پادشاه دروغگوست. چون او نیازی به دروغ ندارد، و اگر ما تقیه را در خطاب دینی در صورت عدم نیاز به آن جایز بدانیم به طریق اولی باید آن را در معاملات تجاری، سیاسی و اجتماعی جایز بدانیم، تا جایی که به مرحله‌ای می‌رسیم که بعضی از ما به دیگری سخن راست نخواهد گفت.

در پایان این سخن رسول گرامی را یادآور می‌شويم که فرمودند: «أتدرون من المفلس؟ قالوا: المفلس فینا من لا درهم له ولا متاع فقال: إنَّ المفلس من أمتي من یأتي یوم القیامة بصلاة، وصیام، وزکاة، ویأتی قد شتم هذا، وقذف هذا، وأکل مال هذا، وسفک دم هذا، وضرب هذا، فیعطى هذا من حسناته، وهذا من حسناته، فإن فنیت حسناته قبل أن یقضی ما علیه، أخذ من خطایاهم فطرحت علیه، ثم طرح في النار». (الترمذي، حديث: 2418، وصححه الألباني).

یعنی: آیا می‌دانی مفلس کیست؟ گفتند: مفلس نزد ما کسی است که پول و دارایی نداشته باشد. فرمود: به راستی مفلس کسی است که در روز قیامت با نماز و روزه و زکات می‌آید در حالی که به یکی توهین کرده و به یکی تهمت زده و مال دیگری را خورده و خون شخصی را ریخته و دیگری را زده، تمام اینها از حسناتش گرفته می‌شود ؛ اگر حسناتش تمام شود قبل از اینکه خطاهایش قضا شود، از خطاهای آنها گرفته می‌شود و به او منتقل می‌شود و در آتش افکنده می‌شود.

آیا نمی‌ترسی از اینکه در روز قیامت با افلاس روبرو شوی به خاطر کثرت توهین و دشنام به کسانی که مستحق توهین نبوده‌اند؟ و حسناتی که در کسب آنها رنج برده‌ای را از تو بگیرند؟

توصیه ما به شما این است: تلاش کن خودت حق را جویا شوی، و بدان که هیچ کسی جز عمل خودت در روز قیامت به تو نفعی نمی‌رساند، بنابراین از عملت مطمئن شو که آیا صالح است یا خیر؟ گاهی انسان کاری را انجام می‌دهد و گمان می‌کند که عمل صالحی است، سپس در روز قیامت غیر آن ثابت می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: ﮋ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﮊ. (الغاشيه: ٢ – ٤).

«چهره‌هائي در آن روز خاشع و ذلت بارند. آنها كه پيوسته عمل كرده و خسته شده‌اند. و (سرانجام اين زحمت‌كشان خسته و بيهوده‌گر) در آتش سوزان وارد مي‌گردند».

و پیوسته از خداوندی که بر هر چیزی علیم است بخواه که تو را به سوی حقیقت راهنمایی کند، و به آن ختم دهد، و از جمله برترین دعاهایی که در روایت آمده اینست:

«اللهم أرنا الحق حقاً وارزقنا اتباعه، وأرنا الباطل باطلاً وارزقنا اجتنابه، ولا تجعله ملتبساً علینا فنضل واجعلنا للمتقین إماماً».

«پروردگارا حق را آنگونه که هست به ما بنمایان و پیروی آن را بر ما ارزانی بدار، و باطل را آنگونه که هست بر ما بنمایان و اجتناب از آن را بر ما ارزانی بدار، و آن را بر ما ملتبس مگردان که گمراه شویم و ما را پیشوای متقیان قرار ده».

چرا صحابه را دوست داریم ؟

ترجمه: لماذا نحب الصحابة

تهیه : خالد ابو صالح

ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ

الحمدلله وحده والصلاه والسلام على من لا نبي بعده نبينا محمد وعلى آله وصحبه أما بعد

همانا که محبت و علاقه به اصحاب رسول الله ص در نزد اهل سنت و جماعت از اصول ایمان قلمداد می‌شود. چرا که این گروه (صحابه) برگزیدگان بشریت به شمار می‌آیند. آنان کسانی هستند که خداوند عز وجل ایشان را برای مصاحبت با رسولش و انتشار دینش انتخاب کرد. همان کسانی که وظیفه سنگین حفظ دین و تبلیغ آن را به نسل‌های آینده به نحو احسن انجام دادند. و گفتنی است که اگر این گروه برگزیده نبود شریعت اسلام نیز مانند دین یهود و مسیحیت دستخوش تحریف می‌شد. حال اگر کسی در صلاحیت و صداقت صحابه ایراد وارد کند در واقع به کتاب و سنتی که به وسیله ایشان به ما رسیده است طعن وارد کرده است.

از جانب دیگر، آیات و احادیث زیادی در فضیلت صحابه وارد شده است که دوست داشتن و دفاع از آنها، و دشمنی با کسانی که به ایشان توهین می‌کنند را بر ما واجب می‌کند.

بنابراین ما صحابه را دوست داریم برای اینکه:

1. خداوند تعالی از ایشان راضی گشته است، چنان که می‌فرماید: ﮋ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮊ. (الفتح: 18).

«خداوند از مؤمنان ـ هنگامى كه در زير آن درخت (بيعه‌الرضوان‌ كه‌ در حديبيه‌ انجام‌ گرفت) با تو بيعت كردند ـ راضى و خشنود شد; خدا آنچه را در درون دلهايشان (از ايمان و صداقت) نهفته بود مى‏دانست; از اين رو آرامش را بر دلهايشان نازل كرد و پيروزى نزديكى (يعنى فتح‌ خيبر) بعنوان پاداش نصيب آنها فرمود».

1. برای اینکه خداوند تعالی به صفت ایمان از صحابه یاد کرده است، چنانکه فرموده است: ﮋ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﮊ. (الأنفال: 62).

«خداوند است كه تو را، با يارى خود و مؤمنان، تقويت كرد».

1. صحابه را دوست داریم زیرا خداوند آنها را تایید کرده و آنها را رستگار خوانده و به ایشان وعده بهشت داده است، در این باره می‌فرماید: ﮋﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤﭥ ﭦ ﭧ ﭨﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﭸﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﮊ. (التوبه: 88-89).

«ولى پيامبر و كسانى كه با او ايمان آوردند، با اموال و جانهايشان جهاد كردند; و همه نيكيها براى آنهاست; و آنها همان رستگارانند! خداوند براى آنها باغهايى از بهشت فراهم ساخته كه نهرها از زير درختانش جارى است; جاودانه در آن خواهند بود; و اين است رستگارى (و پيروزى) بزرگ!».

1. صحابه را دوست داریم زیرا خداوند درباره آنها فرموده است: ﮋ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﮊ. (آل عمران: 110).

«شما بهترين امتى بوديد كه به سود انسانها آفريده شده‏اند».

ابن عباس م در تفسیر این آیه می‏گوید: منظور کسانی هستند که با محمد ص هجرت کردند.

1. صحابه را دوست داریم زیرا خداوند عز وجل نیز آنها را دوست دارد، آنچنانکه فرموده است: ﮋﮤ ﮥﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮊ. (المائده: 54). «خداوند به زودی قومی را به وجود می‏آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز خداوند را دوست دارند». حسن بصری می‌گوید: قسم به خدا که این آیه در باره مردم حروراء[[16]](#footnote-16) نازل نشده است بلکه درباره ابوبکر و عمر و یارانشان نازل شده است.
2. صحابه را دوست داریم زیرا که خداوند از آنها با صفت ایمان یاد کرده است، در این باره می‌فرماید: ﮋﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭﯮ ﮊ. (الأنفال: 74).

«و آنها كه ايمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد كردند، و آنها كه پناه دادند و يارى نمودند، آنان مؤمنان حقيقى‏اند; براى آنها، آمرزش (و رحمت خدا) و روزى شايسته‏اى است».

آنها را دوست داریم چرا که پیامبر ص محبتشان را نشانه ایمان، و بغضشان را نشانه نفاق دانسته است، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ». (بخارى:33).

از ابوهريره  روايت است كه نبي اكرم ص فرمود: «نشانة منافق، سه چيز است: اول اينكه در صحبت‏هاي خود، دروغ مي‏گويد. دوم اينكه خلاف وعده، عمل مي‏كند. سوم اينكه در امانت، خيانت مي‏كند».

نشانه ایمان دوست داشتن انصار و نشانه منافق تنفر از انصار می‏باشد.

1. صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ص ما را از بدگویی آنها منع کرده است و فرموده‏اند: «إذا ذكر أصحابي فأمسكوا». (الطبرانی). هرگاه درباره‏ی صحابه من صحبت به میان آمد از بدگویی آنها خودداری کنید.
2. صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ص آنها را سبب امنیت امت اسلام دانسته است، در این باره فرموده‏اند: «النجوم أمنة للسماء، فإذا ذهبت النجوم أتى السماء ما توعد، وأنا أمنة لأصحابي فإذا ذهبتُ أتى أصحابي ما يوعدون، وأصحابي أمنة لأمتي، فإذا ذهب أصحابي أتى أمتي ما يوعدون». (مسلم).

ستاره‏ها سبب امنیت آسمان هستند پس هر گاه از بین بروند وعده‏ی (ناآرامی) آن فراخواهد رسید، و من سبب امنیت اصحابم هستم، پس هر گاه از دنیا رفتم وعده‏ی ناآرامی در آنها فراخواهد رسید، و اصحابم سبب امنیت امتم هستند، پس هرگاه آنها از دنیا رفتند وعده‏ی ناآرامی در امت من فراخواهد رسید.

1. صحابه را دوست داریم برای اینکه پیامبر ص آنها را بهترین مردم معرفی کرده است، چنانکه می‏فرماید: «خير أمتي القرن الذي بعثت فيه، ثم الذين يلونهم، ثم الذين يلونهم». (مسلم). بهترین افراد امت من کسانی هستند که من در بین آنها مبعوث شده‏ام (صحابه)، سپس کسانی که بعد از ایشان می‏آیند (تابعین)، و سپس کسانی که بعد از ایشان می‏آیند (تبع تابعین).
2. صحابه را دوست داریم زیرا که پیامبر ص ما را از ناسزا گفتن به آنها باز داشته است، و فرموده است: «لا تسبوا أصحابي ، فوالذي نفسي بيده لو أنَّ أحدكم أنفق مثل أحد ذهباً ما بلغ مُدَّ أحدهم ولا نصيفه». (مسلم). به اصحاب من ناسزا نگویید، قسم به آن کسی که جان من در دست اوست (خداوند) اگر هر یک از شما به اندازه‏ی کوه احد طلا بخشش کند، نمی‏تواند به اندازه‏ی نصف کف دست، حسنات آنها نیکی کرده باشد، چه برسد به اندازه یک کف دست.
3. صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ص کسی را که به آنها ناسزا بگوید لعنت کرده است چنانکه می‏فرماید: «لعن الله من سب أصحابي». (الطبرانی). خداوند لعنت کند کسی که به اصحاب من ناسزا بگوید.
4. صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ص فرموده‏اند که نصرت و گسترش دین توسط ایشان و یارانشان خواهد بود، و این چنین هم شد. ایشان در این باره فرموده‏اند: «يأتي على الناس زمان، يغزو فئام من الناس، فيقال: فيكم من صاحب رسول الله ص؟ فيقولون: نعم، فيفتح لهم، ثم يأتي على الناس زمان، فيغزو فئام من الناس، فيقال لهم: فيكم من صاحب أصحاب رسول الله ص؟ فيقولون: نعم، فيفتح لهم، ثم يأتي على الناس زمان، فيغزو فئام من الناس، فيقال لهم: هل فيكم من صاحب من صاحب أصحاب رسول الله ص؟ فيقولون: نعم، فيفتح لهم». (بخاری ومسلم). یعنی: زمانی فرا می‏رسد که گروهی از مردم جهاد می‏کنند، از آنها پرسیده می‏شود که آیا در بین شما کسی هست که همراهی رسول الله ص کرده باشد، می‏گویند بله، و بدینوسیله پیروز می‏شوند، سپس زمان دیگری فرا می‏رسد و گروهی از مردم جهاد می‏کنند، به آنها گفته می‏شود: آیا در میان شما کسی که صحابه‏ی پیامبر را همراهی کرده باشد، می‏گویند: بله، آنگاه پیروز می‏شوند، سپس زمانی فرا می‏رسد که گروهی از مردم به جهاد می‏پردازند، از آنها سوال می‏شود که آیا در بین شما کسی هست که همراهان صحابه را همراهی کرده باشد، می‏گویند: بله، پس پیروز می‏شوند.
5. صحابه را دوست داریم چون آنها وزیران پیامبر ص و یاران ایشان بودند، پیامبر ص در این باره می‏فرمایند: «إن الله تبارك وتعالى اختارني، واختار لي أصحاباً، فجعل لي منهم وزراء وأنصاراً وأصهاراً، فمن سبهم فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين، لا يقبل منه يوم القيامة صرف ولا عدل». (حاکم و آنرا صحیح دانسته است). یعنی خداوند تبارک و تعالی مرا برگزید، و همچنین برای من یارانی برگزید، و برایم از بین این یاران وزیران و یاوران و خویشانی قرار داد، پس اگر کسی به آنها ناسزا بگوید لعنت خداوند و ملائکه و تمامی مردم بر او باد، و در روز قیامت هیچگونه توبه و فدیه‏ای از او قبول نمی‏شود.
6. صحابه را دوست داریم زیرا دوست داشتنشان دلیل بر دوست داشتن پیامبر ص می‏باشد، و نفرت از ایشان نیز دلیل بر نفرت از پیامبر ص می‏باشد، رسول الله ص در این باره می‏فرماید: «الله الله في أصحابي، لا تتخذوهم غرضاً بعدي، فمن أحبهم فبحبي أحبهم، ومن أبغضهم فببغضي أبغضهم، ومن آذاهم فقد آذاني، ومن آذاني فقد آذى الله، ومن آذى الله أوشك أن يأخذه».

«شما را بخدا، شما را بخدا، راجع به ياران (خدا را در نظر داشته باشيد) آنها را بعد از من هدف-انتقاد- خود قرار ندهيد هركس كه آنها را دوست داشته باشد، بخاطر دوستى من با آنها دوستى مي‏كند، و هر كس كه بر آنها بغض بورزد بخاطر دشمنى با من بر آنها بغض مي‏ورزد، و هر كس آنها را اذيت كند، مرا اذيت كرده است، و كسى كه مرا اذيت كند خدا را اذيت كرده است، و كسى كه خدا را اذيت كند بزودى او را بسزايش مي‏رساند». (أحمد وترمذی واو آن را حسن دانسته است).

1. صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ص نگه داشتن احترام ایشان و منزلتشان را نگهداری مکانت خود دانسته است، آنچنانکه می‏فرماید: «احفظوني في أصحابي، ثم الذين يلونهم، ثم الذين يلونهم». (ابن ماجه، وآلبانی آن را تصحیح کرده است). یعنی منزلت مرا با نگه داشتن حرمت اصحابم و کسانی که تا دو قرن بعد از ایشان می‏آیند حفظ کنید.
2. صحابه را دوست داریم زیرا آنها از اهل علم و فضیلت و اخلاق و راستگویی هستند، آنچنانکه پیامبر ص در این باره می‏فرماید: «أرأف أمتي بأمتي أبوبكر، وأشدهم في دين الله عمر، وأصدقهم حياء عثمان، وأقضاهم علي، وأفرضهم زيد بن ثابت، وأقرؤهم أبيّ، وأعلمهم بالحلال والحرام معاذ بن جبل، ألا وإن لكل أمة أميناً، وأمين هذه الأمة أبوعبيدة بن الجراح». (حاکم).

مهربانترین فرد امتم برای امتم ابوبکر است، و محکم‏ترینشان در امر دین عمر است، و باحیاترینشان عثمان و بهترینشان در قضاوت علی و داناترینشان در علم میراث زید بن ثابت و آگاه‏ترینشان به قرائت قرآن ابیّ بن کعب و عالم‏ترینشان در حلال و حرام معاذ بن جبل می‏باشد، و در هر امتی امینی وجود دارد و امین امت من ابو عبیده بن الجراح است.

ابن مسعود س اینگونه اصحاب پیامبر ص را توصیف می‏کند:

وقتی که خداوند به قلب بندگانش نظر افکند قلب محمد ص را بهترین قلب بندگانش یافت، آنگاه بود که او را برای خود برگزید و به پیامبری مبعوث کرد، سپس برای بار دیگر به قلب بندگانش نظر افکند و قلب اصحاب پیامبر ص بهترین قلبهای بندگانش یافت، آنگاه بود که آنها را وزیران پیامبر ص قرار داد تا در راه دینش جنگ کنند.

و همچنین می‏فرماید: هر کس که می‏خواهد از سنت پیروی کند به کسانی که فوت کرده‏اند اقتدا نمايد، زیرا نمی‏دانی آن کسی که زنده است دچار فتنه می‏شود یا نه، و آن کسانی که از دنیا رفته‏اند اصحاب پیامبر ص هستند، کسانی که از بین امت اسلام از همه در باور دینی‏شان قوی‏تر و عالمتر بودند و تکلفشان در دین از همه کمتر بود، قومی بودند که خداوند آنها را برای همراهی پیامبرش ص و برپا کردن دینش برگزید، قدر و منزلت آنها را بدانید و به روش آنها اقتدا کنید چرا که آنها بر هدایت و راه راست بودند.

فرموده امام اهل سنت احمد بن حنبل : در باره‏ی صحابه:

و از جمله مسایل واضح و آشکار بیان کردن نیکی‏های تمامی اصحاب رسول الله ص می‏باشد، و همچنین خویشتن داری از بازگو کردن اشتباهات و مخالفت‏هایی که در بین آنها رخ داده است نیز از جمله همین مسایل می‏باشد، بنابراین اگر کسی به اصحاب رسول الله ص یا یکی از آنها ناسزا بگوید، یا به آنها توهین یا طعنه وارد کند، یا به ذکر معایب آنها بپردازد و از آنها یا یکی از آنها عیب جویی کند، چنین شخصی مبتدع، رافضی، ناپاک، و مخالف اهل سنت است، و خداوند هیچ‏گونه توبه و فدیه‏ای را از او قبول نمی‏کند، و بر خلاف آن دوست داشتن صحابه سنت است، و دعا کردن در حقشان از قربات می‏باشد، و اقتدا کردن به آنها وسیله نجات، و در پیش گرفتن راه و روش آنها فضیلت به حساب می‏آید. و صحابه پیامبر ص بهترین مردم هستند، شایسته‏ی هیچ کس نیست که از آنها بدگویی کند، یا اینکه به آنها طعنه، عیب و توهین وارد نماید.

فرموده امام آجری : در باره‏ی صحابه:

و از جمله چیزهایی که خداوند توفیقش را داد که در کتابم: (شریعه) به رشته تحریر در آورم فضایل رسول الله ص می‏باشد، و بعد از آن به ذکر فضایل صحابه کرامش خواهم پرداخت، آن کسانی که خداوند آنان را برگزید و برای پیامبرش وزیر، خویشاوند، یاور و خلفای او برای امتش قرار داد، و آنها مهاجرین و انصار هستند، خداوند از آنها در قرآن به زیباترین اوصاف یاد کرده است، و همچنین در قرآن آمده است که خداوند از آنها در تورات نیز به بهترین اوصاف یاد کرده است، و این فضل خداوند است، آن خداوندی که از فضل بسیار بزرگ و عظیمی برخوردار است و آن را به هر کس که بخواهد عطا می‏کند.

مهاجرین: مهاجرین آن کسانی هستند که به خداوند و رسولش ص ایمان آوردند، و با عملشان ایمانشان را ثابت کردند، با پیامبر ص در تمام سختی‏ها ایستادگی کردند، ذلت و گشنگی در راه خدا را بر عزت و سیری در راه غیر خدا ترجیح دادند. در راه رضای خداوندی با خویش و ناخویش در افتادند، با پیامبر ص هجرت کردند، و پدر و مادر و خانواده و قبیله و ثروت و دارایی خود را در این راه رها کردند، و با تنگدستی به مدینه آمدند، تمام اینها به سبب آن محبتی بود که به خداوند تبارک وتعالی و رسول گرامیش داشتند.

خداوند و رسولش از تمام کسان و چیزهایی که ذکر کردیم برایشان مهمتر بودند، و این به سبب ایمان راستین، عقل صحیح، نفس پاک، رای درست، صبر شکیبا، و توفیق خداوند عز وجل بود، خداوند می‏فرماید: ﮋ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ. (المجادله: 22). «خداوند از آنها خشنود است و آنها نيز از خداوند خشنودند، آنها حزب الله‌اند، بدانيد حزب‌الله پيروزان و رستگارانند».

انصار: کسانی هستند که خداوند آنان را برای نصرت و یاری دینش و پیروی از پیامبرش برگزید، از وقتی که پیامبر ص هنوز در مکه بود ایمان آوردند، با او بیعت کردند، و در بیعتشان با او صادق بودند، او را دوست داشتند و به یاریش برخاستند، و از آن نوری که بر او نازل شد پیروی کردند، به سبب محبتی که به پیامبر ص داشتند از او خواستند تا با ایشان به مدینه بیاید، ولی پیامبر به ایشان فرمود که هنوز وقتش نرسيده، سپس آن مهاجرینی که در مکه با پیامبر ص بیعت کرده بودند به شهر خود مدینه بازگشتند و خبر ایمان خود را به پیامبر برای برادران خود بازگو کردند، پس آنها نیز ایمان آوردند و در این راه استوار ماندند.

وقتی که پیامبر ص به سوی ایشان هجرت فرمودند بسیار خوشحال شدند و مقدمشان را گرامی داشتند و با آغوش باز از او استقبال کردند، و او را اکرام و تعظیم نمودند، و دانستند که این هجرت مبارک نعمتی بزرگ از جانب خداوند برای آنها می‏باشد.

سپس بقیه مهاجرین از مکه آمدند، انصار از هجرت آنها نیز بسیار خوشحال شدند، به نحو احسن به آنها نیکی کردند، خانه‏های خود را بین همدیگر تقسیم کردند، آنها را بر زن و بچه‏ی خود ترجیح دادند، بسیار آنها را دوست داشتند، و بعد از اینکه با هم دشمنی و عداوت داشتند به توفیق خداوند قلبهایشان با هم اُنس گرفت و در راه او با هم برادر شدند.

خداوند در وصف صحابه می‏فرماید: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﮊ. (الأنفال: 62-63 ).

«و اگر بخواهند تو را فريب دهند، خدا براى تو كافى است; او همان كسى است كه تو را، با يارى خود و مؤمنان، تقويت كرد و دلهاى آنها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روى زمين است صرف مى‏كردى كه ميان دلهاى آنان الفت دهى، نمى‏توانستى! ولى خداوند در ميان آنها الفت ايجاد كرد! او توانا و حكيم است!».

و در جای دیگر نیز می‏فرماید: ﮋ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌﮊ. (آل عمران: 103).

«و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به ياد آريد كه چگونه دشمن يكديگر بوديد، و او ميان دلهاى شما، الفت ايجاد كرد، و به بركت نعمت او، برادر شديد! و شما بر لب حفره‏اى از آتش بوديد، خدا شما را از آن نجات داد».

پس همه صحابه از مهاجرین و انصار با هم بر محبت خداوند عز وجل و رسول گرامیش ص، و بر همکاری و همدلی برای یاری دین پیامبر ص و اجرا کردن دستورات ایشان در هر حالت خوش و ناخوشی متفق شدند، و از هیچ کس در این را واهمه‏ای نداشتند.

به همین سبب خداوند از مهاجرین و انصار در قرآن بیش از چند بار با بهترین اوصاف یاد کرده است، و به همه‏ی آنها وعده بهشت برین را داده است، آن بهشتی که در آن جاویدان هستند، و فرموده است که او از صحابه و آنها نیز از خداوند خشنود گشته‏اند: ﮋ ﭿ ﮀ ﮁﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ. (المجادله: ٢٢). «آنها حزب الله‌اند، بدانيد حزب‌الله پيروزان و رستگارانند».

فرموده امام ذهبی : در باره‏ی صحابه:

کسی می‏تواند فضایل صحابه را بداند که زندگی و تعاملشان را در زمان پیامبر ص و بعد از وفات ایشان مورد بررسی قرار دهد، آنانی که با هم در ایمان آوردن، جنگیدن با کفار، نشر دین، برپا کردن امور دین، بالا بردن شان دستور خداوند و پیامبرش، یاد آموزی فریضه‏ها و سنتهای پیامبر ص به دیگران، در تمام این امور از هم پیشی می‏گرفتند، و اگر صحابه نبودند به هیچ وجه نه اصل و نه فرعی از دین الهی به ما نمی‏رسید، و به هیچ وجه از اخبار و احادیث پیامبر ص با خبر نمی‏شدیم. بنابراین اگر کسی به آنها طعنه بزند، یا به آنها ناسزا بگوید، به کلی از دین اسلام خارج می‏شود، زیرا طعنه زدن به صحابه مبنی بر اعتقاد داشتن به نادرستی آنها می‏باشد، و دلالت بر حقد آنها بر صحابه می‏دهد، و باعث انکار و رد آن اوصافی می‏شود که خداوند در قرآن کریم و رسول الله ص در سنت پاکش از آن یاد کرده‏اند.

و همچنین صحابه بهترین اسباب رسیدن به احادیث پیامبر ص هستند، و اگر کسی به اسباب طعن وارد کند در حیقیقت طعن بر اصل (پیامبر ص) وارد کرده است، و توهین به ناقل نصوص شریعت، در حقیقت توهین به خود نصوص می‏باشد، و این مساله برای هر کسی که اهل تدبر باشد، و از نفاق و کفر و الحاد در عقیده‏اش به دور باشد قابل درک است. (الکبائر ص 274).

فضیل بن عیاض : می‏گوید: محبت صحابه ذخیره‏ای برای آخرت است، خدا رحمت کند کسی را که بر صحابه محمد ص رحمت بفرستدد.

و عبدالله بن المبارک : نیز می‏گوید: اگر در شخصی دو ویژگی وجود داشته باشد امیدوارم که از عذاب روز قیامت نجات یابد، راستگویی، و محبت اصحاب محمد ص.

و ابوبکر بن الطیب نیز اشعاری در وصف بعضی از صحابه سروده است که این مضمون را در بر دارد: من به الگو بودن علی آنچنان معتقد هستم که به نجات ابوبکر از آتش جهنم معتقدم، و از عمر و همراهانش احساس رضایت دارم، و به هیچ وجه راضی نبودم که عثمان در خانه‏اش به قتل برسد، تمام صحابه در نزد من قدوه و بزرگ هستند، و آیا با چنین اعتقادی مورد ملامت قرار می‏گیرم؟!، خدایا اگر می‏دانی که من آنها را فقط به خاطر رضا و خشنودی تو دوست دارم پس مرا از آتش جهنم نجات ده.

**براى ارتباط با ما می‌‌توانيد با آدرس زير تماس بگيريد:**

**السعودية: الرياض ـ الرمز البريدي:** (11757) ص. پ: (150103)

www.aqeedeh.com

ES@al-islam.com

1. - حرف او بمعنی یا که در حدیث وجود دارد در اصطلاح علم حدیث تشکیک راوی است، یعنی راوی دقیق نمی‌داند که پیامبر هنگام بیان این حدیث فرموده: مع الناس یا مع الجماعه یا في المسجد. یعنی فقط یکی از آنها را بیان فرموده اما راوی در شک است. پس در اینگونه موارد (او) یا بمعنی ترتیب نیست. [↑](#footnote-ref-1)
2. - نکاح تحلیل عبارت است از حلال گرداندن زنی که طلاق سوم داده شده برای همسر اولش به این ترتیب که زن با مرد دیگری ازدواج کند و آمیزش با او صورت گیرد و سپس آن مرد او را طلاق دهد بدون اینکه قبلاً بر این ازدواج و طلاق دوم توافق شده باشد. که در این نوع نکاح شرعاً جائز است زن دوباره با شوهر اول خود ازدواج نماید. ﮋ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﮊ. (البقره: 230). «اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار ديگر) او را طلاق داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود؛ مگر اينكه همسر ديگرى انتخاب كند (و با او، آميزش‏جنسى نمايد)».

   اما آنچه که بعضی‌ها درباره نکاح تحلیل انجام می‌دهند و لعن پیامبر شامل آنهاست بدین صورت است که بعد از طلاق زن از همسرش، با مرد دیگری به توافق می‌رسند که زن را به عقد وی درآورند و سپس آن مرد بعد از آمیزش زن را طلاق بدهد. اينجا است كه پیامبر ص می‌فرماید (لعنت خدا بر تحلیل کننده و تحلیل شونده باد). [↑](#footnote-ref-2)
3. مجلسی در بحار الأنوار (ص621)، کلینی در الکافی قسمت فروع (6/115). [↑](#footnote-ref-3)
4. چون نسبش از دو جهت به ابوبکر منتهی می‌شود :اول از جهت مادرش فاطمه دختر قاسم بن ابی بکر. و دوم از جهت مادر بزرگ مادریش اسماء دختر عبدالرحمن بن ابی بکر که مادر فاطمه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر است. رجوع کشف الغمه اربلی (2/373). [↑](#footnote-ref-4)
5. نگا: الکافی (5/7) و کتاب سلیم بن قیس (ص362). [↑](#footnote-ref-5)
6. نسب قریش مصعب زبیری (ص45). [↑](#footnote-ref-6)
7. نسب قریش مصعب زبیری (52). [↑](#footnote-ref-7)
8. عمدة الطالب في أنساب آل ابی طالب. ابن عنبة (111). [↑](#footnote-ref-8)
9. نهج البلاغة خطبه شماره (97). [↑](#footnote-ref-9)
10. نهج البلاغة (ص350) تحقیق: صبحی الصالح. [↑](#footnote-ref-10)
11. روضة الکافی ( 8/101). [↑](#footnote-ref-11)
12. کشف الغمة (2/360). [↑](#footnote-ref-12)
13. علی اربلی (2/66) «کشف الغمة فی معرفة الأئمة [↑](#footnote-ref-13)
14. مقاتل الطالبيین»تألیف ابوالفرج اصفهانی (ص: 88، 142، 188)چاپ بیروت. واربلی در «کشف الغمة» (2/66)، و مجلسی در جلاء العیون (ص582). [↑](#footnote-ref-14)
15. شرح نهج البلاغة تألیف: ابن ابی حدید (10/581) چاپ ایران، وتاریخ مسعودی (2/344). [↑](#footnote-ref-15)
16. 1 ـ حروراء نام منطقه‏ای در عراق است که خوارج در آن ساکن بودند. [↑](#footnote-ref-16)